

نگرشی به احادیث حوض

آیا احادیث حوض گویای ارتداد صحابه است؟

با مقدمه:

شیخ صالح بن عبدالله درویش

قاضی دادسری عمومی قطیف

تألیف:

شیخ عبدالله بن عبشان الغامدی

عنوان کتاب:

نگرشی به احادیث حوض

با مقدمه:

شیخ صالح بن عبدالله درویش

تألیف:

شیخ عبدالله بن عبشان الغامدی

مترجم:

حدیث و سنت - متون احادیث - بررسی متون احادیث

موضوع:

اول (دیجیتال)

نوبت انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

تاریخ انتشار:

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ.....
مقدمه‌ی جناب شیخ صالح بن عبدالله الدرویش	۱
مقدمه	۵
بخش اول	۱۱
بحث اول: عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی حوض	۱۱
بحث دوم: تواتر احادیث حوض	۱۴.....
بحث سوم: منکرین حوض	۱۵.....
بحث چهارم: آیا تمامی پیامبران حوض دارند؟	۲۲.....
بحث پنجم: آیا حوض اکنون وجود دارد؟	۲۶.....
بحث ششم: ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ	۲۸.....
اولاً: آب حوض:	۲۹.....
ثانیاً: بوی آن:	۲۹.....
ثالثاً: جام‌های حوض:	۲۹.....
رابعاً: تأثیر آن:	۳۰.....
خامساً: طعم آن:	۳۰.....
سادساً: سردی آن:	۳۰.....
سابعاً: سرچشمه‌ی آن:	۳۰.....
اما حوض همان کوثر است یا خیر؟	۳۱.....

- ثامناً: وسعت حوض:..... ۳۳
- بحث هفتم: معنای «أنا فَرَطُكُمْ علي الحوض»..... ۳۸
- بحث هشتم: حوض در کجای قیامت قرار دارد؟..... ۳۸
- بخش دوم** ۴۵
- تمهید ۴۵
- بحث اول: معنای کلمه «الدُّود»..... ۴۶
- بحث دوم: احادیث ممانعت از حوض ۴۷
- بحث سوم: معنای ممانعت از حوض چیست؟..... ۵۳
- گفتار علما پیرامون ممانعت از حوض ۵۴
- بحث چهارم: الفاظی که مخالفان از آن استدلال می کنند..... ۶۵
- اما در حدیث:..... ۶۸
- بخش سوم** ۸۳
- تمهید ۸۳
- یک سؤال مهم: راستی، اگر همه‌ی اصحاب رسول الله ﷺ جز سه و یا پنج نفر، مرتد شده باشند، از اسلام دیگر چه می ماند؟..... ۸۴
- بحث اول: اصحاب رسول الله ﷺ نخستین کسانی هستند که بر حوض می روند و از آن می نوشند..... ۸۵
- بحث دوم: نصوص کتاب و سنت صحابه را می ستاید و نظریه‌ی ارتداد آنان را نفی می کند..... ۹۹
- آنگاه سؤالی جدی و مهم مطرح می شود:..... ۹۹
- الف: قرآن کریم:..... ۱۰۰
- ب- احادیث رسول اله ﷺ:..... ۱۱۴
- بحث سوم: نکات مهم ۱۲۳

- نکته‌ی اول: [ایمان به قرآن مستلزم اقرار به فضل صحابه]..... ۱۲۳
- نکته دوم: [احادیث ممانت از حوض را صحابه روایت کرده‌اند]..... ۱۲۳
- نکته‌ی سوم: [از حوض‌رانده‌شدگان همان مرتدانی هستند که ابو بکر صدیق رضی الله عنه علیه آنها جنگید]..... ۱۲۴
- نکته‌ی چهارم: [آیات نفاق در مورد گروه مشخصی است]..... ۱۲۴
- نکته‌ی پنجم: [آیات ذم نفاق تنها ویژه‌ی منافقان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نیست، اما آیات مدح صحابه ویژه‌ی آنهاست]..... ۱۲۴
- نکته‌ی ششم: ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ..... ۱۲۵
- نکته‌ی هفتم: در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد..... ۱۲۶
- نکته‌ی هشتم:..... ۱۲۷
- نکته‌ی نهم:..... ۱۲۸
- نکته‌ی دهم:..... ۱۲۹

پایان سخن..... ۱۳۱

مقدمه‌ی

جناب شیخ صالح بن عبدالله الدرویش

الحمد لله رب العالمین و صلی الله وسلم علی النبی الامین و علی آله و صحبه

وسلم.

أما بعد:

دشمنی شیطان با انسان، بر هیچکس پوشیده نیست، در این باره آیات زیادی وجود دارد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶]. «البته شیطان دشمن شماست پس او را دشمن بدانید، او فقط حزیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان جهنم باشند».

شیطان، این دشمن قسم خورده‌ی انسان، برای به بیراهه کشاندن و منحرف کردن انسان، همه‌ی ابزار و وسایل را به کار می‌گیرد و خداوند متعال آن ابزار را نام برده است، می‌فرماید: ﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [النساء: ۱۲۰].

«شیطان به آنها وعده می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد، در حالی که جز نیرنگ و فریب به آنها وعده نمی‌دهد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَفْزِرُّ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الإسراء: ۶۴].

«هریک از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده‌ها را بر آنان گسیل‌دار و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی و آنها را با وعده‌ها سرگرم کن! ولی شیطان جز فریب و دروغ وعده‌ای به آنها نمی‌دهد».

هرکس دنبال شبهات و شهوات باشد، در پی شیطان رفته است، عداوت شیطان بسیار واضح و آشکار است و همه از آن سخن می‌گویند، اما عملاً بسیاری از مردم که خود از آن دشمنی سخن می‌گویند، در دام شیطان می‌افتند، چه رسد به دیگران.

یکی از پرتگاه‌ها و دام‌های بزرگ شیطان که با آن، طعمه‌های خود را شکار می‌کند، اتباع و پیروی از متشابهات است که خداوند متعال ما را از آن برحذر داشته است، می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل‌عمران: ۷].

«اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند تا فتنه‌انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند».

یکی از اصول مسلم نزد علماء این است که متشابه را باید به محکم باز گرداند و این قاعده برای گشودن راز متشابهات و ابطال قیاس‌های شیطانی بسیار مفید و کار ساز است، شیطان نخستین کسی است که قیاس کرد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲].

«من از او (آدم) بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل».

ابلیس لعنه الله به ماده آفرینش خود و آدم، نظر داشت و آفریدگار را و این که همه مخلوق او هستند و این که خداوند او را به سجده امر کرده است به فراموشی سپرد، آفریدگاری را که او را به سجده امر کرده است فراموش کرد و به امری نامطلوب نظر انداخت.

این کتاب، داستانی دارد و آن این که تابستان ۱۴۲۶ هـ همراه با شیخ عبدالله بن حمود التویجری و عبدالله حیدری و محمد الباروت در مسجد الحرام بودیم که تعدادی از شاگردان شیخ یحیی که در کلاس حفظ صحیحین ایشان، شرکت کرده بودند، همراه با مردی که ظاهراً دهه چهارم عمرش را می‌گذراند، نزد ما آمدند، آن مرد خود را دانشجو معرفی کرد و گفت: یک سری اشکالاتی دارد و می‌خواهد در آن موارد پرس و جو کند، پس از گفتگویی که از نماز عصر تا عشاء طول کشید، معلوم شد که او آخوندی شیعه (حجة الاسلام) است، و مردی دیگر که همراهش بود، کارگزار سفارت ایران در یکی از کشورهای آفریقایی و مسؤول فعالیت‌های شیعه در آن کشور بود، آن آخوند، شبهاتی را برای دانشجوها طرح می‌کرد و از صحیح بخاری و احادیث آن اشکالاتی می‌گرفت و خود را معرفی نمی‌کرد و وانمود می‌کرد که دوست دارد در کلاس‌های حفظ شرکت کند.

پس از گفتگوی طولانی اعلام توبه کرد - گمان می‌کنم که صادقانه بود - و واقعیتش را برملا کرد، از خداوند می‌خواهم که همه‌ی ما را موفق بگرداند. من آن اشکالات را با برادرم شیخ عبدالله بن عبشان در میان گذاشتم و وی را برای نوشتن این کتاب تشویق کردم و در مراحل تألیف نیز از نزدیک بر کار وی نظارت می‌کردم تا این که فضل خداوند، به پایان رسید، این کتاب در باب خود بی‌نظیر است و مسائل را به گونه‌ای فراگیر مطرح کرده است، و حق را آشکار می‌نماید و از حریم صحابه رضی الله عنهم دفاع می‌کند، اکنون این کتاب را به شما تقدیم می‌کنیم، خداوند نویسنده را توفیق روزافزونی عنایت بفرماید.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

مقدمه

الحمد لله على توالى نعمة وعظيم أفضاله وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له في ربوبيته ولا في ألوهيته ولا في أسائه وصفاته وأشهد أن محمداً عبده المجتبی ونبیه المصطفى ﷺ.

أما بعد:

خداوند متعال پیامبر ما رسول الله ﷺ را ویژگی‌های بسیار و عطایای گسترده‌ای عنایت فرموده است، یکی از آنها که با احادیث صحیح ثابت است، حوض کوثر، در صحرای قیامت، می‌باشد، که آن تکریم و بزرگداشت الهی است به رسول الله ﷺ و امت ایشان که برگزیده امت هاست.

رسول الله ﷺ در آن احادیث اعلام فرموده‌اند که تعدادی از امت ایشان از حوض مبارکش، رانده و دور کرده می‌شوند، زیرا پس از ایشان تغییر ایجاد کرده و مرتد شده‌اند، و از آن دسته با الفاظی مانند: «أصحابي»، «أعرفهم»، «منکم»، و عباراتی دیگر تعبیر فرموده‌اند که گویای شناخت ایشان، از آن دسته می‌باشد، آنهایی که هدفی جز طعن اصحاب محمد ﷺ ندارند و همیشه در پی خورده گرفتن از آنان هستند، این گونه احادیث را دستاویز خود قرار داده‌اند و آن را ناظر بر (صحابه) بهترین نسل بشریت می‌دانند.

تا سخنی با آنان در میان گذاشته شود، پیش از هر چیز، این گونه احادیث را به عنوان دلیل، عنوان می‌کنند و از طرفی دیگر، بسیاری از دانشجویان و عامه‌ی مردم نیز از آن پرس و جو می‌کنند، اهل علم، مفاهیم آن احادیث را تبیین کرده‌اند و به هیچ گونه برخواسته‌های شیطانی و

برداشت نادرست آنان، دلالت نمی‌کند.

اگر این نص نبوی نبود، به نوشتن پیرامون موضوع ارتداد صحابه نیازی نبود، این یک ادعای بی‌جانی است که مرده به دنیا آمده است و مرده نمی‌تواند در میان زندگان، زندگی کند.

در این دوران، افرادی که شیفته‌ی شکار لغزش‌ها و تخریب شخصیت‌ها هستند با ادعای (بحث علمی آزاد و بی‌طرفانه)! در آن روحی تازه دمیده‌اند، آغاز این ادعا سفسطه و نهایتش زندقه و بی‌دینی است! خداوند امام سیوطی را رحمت کند که در موردی شبیه این ادعا، فرمود: «خدا شما را رحمت کند، بدانید که برخی دانش‌ها مانند دواء و برخی اندیشه‌ها، مانند اجابت مزاج هستند که باید فقط، هنگام نیاز از آن یاد شود»^۱.

اگر از اینان خواسته شود که درباره‌ی نظریات عمامه به سرها و یا باورهای دینی‌شان، بحث و گفتگو بشود، انگشت در گوش فرو می‌کنند و از آن طفره می‌روند.

طعن در صحابه رضی الله عنهم طعن در رسول الله صلی الله علیه و آله است، که آنان را پرورش داده و ستوده‌اند، بلکه طعن در خداوند متعال است که در قرآن آنان را بسیار ستوده و در تورات و انجیل برایشان مثال زده است.

خداوند متعال می‌فرماید ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾﴾ [الجمعة: ۲].

«او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنها

کتاب و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در در گمراهی آشکار بودند». شواهد و حقایق تاریخی، بر این نظریه مهر بطلان می زند و بر بی بنیادی و سستی آن شهادت می دهد، چه رسد به نصوص قرآن و سنت، این نظریه نشان بی اهمیتی دین در دل هواداران آن و انحراف از راه مؤمنان و هم چنین راه پیروان کتاب های آسمانی پیشین است، زیرا آنان نیز به خود جرأت چنین کار زشتی را نداده اند.

أولئك أتباع النبي وحزبه ولولا هم ما كان في الأرض مسلم

ولولا هم كانت ظلاماً بأهلها ولكن هم فيها بدور وأنجم

ولولا هم كانت تيمد بأهلها ولكن رواسيها وأوتادها هم

«آنان (اصحاب) پیروان و گروه پیامبرند، اگر آنان نبودند، اکنون در زمین مسلمانی وجود نداشت.

اگر آنان نبودند، دنیا یکدست، تاریکی و ظلمت بود، اما آنان ماه و ستارگان دنیا هستند.

اگر آنان نبودند، زمین آرام نمی گرفت، آنان کوه های استوار و میخ های (ثابت نگه دارنده ی) زمین هستند».

من مدعی نیابت علما برای نوشتن نیستم، منتها با توجه به نیاز شدید مردمی که دنبال حقیقت هستند، خصوصاً آنهایی که به مسایل شیعه می پردازند، اما باز هم کتابی مستقل که به این موضوع بپردازد، سراغ ندارم، مگر بسیار نادر و نایاب، هم چنین آن گونه که در بحث اول فصل سوم و بحث های دیگر خواهید دید، کسی را سراغ ندارم که از احادیثی که من از آن، بر بطلان این نظریه استدلال کرده ام، استدلال کرده باشد، اگر در این بحث راه درست و حقیقت را پیموده ام، بی تردید آن محض فضل الهی است

و بر همه‌ی نعمت‌هایش از او شاکرم و اگر جز آن باشد به او پناه می‌برم و استغفار می‌کنم، او برایم کافی و بهترین کارساز است.
خداوند رحمت کند، شاعری را که گفته است:

أسیر وراء الרכب ذا عرج مؤملاً جبر ما لاقیت من عرج
فان لحقت بهم من بعد ما سبقوا فکم لرب الوری فی الناس من فرج
وإن ظللت بقفر الأرض منقطعاً فما علی أعرج فی ذاک من حرج

«در پی این کاروان انبوه، می‌روم، تا از بیراهگی رهایی یابم.
اگر با آن پیشتازان رسیدم، حقا که آفریدگار برای مردم فرج می‌آورد.
و اگر از آنان بریدم و در بیابان گم شدم، در این زمینه بر لنگ ملامتی نیست.»

من نمی‌گویم که این نوشتار، از هر عیب و نقصی پاک است، زیرا انسان همیشه در معرض سهو و فراموشی است، خصوصاً با دانش کم و بار گناه، همین که خوبی‌هایش بر خطاهایش بیشتر باشد، کمال اوست.»

من آن را «تأملات فی أحادیث الحوض» نامیدم، خدا رحمت کند، کسی را که با برادرش از در انصاف در آید و در برابر زحمتی که متحمل شده است دعای خیر کند و با خیر اندیشی و راهنمایی خلل‌ها و کمبودها را پر نماید.
از خداوند متعال خواستاریم که این کار را خالصانه برای رضای خود، بگرداند و به ما حب اصحاب محمد ﷺ و ادب عنایت کند و ما و آنان را با رسول الله ﷺ در بهشت گرد هم آورد، و امیدوارم که سبب رهایی آنهایی باشد که در دام مظلومیت و بند اوهام گرفتارند.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله وصحبه وسلم

والحد لله رب العالمین

عبدالله بن عبشان الغامدى

دمام - شوال ١٤٢٧ هـ

بخش اول

بحث اول: عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی حوض

اهل سنت و جماعت بالاتفاق به حوضی که خداوند متعال در میدان قیامت به رسول الله ﷺ، می‌دهد، ایمان دارند، مؤمنان امت ایشان بدون هیچ مانعی از آن حوض آب می‌نوشند و آن گونه که احادیث صحیح تصریح دارند، پس از آن هرگز درمانده و بیمار و تشنه نمی‌شوند.

همه کسانی که عقیده‌ی اهل سنت را اجمالاً یا تفصیلاً بیان کرده‌اند، مسأله‌ی حوض را آورده‌اند، بنابراین مسأله‌ی حوض یکی از مسایل اعتقادی متفق علیه اهل سنت و جماعت است.

در ادامه گوشه‌ای از سخنان آنان را درباره‌ی اثبات این عقیده که مسلمانان، جز افراد انگشت شماری به آن ایمان دارند، ذکر می‌کنم، البته هدفم پی جویی و ذکر تمام اقوال علما در این باره نیست، زیرا گفتار آنان در این باره مشهور است و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد، بلکه هدفم استشهاد از کلام آنان در این زمینه است، خداوند ما و شما را به راه و روش آنان رهنمون گردد.

اکنون اقوال آنان را به ترتیب سال وفاتشان می‌آورم:

- امام احمد بن حنبل (ت: ۲۴۱ هـ) رحمته در نامه‌اش به عبدوس بن مالک می‌گوید: «و ایمان به حوض و این که رسول الله ﷺ در قیامت حوضی دارند که اصحاب ایشان بر آن وارد می‌شوند...»^۱.

۱- المسائل والرسائل المروية عن الإمام أحمد في العقيدة ۲۰۱/۲.

- امام ابن ابی عاصم (ت: ۲۸۷ هـ) رحمته الله در کتاب السنة آورده است که: «باب: در ذکر حوض پیامبر صلی الله علیه و آله»^۱ در پی آن روایاتی در اثبات آن ذکر کرده است و در پایان آن چنین می‌گوید: «اخباری که درباره‌ی حوض پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کردیم، موجب آن است که از حقیقت حوض با همان صفاتی که رسول الله صلی الله علیه و آله توصیف فرموده‌اند، آگاهی پیدا کنیم، ما بدون هیچ شک و تردیدی، ایشان را تصدیق می‌کنیم و امیدواریم خدایی که ما را به تصدیق آن توفیق داده است - و منکران آن را توفیق تصدیق نداد تا آنان را از لذت نوشیدن آن محروم بگرداند - به آن حوض راه دهد تا از آن بنوشیم و هرگز تشنه نشویم، و از کرم او امیدوار این هستیم».

- امام طحاوی (ت: ۳۲۱ هـ) رحمته الله می‌گوید: «و حوضی که خداوند متعال برای سیراب نمودن امت وی به ایشان عنایت نموده، حق است»^۲.

- امام آجری (ت: ۳۶۰ هـ) رحمته الله می‌گوید: «ایمان به حوضی که به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت شده است» و پس از آن روایاتی در این باره آورده و سپس افزوده است: «از کسی که به حوض ایمان ندارد و آن را تکذیب می‌کند به خداوند پناه می‌بریم، با آنچه ما درباره‌ی حوضی که خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت نموده است، آورده‌ایم، نیازی به روایات بیشتر نیست»^۳.

- امام ابوزید قیروانی (ت: ۳۸۶ هـ) رحمته الله در رساله‌ی مشهورش می‌گوید: «ایمان به حوض رسول الله صلی الله علیه و آله که امت ایشان به آن راه می‌یابند و هرکس از

۱- کتاب السنة ص: ۳۰۷-۳۷۴.

۲- شرح العقیة الطحاویة ص: ۲۲۷.

۳- الشریعة ص: ۳۶۳-۳۶۸.

آن بنوشد دیگر تشنه نمی‌شود و هرکس (در دین) تبدیل و تغییری ایجاد کرده است از آن باز داشته می‌شود»^۱.

- امام لالکایی (ت: ۴۱۸ هـ) رحمته می‌گوید: «ذکر احادیثی که درباره‌ی حوض از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است»^۲ و در پی آن روایتی چند از صحابه رضی الله عنهم را درباره‌ی حوض آورده است.

- امام صابونی (ت: ۴۴۹ هـ) رحمته می‌گوید: «-اهل سنت- به حوض و کوثر ایمان دارند»^۳.

- امام ابن حزم (ت: ۴۵۶ هـ) رحمته می‌گوید: «احادیث درباره‌ی حوض صحیح است و آن کرامتی است برای رسول الله صلی الله علیه و آله و آنانی که از امت ایشان به حوض راه می‌یابند»^۴.

- امام ابن عبدالبر (ت: ۴۶۳ هـ) رحمته می‌گوید: «بنا به نظر علمای مسلمانان ایمان به حوض واجب و اقرار به آن لازم است»^۵.

- قاضی عیاض (ت: ۵۴۴ هـ) رحمته می‌گوید: «حدیث حوض صحیح است و ایمان به آن واجب است و تصدیق به آن جزو ایمان است و اهل سنت و جماعت با همان کیفیتی که در احادیث آمده است، بدون هیچ گونه تأویل و تغییر معنای ظاهری، به آن ایمان دارند...»^۶.

۱- قطف الجنی الدانی ص: ۴۷.

۲- شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ۱۱۸۸/۶.

۳- عقیده السلف وأصحاب الحديث ص: ۶۱.

۴- الفصل في الملل والأهواء والنحل ۳۷۰/۲.

۵- التمهيد ۲۹۱/۲.

۶- إكمال المعلم ۲۶۰/۷.

- شیخ الاسلام ابن تیمیه (ت: ۷۲۸ هـ) رحمته می‌گوید: «حوض رسول الله ﷺ که امتش بر آن وارد می‌شوند، در میدان قیامت قرار دارد»^۱. آنچه گذشت برخی از گفتار اهل علم، محدثان و فقیهان مذاهب مختلف درباره‌ی اثبات حوض رسول الله ﷺ بود، این مسئله مورد توافق تمامی مسلمانان است و نیازی به اثبات بیشتر ندارد و منکر آن هیچ گونه دست‌آویزی ندارد، همان گونه که ابن حزم رحمته می‌گوید، «برای کسی که حوض را انکار کند هیچ دست‌آویزی جز جهل و عدم آشنایی با احادیث سراغ نداریم»^۲. والله الموفق.

بحث دوم: تواتر^۳ احادیث حوض

احادیثی که درباره‌ی حوض وارد شده است به حد تواتر می‌رسد، تعداد زیادی از صحابه رضی الله عنهم آن را از رسول الله ﷺ روایت کرده‌اند و متون آن احادیث همگی بر اثبات حوض دلالت دارد و برخی از تفصیل آن متفاوت است، قاضی عیاض رحمته می‌گوید: «حدیث (حوض) ثابت و روایت آن متواتر است و گروهی از صحابه آن را روایت کرده‌اند» و در پی آن راویان آن را نام برده و سپس افزوده است: «برخی از این احادیث چنانند که این حدیث (حوض) را از خبر واحد فراتر می‌برد و به حد حدیث مستفیض و متواتر می‌رساند»^۴.

۱- العقیده الواسطیة ص: ۲۸.

۲- الفصل فی الملل والأهواء والنحل ۳۷۰/۲.

۳- حدیث متواتر: حدیثی است که آن را گروهی بی‌شمار که توافق آنان بر دروغ عادتاً محال باشد، روایت کنند. و شروطی نیز دارد. نگا: النکت ص: ۵۸، تدریب الراوی ۶۲۶/۲، مجموع الفتاوی ۲۰/۲۵۸، ۱۸/۵۰ معجم مصطلحات الحدیث ص: ۳۴۸.

۴- أکمال المعلم ۲۶۰/۷.

ابن ابی العز حنفی رضی اللہ عنہ می گوید: «احادیثی که درباره‌ی حوض وارد شده است، به حد تواتر می‌رسد»^۱.

حافظ ابن حجر در نقدی بر قاضی عیاض و نووی درباره‌ی تعداد راویان حدیث حوض از صحابه رضی اللہ عنہم می گوید: «همه‌ی کسانی که قاضی عیاض ذکر کرده است ۲۵ نفر هستند و نووی سه نفر به آنان افزوده است و من به اندازه تعدادی که هر دوی آنان ذکر کرده‌اند، به آن افزوده‌ام که تعداد راویان به بیش از ۵۰ نفر رسید... و به من خبر رسیده است که یکی از متأخرین تعداد صحابه راوی حدیث حوض را به ۸۰ صحابی رسانیده است»^۲.

همان طور که می‌بینید احادیث حوض را تعداد زیادی از صحابه رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم روایت کرده و علمای حدیث آن را در جوامع، مسانید و صحاح خویش ثبت کرده‌اند و این امر هر مسلمان را به صحت و قطعی بودن این اخبار مطمئن می‌سازد و به این خاطر علما می‌گویند که: خبر متواتر مفید علم ضروری است، که انسان چاره‌ای جز پذیرفتن آن نمی‌یابد و معنای علم ضروری این است که: آن برعکس علم نظری نیازی به استدلال ندارد و حتی عامه مردم که اهلیت نظر و تحقیق را ندارند، آن را درک می‌کنند، والله اعلم.

بحث سوم: منکرین حوض

اهل سنت و جماعت به مقتضای احادیث متواتر رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم بر اثبات حوض اتفاق نظر دارند، و برخی بدعت‌گرا و هواپرست ثبوت حوض را انکار کرده‌اند که با دو چیز بر آنان رد می‌شود:

۱- شرح العقیة الطحاویة ص: ۲۲۷.

۲- فتح الباری ۵۷۰/۱۱.

۱- احادیث متواتر رسول الله ﷺ درباره‌ی حوض.

۲- اجماع همه‌ی اهل سنت.

قرطبی رحمته الله علیه می‌گوید: «بر هر مکلف واجب است که بداند و باور داشته باشد که خداوند متعال حوض کوثر را به رسول الله ﷺ عنایت کرده است. گروهی از بدعت‌گرایان آن را انکار کرده و بی‌آن که حمل آن بر ظاهرش مستلزم محالی عقلی و یا با دلایلی نقلی تناقضی داشته باشد که تأویل آن را بطلبد، تأویل کرده‌اند، پس تأویل آن تحریفی است که از عقلی سخیف سرچشمه گرفته و با آن اجماع سلف را نادیده گرفته و از مذهب ایمه‌ی خلف نیز جدا شده‌اند»^۱.

ابن حجر رحمته الله علیه در توضیح کلام قرطبی می‌گوید: «خوارج و برخی از معتزله آن را انکار کرده‌اند»^۲.

اشعری رحمته الله علیه می‌گوید: «با این که احادیث حوض از طرق مختلفی از رسول الله ﷺ روایت شده است و اصحاب رضی الله عنهم بی‌هیچ اختلافی آن را نقل کرده‌اند، معتزله آن را انکار کرده‌اند»^۳.

ابن عبدالبر رحمته الله علیه می‌گوید: «بدعت‌گرایان خوارج و معتزله آن را نفی کرده‌اند و اهل حق آن را همان گونه که از رسول الله ﷺ روایت شده است، تصدیق می‌کنند»^۴.

۱- المفهم ۹۰/۶.

۲- فتح الباری ۵۶۹/۱۱.

۳- الإبانة ص: ۱۶۴.

۴- التمهید ۲۹۱/۲.

معتزله بنابر اصول فاسدی که دارند، حوض را انکار می‌کنند و احادیث متواتر و ثابتی را که با اصول آنان هماهنگ نباشد، نمی‌پذیرند و اکثر دلایل سمعی را تأویل و از معنای ظاهری تحریف می‌کنند، زیرا می‌پندارند که دلایل سمعی برعکس دلایل عقلی مفید یقین نیست و بدین خاطر منهج آنان آمیزه‌ای است از تخمین‌ها و پندارهایی که آن را تقدیم عقل بر نقل می‌نامند.

عقل‌گرایان امروزی بر مذهب معتزله هستند و از آن دفاع می‌کنند و عقیده و اصول اسلام را تابع اندیشه‌ی عقلانی و مادی‌گرایانه می‌دانند و غیبات را با سلیقه‌ی فاسدشان به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با مفاهیم عقلانی محدود بشری سازگاری داشته باشد.

توجه:

متأخرین امامیه‌ی اثنا عشری در عقایدشان در باب مسایل صفات و قدر بر نقش قدم معتزله می‌روند، شیخ‌الاسلام می‌گوید: «تکیه‌گاه آنان در نظر و عقلیات: متأخرین آنها بر کتاب‌های معتزله اعتماد کرده اند و در مسایل صفات و قدر با آنان موافق هستند» و نیز می‌گوید: «... لیکن در اواخر سده‌ی سوم برخی از شیعه اقوال معتزله را پذیرفتند»^۱.

به این دلیل در بسیاری از مسایل میان آرای معتزله و آنچه در کتاب‌های امامیه نوشته شده است، تفاوت چندانی دیده نمی‌شود^۲ آیا لازمه‌ی این، آن است که مانند معتزله حوض را نیز انکار کنند؟

۱- منهاج السنة النبویة ۱/۷۲، ۷۰.

۲- نگا: مقالات الإسلامیین ص: ۴۴-۶۵، الممل والنحل ۱/۱۹۳.

پاسخ: خیر، شیعه‌ی امامیه حوض رسول الله ﷺ را می‌پذیرند، اما آن را برای خدمت مذهب خویش به کار می‌گیرند و از آن بر دو مطلب استدلال می‌کنند.

اول: اثبات امامیه در این حدیث رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا»^۱.

«من پس از خود در میان شما چیزی گذاشته‌ام که تا به آن چنگ زده‌اید، گمراه نخواهید شد: یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب الله، ریسمان کشیده شده از آسمان تا زمین و عترتم، اهل بیتم، آن دو از همدیگر جدا نمی‌شوند تا آن که بر حوض نزد من بیایند، پس ببینید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار می‌کنید».

مشاهده می‌کنید که در حدیث، جز توصیه برای عترت که شامل همسران رسول الله ﷺ و بقیه اهل بیت - که آنان این مطلب را نمی‌پذیرند - است، چیزی درباره‌ی امامت نیست، مبارکفوری می‌گوید: «پس هرکس بر توصیه عمل کند و با خوش رفتاری با آن دو از این احسان سپاسگزاری کند، هرگز از همدیگر جدا نمی‌شوند و در صحنه‌های قیامت او را رها نمی‌کنند تا این که بر حوض وارد شود و نزد رسول الله ﷺ از او سپاسگزاری می‌کنند و آنگاه ایشان شخصاً به او پاداش می‌دهند و خداوند متعال به وی پاداش

۱- ترمذی (۳۷۸۸) مسند احمد (۱۱۱۰۴) آلبانی آن را صحیح گفته است، نگا؛ الصحیحه: (۱۷۶۱).

کامل‌تری عنایت می‌کند، و هرکس این وصیت را نادیده گیرد و ناسپاسی کند با او برعکس رفتار خواهد شد»^۱.

دوم: اثبات ردّت صحابه رضی الله عنهم که ما در فصل دوم به آن می‌پردازیم. انکار حوض در اواخر دوران صحابه رضی الله عنهم پدید آمد و عبیدالله بن زیاد^۲ یکی از امرای عراق در دوران معاویه رضی الله عنه و پسرش، آن را انکار می‌کرد، ابوداود از ابوبرزه روایت کرده است که: «او بر عبیدالله بن زیاد وارد شد فلانی (مسلم از او نام برده است) که در مجلس بود. برایم حدیث گفت، وقتی که عبیدالله او را دید گفت: شیخ که سخن او را شنید گفت: گمان نمی‌کردم که در قومی باشم که مرا به همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله طعنه بزنند، عبیدالله گفت: همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله برای تو زینتی است نه عیب، سپس گفت: من تو را فرا خواندم تا درباره‌ی حوض از تو بپرسم که آیا درباره‌ی آن از رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی شنیده‌ای؟ ابوبرزه گفت: آری، نه یک بار و دو بار و سه بار و چهار بار و پنج بار، هرکس آن را تکذیب کند، خداوندا او را از آن ننوشاند، و خشمگین از آن جا خارج شد»^۳.

اما احمد در مسندش از طریق یزید بن حیان از زید بن أرقم آورده است که وی گفت: «عبیدالله بن زیاد مرا فراخواند، من نزد او رفتم، او به من گفت: این چه احادیثی است که از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کنی که در قرآن

۱- تحفة الأحوذی ۱۹۷/۱۰، نگا: منهاج السنة ۳۱۸/۷، ۳۹۳-۳۹۷.

۲- عبیدالله بن زیاد بن أبیه، به ولایت بصره و خراسان رسید و او نخستین عربی است که از جیحون گذشت و فاجعه شهادت حسین رضی الله عنه توسط لشکر او باعث شد که نزد مردم مبعوض گردد، او فاتحی شجاع و جبار بود، ابن الاثیر در عاشورای سال ۶۷ هـ او را کشت.

۳- ابوداود، باب الحوض - (۴۷۴۹) صححه آلالبانی.

از آن سراغی نداریم؟ می‌گویی که ایشان در بهشت حوضی دارند؟ گفت: رسول الله ﷺ به ما چنین فرمودند و آن را به ما وعده دادند، (عبید الله) گفت: تو دروغ می‌گویی، تو پیرمردی فرتوت و خرف هستی، گفت: این گوشه‌ایم شنید و قلبم حفظ نموده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «هر کس قصداً بر من دروغ بگوید، جایش را در جهنم آماده کند» و من بر رسول الله ﷺ دروغ نگفتم...»^۱.

انس رضی الله عنه می‌گوید: بر ابن زیاد وارد گشتم که درباره‌ی حوض سخن می‌گفتند، چون مرا دیدند، گفتند: انس آمد، گفتند: ای انس! درباره‌ی حوض چه می‌گویی؟ گفتم: والله نمی‌دانستم زنده می‌مانم تا امثال شما را ببینم که درباره‌ی حوض شک دارید، من پیرزنان مدینه را می‌دیدم که هرگاه نماز می‌خواندند، دعا می‌کردند که بر حوض رسول الله ﷺ وارد شوند»^۲.

آجری رضی الله عنه می‌گوید: می‌بینید که انس بن مالک رضی الله عنه از کسانی که درباره‌ی حوض شک دارند، تعجب می‌کند، زیرا به نظر او خواص و عوام همه به حوض ایمان دارند و حتی پیر زنان از خداوند متعال می‌خواهند که آنان را از حوض رسول الله ﷺ آب بنوشاند، از کسی که به حوض ایمان ندارد و آن را تکذیب می‌کند، به خدا پناه می‌بریم».

۱- احمد ۱۳/۳۲ (۱۹۲۶۶)، ابن ابی عاصم (۶۹۹) محقق آن افزوده است: اسناد صحیح

علی شرط مسلم.

۲- آجری، الشریعه (۸۵۲)، ابن ابی عاصم، السنة (۶۹۸) مسند احمد ۹۶/۲۱ (۱۳۴۰۵) و

سند وی ابن جدعان ضعیف است، آلبانی درباره‌ی اسناد آجری و ابن ابی عاصم می‌گوید: اسناد صحیح.

ابن ابی العز رضی الله عنه می گوید: «خداوند منکران حوض را تباه کند و شایسته است که روز تشنگی بزرگ از رسیدن به حوض بازداشته شوند»^۱.

تکذیب حوض مصداق گفتار عمر بن خطاب رضی الله عنه است که فرمود: «اقوامی خواهند آمد که تقدیر، حوض، شفاعت و این که گروهی از جهنم خارج گردند، را تکذیب می کنند»^۲.

چنین سخنی اجتهاد شخصی نیست، قطعاً آن را از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده است، والله اعلم.

در این روایتی که امام احمد و آجری روایت کرده اند بازگشت ابن زیاد از این قول نقل شده است: «ابوسبره بن سلمه شنید که ابن زیاد از حوض می پرسد و گفت: من آن را حق نمی دانم، پس از آن که از ابوبرزه اسلمی، براء بن عازب و عابد بن عمرو المدنی پرسید، گفت: من باور ندارم، ابو سبره گفت: آیا در این باره حدیثی شفا دهنده برایت، بیان نکنم؟ پدرت با مقداری مال نزد معاویه رضی الله عنه فرستاد، عبدالله بن عمرو را دیدم، عبدالله بن عمرو حدیثی گفت و من آن چه وی از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده بود، بی آن که حرفی از آن بکاهم و یا حرفی بیفزایم، با دست خود نوشتم، وی گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله - ضمن حدیثی طولانی - فرمودند: میعادگاه شما حوض من است که عرض آن برابر با طولش است، ابن زیاد گفت: تاکنون حدیثی استوارتر از این درباره ی حوض، برایم بیان نشده است، گواهی می دهم که حوض حق است و

۱- شرح الطحاویة ص: ۲۲۹.

۲- ابن ابی عاصم، السنة (۶۹۷) آلبانی می گوید: حدیث موقوف حسن، و رواه غیره بدون ذکر الحوض.

صحیفه‌ای را که ابو سبره آورده بود، گرفت»^۱.

بحث چهارم: آیا تمامی پیامبران حوض دارند؟

آیا حوض یکی از ویژگی‌های رسول الله ﷺ است یا همه‌ی پیامبران دارند؟

شارح طحاویه رحمته می‌گوید: «در احادیث آمده است که هر پیامبر حوضی دارد و حوض پیامبر ما ﷺ از همه بزرگ‌تر و نوشندگان از آن بیشتر هستند»^۲.

شارح طحاویه به حدیثی اشاره دارد که ترمذی از طریق حسن، از سمره روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا، وَإِنَّهُمْ يَنْبَاهُونَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةٍ، وَإِنِّي لِأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً». «هر پیامبر حوضی دارد و آنان افتخار می‌کنند که بیشتر از دیگران بر حوض خود وارد شونده داشته باشند و من امیدوارم که واردشوندگان بر حوض من از همه بیشتر باشند».

ابوعیسی می‌گوید: این حدیث غریب است و اشعث بن عبدالملک این حدیث را از حسن از رسول الله ﷺ مرسلأً روایت کرده و در آن از سمره یادی نکرده است و آن صحیح‌تر است»^۳.

طبرانی در «الکبیر» (۲۵۶/۷) از طریق سلسله‌ی آل سمره که سلسله‌ی ضعیفی است و بخاری در «التاریخ الکبیر» (۴۴/۱) و ابن‌ابی‌عاصم در

۱- مسند احمد (۶۵۱۴)، ابن ابی‌عاصم، السنة (۷۱۹)، آجری (۸۳۹)، صححه الألبانی

نگا: جزء ما روي في الحوض و الكوثر، بقى بن مخلص ص: ۱۰۴.

۲- شرح العقيدة الحاوية ص: ۲۲۸.

۳- ترمذی، كتاب القيامة، باب ما جاء في صفة الحوض، (۲۴۴۳).

«السنة» (۷۳۴) این حدیث را از طریق حسن از سمره روایت کرده‌اند، و درباره‌ی سماع حسن از سمره اختلاف مشهوری وجود دارد و حسن مدلس است و اضافه بر آن در روایت این حدیث، عننه نموده و به سماع هیچ تصریحی نکرده است، لذا ترمذی درباره‌ی روایت حسن می‌گوید: آن مرسل و صحیح است.

حافظ ابن حجر رحمته الله می‌گوید: «مشهور است که حوض به پیامبر ما صلی الله علیه و آله اختصاص دارد، لیکن ترمذی در حدیث سمره که مرفوعاً روایت کرده، آورده است که «هر پیامبری حوضی دارد» و افزود که موصول و مرسل بودن حدیث مورد اختلاف است و مرسل آن صحیح‌تر است. می‌گویم: که آن حدیث مرسل را ابن ابی‌الدنیا با سندی صحیح، از حسن چنین آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إن لكل نبي حوضاً وهو قائم على حوضه بيده عصا يدعو من عرف من أمته، ألا إنهم يتباهون أيهم أكثر تبعاً، وإني أرجو أن أكون أكثرهم تبعاً».

«هر پیامبری، حوضی دارد و عصا بدست بر حوض خود ایستاده و امت خود را که می‌شناسد فرا می‌خواند، بدانید که آنان افتخار می‌کنند که بیش از دیگران پیرو داشته باشند و من امیدوارم که از همه بیشتر پیرو داشته باشم». طبرانی این حدیث را از طریق دیگر موصولاً و مرفوعاً از سمره آورده است، البته در سند آن لین هست، ابن ابی‌الدنیا نیز با سندی که لین دارد از ابو سعید مرفوعاً چنین آورده است: «وكل نبي يدعو أمته ولكل نبي حوض فمنهم من يأتيه الفئام ومنهم من يأتيه العصبه ومنهم من يأتيه الواحد ومنهم من يأتيه الأثنان ومنهم من لا يأتيه أحد وإني لأكثر الأنبياء تبعاً يوم القيامة». «هر پیامبری امت خویش را فرا می‌خواند و همه‌ی پیامبران حوض دارند، نزد برخی گروه‌های زیادی می‌آیند و نزد بعضی فقط یک دسته و نزد بعضی

یک نفر و نزد بعضی دو نفر می‌آیند و نزد بعضی هیچکس نمی‌آید و من در روز قیامت از همه بیشتر پیرو دارم».

اگر این ثابت باشد، حوضی که به پیامبر ما ﷺ اختصاص دارد، کوثر است که آب نهر کوثر در آن می‌ریزد و نقل نشده که کسی نظیر آن را داشته باشد و در سوره‌ی کوثر خداوند به آن، بر رسول الله ﷺ منت نهاده است^۱.

حدیث سابق ترمذی اضافه بر تدلیس حسن و آن هم از سمره که عنعنه نموده است، مسلسل بالعلل است و ارسالی که ترمذی ترجیحش داده است، در آن (سعید بن بشیر از دی) وجود دارد که او نیز متکلم فیه است، حافظ در «التقریب» درباره‌ی او می‌گوید: «ضعیف» و از آن گذشته، شیخ ترمذی (احمد بن محمد بن نیزک) نیز متکلم فیه است، ذهبی آورده که: ابن عدی درباره‌ی او می‌گوید: «فی امره نظر» و دیگران به ناچار او را می‌پذیرند^۲. و حافظ گفته است: «صدوق فی حفظه شیء»^۳.

لذا البانی رحمته درباره‌ی سند ترمذی می‌گوید: «این سند قابل حسن گفتن نیست، زیرا در آن سه علت وجود دارد...» و آن همان است که ما قبلاً یادآور شدیم، سپس افزوده است که اسناد طبرانی نیز ضعف دارد، البته برای حدیث دو شاهد موصول و یک شاهد مرسل نیز ذکر کرده است و در پی آن گفته است: «کوتاه سخن این که: این حدیث با توجه به مجموعه‌ی طرق آن، حسن و یا صحیح است. والله اعلم»^۴.

۱- فتح الباری ۵۶۸/۱۱.

۲- میزان الاعتدال ۲۹۶/۱.

۳- التقریب ص: ۹۸.

۴- الصحیحه: (۱۵۸۹) با اندکی تلخیص.

این قیم در تهذیب السنن نیز به این نظریه که هر پیامبر حوضی دارد، تمایل دارد.^۱ بنابراین درمی‌یابیم که این حدیث با مجموعه‌ی طرق آن، قوی و مفهوم آن تأیید می‌گردد، همان‌گونه که علامه ابن عثیمین رحمته می‌گوید: «خداوند با حکمت و عدل خویش همان‌گونه که به رسول الله صلی الله علیه و آله حوضی عنایت کرده است تا مؤمنان امت ایشان از آن آب بنوشند، به هرکدام از پیامبران نیز حوضی می‌دهد تا پیروان مؤمن آنان، بهره‌مند شوند، لیکن حوض بزرگ، همان حوض رسول الله صلی الله علیه و آله خواهد بود»^۲.

بنابراین حوض پیامبر ما صلی الله علیه و آله بیشتر نوشنده دارد و اندازه‌ی آن از دیگران، بزرگتر و ذایقه‌اش شیرین‌تر است، بویژه که کوثر که آبش در آن حوض می‌ریزد، به ایشان اختصاص داده شده است، و هر پیامبری حوضی خواهد داشت که مؤمنان امتش از آن آب می‌نوشند، و پیامبر ما غریبه‌هایی را که از امت ایشان نیستند، از آن دور می‌کنند، زیرا پیروان خویش را با درخشش پاها و پیشانی که علامت اختصاصی این امت است و نشانه‌هایی دیگر، می‌شناسند، همان‌گونه که مسلم و غیره از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «...وَإِنِّي لِأَصُدُّ النَّاسَ عَنْهُ كَمَا يَصُدُّ الرَّجُلُ إِبِلَ النَّاسِ عَنْ حَوْضِهِ». «من مردم را از آن می‌رانم، همان‌گونه که کسی شتران دیگران را از حوض خود می‌راند». گفتند: یا رسول الله! آیا در آن روز ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری، شما سیمایی دارید که هیچ کدام از امت‌های

۱- تهذیب السنن، حاشیه عون المعبود ۵۷/۱۳.

۲- شرح العقیده الواسطیة ۱۵۹/۲.

دیگر ندارد، شما با پاها و پیشانی‌هایی درخشنده بر اثر وضو، نزد من خواهید آمد»^۱.

نکته:

حافظ بن حجر رحمته الله می‌گوید: حکمت آن که ایشان مردم را از حوض خویش می‌رانند، آن است که هر ملتی را به حوض پیامبران راهنمایی کنند، زیرا که قبلاً گفتیم که همه پیامبران حوض دارند و افتخار می‌کنند که پیروان بیشتری داشته باشند، پس این نشانه انصاف و مصلحت اندیشی ایشان، برای دیگر پیامبران است، نه این که از روی بخل ورزیدن به آب، آن را برانند و نیز احتمال دارد کسانی را که لیاقت نوشیدن از آب حوض را ندارند، از آنان می‌رانند، والعلم عندالله تعالی»^۲.

بحث پنجم: آیا حوض اکنون وجود دارد؟

در حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي فَرَطُ لَكُمْ وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ»^۳.
«من پیش از شما بر حوض می‌رسم و من بر شما گواهم، والله من اکنون حوضم را می‌بینم».

و در حدیثی دیگر آمده است: «وَإِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْ مَقَامِي هَذَا»^۴. «من از همین جا حوضم را می‌بینم». و در حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده که: «ما در مسجد نشسته بودیم که رسول الله صلی الله علیه و آله در مرض وفات خویش در حالی

۱- مسلم - کتاب الطهارة - (۲۴۷).

۲- فتح الباری ۵۷۷/۱۱.

۳- البخاری، الجنایز: (۱۳۴۴)

۴- بخاری، المغازی (۴۰۴۲) مسلم، الفضائل (۲۲۹۶)

که پارچه‌ای به سر پیچیده بودند، تشریف آوردند و بر منبر نشستند و فرمودند: «والذي نفسي بيده أني لقائمٌ علي الحوض الساعة...»^۱. «سوگند به آن که جانم در دست اوست، من هم اکنون بر حوض ایستاده‌ام...».

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَمَنْبَرِي عَلَى حَوْضِي»^۲.

«میان خانه و منبرم گلزاری است از گلزارهای بهشت و منبر من بر حوضم واقع است.».

ابن حجر رحمته الله می‌گوید: این که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ». «احتمال دارد که هنگام ایراد خطبه برایشان نمایان شده باشد که ظاهراً این گونه است و نیز احتمال دارد که رویت، قلبی باشد»^۳.

بعید است که رویت قلبی باشد، زیرا اصل آن است که کلام بر حقیقت حمل شود که همان رویت با چشم و آلت دیدن، است که از نظر عقلی هیچ ممانعتی ندارد و شرع نیز بر آن صحه گذاشته است و به این ترتیب، حدیث مذکور یکی از نشانه‌های نبوت است، با توجه به این که آن مقرون به (إلی) است، که دلالت بر رویت چشم، دارد و در حدیث تأکیداتی همچون قسم و نون و لام تأکید به کار رفته است، و این نظریه را علامه عینی رحمته الله نیز توجیح داده و گفته است: «حدیث گویای آن است که حوض آفریده شده است و امروز وجود دارد و آن واقعی است و نیز بیانگر معجزه‌ای از رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- بقی بن مخلد در جزء فی الحوض والکوثر ص: ۸۱.

۲. بخاری، الصلاة: (۱۱۹۶)، مسلم. الحج: (۱۳۹۰) از عبدالله بن زید رضی الله عنه.

۳- فتح الباری ۵۷۸/۱۱.

می‌باشد و آن این که ایشان حوض را در دنیا مشاهده فرمودند و از آن خبر داند»^۱ والله اعلم.

و اما درباره‌ی فرموده‌ی ایشان: «وَمِنْ بَرِي عَلَى حَوْضِي». نووی رحمته نقل کرده است که قاضی عیاض می‌گوید: «اکثریت علما معتقدند که مراد عیناً همین منبری است که در دنیا داشتند، می‌گویند: و ظاهر نیز همین است، و می‌افزاید: برخی دیگر آن را نپذیرفته‌اند، و گفته شده است که: ایشان آنجا بر حوض خویش منبری دارند، و گفته شده است که: قصد نمودن منبر و حضور نزد آن به خاطر انجام کارهای نیک، انسان را بر حوض وارد می‌کند و به معنای نوشیدن از آن است»^۲.

بحث ششم: ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ

ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ در احادیث متعددی که پیرامون آن حوض مبارک روایت شده، بیان گردیده است، و اختلاف عبارت برخی از روایات، موجب هیچ گونه تناقض و اضطرابی نیست، زیرا آن احادیث از چندین صحابی که در اماکن مختلف از رسول الله ﷺ شنیده‌اند، روایت شده است و رسول الله ﷺ با هر قومی مثال‌هایی را بکار می‌بردند که برایشان قابل فهم باشد، و همه‌ی روایات از نظر معنا با هم نزدیک هستند، والله اعلم.

ویژگی‌های حوض مبارک آن گونه که در احادیث رسول الله ﷺ بیان شده، چنین است:

۱- عمدة القاري ۲۳۱/۸.

۲- شرح مسلم، نووی ۱۶۲/۹.

اولاً: آب حوض:

آب حوض از شیر سفیدتر است و در روایتی از مسلم آمده که: «مَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرِقِ»^۱. «آب آن از نقره هم سفیدتر است.»
و در روایتی دیگر آمده است که: «بی‌تردید آب آن از برف بسیار سفیدتر است.»

ثانياً: بوی آن:

بوی آن از مشک هم خوش‌تر است.

ثالثاً: جام‌های حوض:

جام‌های آن به اندازه ستارگان آسمان است، و در روایتی دیگر آمده است: «در آن لیوان‌هایی همانند تعداد ستارگان، خواهی یافت»^۲.
و در روایتی از مسلم آمده است که: «تَرَى فِيهِ أَبَارِيقَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ كَعَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ»^۳.
«در آن، به اندازه ستارگان آسمان جام‌های طلایی و نقره‌ای خواهی یافت.»

و در روایتی دیگر آمده است: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا نَيْتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَاكِبِهَا إِلَّا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُصْحِيَةِ»^۴.

۱- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۲)، الطهارة: (۲۴۷).

۲- متفق علیه، بخاری، الرقاق: (۶۵۹۲)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۸).

۳- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۳).

۴- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰) حدیث ابوذر رضی الله عنه.

«سوگند به او که جان محمد در دست اوست، جام‌های آن از ستارگان آسمان آن هم در شبی تاریک با آسمانی صاف، نیز بیشتر است.»
 ویژگی‌های فوق در حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما ذکر شده است، که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ، مَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنَ اللَّبَنِ، وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَكِيْرَانُهُ كَنْجُومِ السَّمَاءِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا»^۱.
 «مسافت حوض من یک ماه راه است، آبش از شیر سفیدتر و بویش از مشک خوش‌تر و لیوان‌هایش همچون ستارگان آسمان است، هرکس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی‌شود».

رابعاً: تأثیر آن:

تأثیر آب آن، این است که هرکس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی‌شود، در روایتی آمده است که: «... چهره‌ی او هرگز سیاه نمی‌شود»^۲.

خامساً: طعم آن:

طعم آن از عسل شیرین‌تر است^۳.

سادساً: سردی آن:

آب آن از یخ سردتر است^۴.

سابعاً: سرچشمه‌ی آن:

۱- بخاری، الرفاق: (۶۵۷۹)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۲)

۲- احمد ۲۵۰/۵، ابن حبان ۳۷۰/۱۴، ابن ابی‌عاصم: (۷۲۹) محقق صحیح ابن حبان گفته است: إسناد صحیح.

۳- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰-۲۳۰۱) حدیث ابوذر و ثوبان رضی الله عنهما

۴- احمد (۳۹۰/۵)، ابن ابی‌عاصم: (۷۲۴، ۷۲۵) و آل‌بانی گفته است: إسناد حسن.

در حدیث ابوذر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد» و در حدیث ثوبان رضی الله عنه آمده است که: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد که یکی طلایی و دیگری نقره‌ای است»^۱.
 علامه نووی از هروی رحمه‌الله نقل کرده است که: «معنای آن این است که پی در پی و با فشار در حوض آب می‌ریزند...»^۲.

اما حوض همان کوثر است یا خیر؟

قرطبی رحمته الله می‌گوید: «مفسران درباره‌ی کوثری که به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت شده است، اختلاف نظر دارند و در این باره ۱۶ نظریه وجود دارد:
 ۱- کوثر نه‌ری است در بهشت... ۲- کوثر همان حوض رسول الله صلی الله علیه و آله در میدان محشر است، این نظریه عطاء است، در صحیح مسلم از انس رضی الله عنه روایت شده است که: «ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که ایشان لحظه‌ای به خواب رفتند و سپس سر خویش را بلند فرمودند و لبخندی زدند، گفتم: یا رسول الله! از چه می‌خندید؟ فرمودند: لحظه‌ای قبل بر من سوره‌ای نازل گشت، سپس چنین تلاوت فرمود: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ﴿۱﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْزَرْ ﴿۲﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿۳﴾﴾ [الکوثر: ۱-۳]. و سپس فرمودند: آیا می‌دانید کوثر چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمودند: «آن، نه‌ری است که پروردگارم به من وعده داده است، بر آن خیر کثیری هست، آن حوضی است که امت من روز قیامت بر آن وارد می‌شوند، ظرف‌های آن به تعداد

۱- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰، ۲۳۰۱).

۲- مسلم، شرح نووی ۶۳/۱۵.

ستارگان است، برخی از حوض باز داشته می‌شوند، می‌گویم که: او از امت من است، می‌گویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده است»^۱.

احادیث درباره‌ی حوض در میدان محشر بسیار است و ما آن را در کتاب «التذکره»^۲ آورده‌ایم و خلفای اربعه ایشان رضوان الله علیهم بر چهار گوشه‌ی آن قرار دارند و هرکس با یکی از آنان دشمن باشد، آن دیگری نیز به او آب نمی‌دهد^۳ و در آنجا کسانی را که از حوض باز داشته می‌شوند ذکر کرده‌ایم... و می‌توان هم آن نهر و هم حوض را، کوثر نامید، به خاطر کثرت وارد شوندگان و نوشندگان از امت محمد ﷺ و نیز نظر به خیر کثیر و آب کثیری که دارد...».

قرطبی پس از ذکر اقوال، می‌گوید: «صحیح‌ترین نظریه در این باره نظریه‌ی اول و دوم است، زیرا از رسول الله ﷺ نصی درباره کوثر وجود دارد»^۴.

حافظ ابن حجر رحمته الله علیه می‌گوید: «کوثر نهری است در بهشت که آب آن در حوض می‌ریزد و خود حوض را نیز کوثر می‌گویند، زیرا که سرچشمه‌ی آن است، و مسلم به روایت ابودر رحمته الله علیه آورده است که: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد» و حدیث ثوبان نیز آن را تأیید می‌کند و در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه

۱- مسلم، الصلاة: (۴۰۰).

۲- التذکره ۴۶۱/۱.

۳- ذهبی، المیزان ۱۶۰/۱، حافظ، اللسان تحت ترجمه‌ی: ابراهیم بن عبدالله المصیصی، یکی از متروکین و نگا: المجر و حین ۱۵۱/۱.

۴- الجامع لأحكام القرآن ۱۹۸/۲۰-۲۰۰ با اندکی تفاوت.

به روایت امام احمد،^۱ آمده است که: «نهری از کوثر در حوض گشوده می‌شود»^۲.

حافظ ابن کثیر رحمته الله می‌گوید: «در وصف حوض روز قیامت آمده است که: «دو میزاب از آسمان از نهر کوثر در آن می‌ریزد...»^۳. و در وصف کوثر آمده است که: «آب آن از عسل شیرین‌تر و از برف سفیدتر است»^۴. و این برخی از ویژگی‌های حوض است، بنابراین حوض محل جمع شدن آب‌هایی است که از نهر کوثر فرو می‌ریزد، پس آن چیزی یر از کوثر است، گرچه سرچشمه‌ی آن همان کوثر است، والله اعلم.

ثامناً: وسعت حوض:

درباره‌ی وسعت حوض احادیث زیادی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است که ظاهراً با هم متعارض هستند، و در واقع بحمدالله هیچ تعارضی ندارند، آن روایات چنین هستند:

- ۱- از جریاء تا اذرح.
- ۲- از عدن تا عمان.
- ۳- از ایله تا صنعاء یمن.
- ۴- از مدینه تا صنعاء.
- ۵- از ایله تا جحفه.
- ۶- از عمان تا ایله.

۱- المسند ۳۲۸/۶، شماره: (۳۷۸۶) محقق آن گفته است: إسناده ضعیف.

۲- فتح الباری ۵۶۷/۱۱ با اندکی تفاوت.

۳- تفسیر ابن کثیر ۷۲۱/۴.

۴- ترمذی: (۲۲۶۱)، ابن ماجه: (۴۳۳۴).

- ۷- از مدینه تا عمان و در روایتی: از این جا تا عمان
- ۸- از کوفه تا حجر الأسود.
- ۹- از کعبه تا بیت المقدس.
- ۱۰- دورتر از ایله تا عدن.
- ۱۱- دورتر از ایله تا مکه.
- ۱۲- از بیضاء تا بصری.
- ۱۳- از ایله تا مصر.
- ۱۴- وسیعتر از ایله تا کعبه.
- ۱۵- از عمان تا یمن.
- ۱۶- از جایبه تا صنعاء.
- ۱۷- مسافت یک ماه و زاویه‌هایش برابر است و در روایتی آمده است که عرض آن همانند طولش می‌باشد.
- ۱۸- از مکه تا صنعاء.
- ۱۹- از صنعاء تا بصری.
- ۲۰- از مدینه تا عمان.
- ۲۱- از ایله تا مدینه.
- ۲۲- از مدینه تا بیت المقدس.
- ۲۳- از عمان تا ایله^۱.

۱- نگا: فتح الباری ۱۱/۵۷۲-۵۷۵، السنة لابن ابی عاصم ص: ۳۰۷-۳۴۶، كشف الغمة ص: ۹۹-۱۲۲.

(جرباء و اذْرُح) دو روستا هستند در شام که سه شبانه‌روز از یکدیگر فاصله دارند. (ایله) شهر معروفی است میان مصر و شام در ساحل دریای سرخ و از آنجا تا مدینه یک ماه راه است.

(بصري) شهر معروفی است کناره‌ی شام به طرف حجاز.

(البيضاء): نزدیک ریزه، شهر معروفی است میان مکه و مدینه.

(الجاييه): محله‌ای است در دمشق.

(الجحيفة): روستا و یکی از میقات‌های حج است، و تا مدینه هشت مرحله، و در راه مکه و همان (مهيعه) است.

قاضی عیاض رحمته می‌گوید: این که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَوْضِي مَسِيرَةٌ شَهْرٌ وزوایاه سواء». یعنی این که چهار ضلع آن برابرند و برخی، از این استدلال کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله از علوم و فنون دیگر نیز آگاهی داشتند و این از علم هندسه و حساب است و معنای این سخن، این است که حوض چهار ضلع دارد و همه با هم برابرند، آن گونه که در حدیثی دیگر فرمودند: عرض آن همانند طولش می‌باشد»^۱.

قرطبی رحمته می‌گوید: «یعنی: هر چهار ضلع آن با هم برابرند»^۲.

ابن حجر رحمته می‌گوید: «همه‌ی این مسافات با هم نزدیک است و تقریباً همه به نصف ماه اندکی کم یا بیش می‌رسند، علما این مسئله را توجیه کرده‌اند، عیاض می‌گوید: این اختلاف به تخمین برمی‌گردد و در یک حدیث واقع نشده است که اضطرایی محسوب گردد، بلکه در احادیث متعدد است و بیش از یک صحابی آن را روایت کرده‌اند و در اماکن مختلفی آن را

۱- إكمال المعلم ۲/۲۵۸.

۲- المفهم ۶/۹۲.

شنیده‌اند، رسول الله ﷺ در هر کدام از آن احادیث، برای بیان وسعت حوض مثالی بیان فرموده‌اند و هدف دوری شهرها از همدیگر بوده است نه بیان قطعی مسافت، می‌گوید: پس این گونه الفاظ متفاوت حدیث از حیث معنا با هم متفق می‌گردد».

البته این سخن اشکال دارد و آن این که تشبیه و تخمین در دو شیء نزدیک به هم صورت می‌گیرد اما این تفاوت فاحش که گاه از یک ماه می‌گذرد و گاه به سه روز کاهش می‌یابد، موجه نیست، قرطبی می‌گوید: برخی کوتاه نظران می‌پندارند که اختلاف در تعیین اندازه حوض، اضطرابی است، که این گونه نیست، و سپس کلام عیاض را آورده و افزوده است که: این اختلافی نیست، بلکه همه روایات گویای آن هستند که حوض بسیار وسیع و گسترده است، سپس می‌گوید: شاید رسول الله ﷺ به خاطر مخاطبان خویش که با آن مسافت‌ها آشنایی داشته‌اند، در خطاب به هر مخاطبی، مسافتی را مثال زده‌اند که شنونده از آن آگاه بوده است».

نووی پاسخ داده است که: ذکر مسافت کوتاه هرگز به معنای رد مسافت طولانی نیست، مسافت طولانی‌تر با احادیث صحیح ثابت است، و هیچ گونه تناقضی در آن نیست، کوتاه سخن این‌که، ابتدا مسافت کوتاه به اطلاع ایشان رسیده است و سپس از مسافت طولانی‌تر اطلاع یافتند و آن را نیز بیان فرمودند، گویا خداوند متعال به پاس احترام ایشان، مسافت حوض را در چندین مرحله توسعه داده است و آن روایاتی که بر مسافتی گسترده‌تر دلالت دارد، مورد اعتماد است».

ابن حجر پس از آن می‌گوید: جمع بین روایات این گونه است که این اختلاف برمی‌گردد به سیر کندِ کاروانی سنگین‌بار و سیر سواری سبک‌بار، و نیز به این گونه که روایت کوتاه‌ترین مدت که همان سه روز است بر سیر

بیک حمل شود که اتفاق افتاده است که مسافت یک ماه را در سه روز طی کند ولو این که این امر بسیار به ندرت اتفاق افتاده است»^۱.

نکته:

در روایت صحیح آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَمَامَكُمْ حَوْضُ كَمَا بَيْنَ جَرْبَاءَ وَأَذْرَحَ». «شما حوضی در پیش رو دارید به مسافت میان جربا و اذرح».

اشکال این روایت این است که جرباء و اذرح دو روستای مجاور در شام هستند، حافظ ابن حجر رحمته در رفع این اشکال می‌گوید: «حافظ ضیاء الدین مقدسی در کتابی که درباره‌ی حوض فراهم نموده است، در مورد روایت سه روز می‌گوید: به سبب اختصار برخی راویان، در متن حدیث اشتباهی صورت گرفته است، و سپس حدیث کامل را از ابوهریره رضی الله عنه از فواید «عبدالکریم بن هیثم الدیر عاقولی» با سندی صحیح تا ابوهریره رضی الله عنه مرفوعاً این گونه روایت کرده است: «عرضه مثل ما بینکم و بین جرباء و اذرح»، «پهنای آن مانند فاصله‌ی شما تا جرباء و اذرح است»، ضیاء می‌گوید: بنابراین معلوم می‌شود که در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما حذفی صورت گرفته است و روایت در واقع چنین بوده است: «كَمَا بَيْنَ جَرْبَاءَ وَأَذْرَحَ». که «مقامی» و «بین» از آن افتاده است، و حافظ علالی می‌گوید: «... عبارت حذف شده نزد دارقطنی و دیگران این گونه، ثابت است: «ما بین المدینة و جرباء و اذرح». سپس حافظ ابن حجر در پی آن می‌گوید: با اثبات این مطلب، پس اختلاف بر می‌گردد به سیر آهسته و کند و سیر سریع و شتابان»^۲.

۱- فتح الباری ۵۷۳/۱۱-۵۷۴ با اندکی تصرف.

۲- فتح الباری ۵۷۴/۱۱، نگا: صحیح ابن حبان با تعلیق محقق آن ۳۶۵/۱۱.

بحث هفتم: معنای «أنا فَرَطُكُمْ علي الحوض»

جمله‌ی «أنا فَرَطُكُمْ علي الحوض» از رسول الله ﷺ با تواتر نقل شده است و معنای آن براساس گفته‌ی اهل علم چنین است:

ابن الاثیر رحمته می‌گوید: «أنا فَرَطُكُمْ علي الحوض». یعنی من پیش از شما بر حوض می‌رسم، می‌گوید: فَرَطٌ يَفْرِطُ، فهو فَارِطٌ، وفَرَطٌ: در صورتی که از دیگران جلوتر باشد و برای طلب آب زودتر برسد تا برای آنان دلو و ریسمان آماده کند» و در «اللسان» آمده است «الفارط: جلو افتاده، سابق»^۱.

نووی رحمته می‌گوید: اهل لغت می‌گویند: الفَرَطُ، با فتح فاوراء و الفارط، کسی است که پیش از دیگران بر آب برسد تا حوض و دلو و دیگر ابزار را فراهم کند «فرطکم علي الحوض». یعنی: پیش از شما به حوض می‌رسم و آن را آماده می‌کنم»^۲.

این حدیث بر کمال شفقت و مهربانی رسول الله ﷺ نسبت به امت خویش، دلالت دارد.

بحث هشتم: حوض در کجای قیامت قرار دارد؟

علما درباره‌ی جایگاه و محل حوض در قیامت دو نظریه دارند:
اول: این که حوض بعد از صراط و عبور از آن، قرار دارد و طرفداران این نظریه از حدیثی که احمد و ترمذی از انس رضی الله عنه روایت کرده‌اند، استدلال می‌کنند، و می‌گویند: از رسول الله ﷺ تقاضا کردم که روز قیامت برایم شفاعت کنند، فرمودند: این کار را خواهم کرد، پرسیدم: یا رسول الله! در

۱- النهایه ص: ۷۰۱، لسان العرب ۲۳۳/۱۰.

۲- صحیح مسلم با شرح نووی ۵۳/۱۵.

قیامت شما را در کجا پیدا کنم؟ فرمودند: نخست بر بالای صراط دنبالم بگرد، گفتم: اگر آن جا نبودید؟ فرمودند: آنگاه کنار میزان (ترازو)، سراغم را بگیر، گفتم اگر آنجا شما را نیافتم؟ فرمودند: آنگاه کنار حوض مرا جستجو کن، و من حتماً در یکی از این سه جا خواهم بود».

ابوعیسی می گوید: این حدیث حسن غریب است، فقط از این طریق آن را می شناسیم.^۱

برخی از علما که در باب حدیث و عقیده تألیف دارند، امثال: امام بخاری، امام ترمذی و ابن ابی زید و دیگران این نظریه را تأیید می کنند، زیرا در کتابهای خود احادیث حوض و مسایل آن را پس از احادیث صراط و میزان و شفاعت آورده اند.

ابن حجر رحمته الله می گوید: این که بخاری احادیث حوض را پس از احادیث شفاعت و نصب صراط آورده، اشاره به آن است که نوشیدن از آب حوض پس از نصب صراط و گذر از آن، خواهد بود».

پس از آن حدیث سابق انس رضی الله عنه را آورده و افزوده است، «با توجه به برخی از احادیث این باب که گویای آن است که گروهی که نزدیک است به حوض برسند، از آن رانده و به جهنم برده می شوند، در قرار گرفتن حوض بعد از صراط اشکالی ایجاد می شود و آن، این است که هرکس از صراط عبور کند و به حوض برسد در واقع از جهنم نجات پیدا کرده است، پس چگونه به جهنم باز گردانیده می شود؟ احتمال دارد که منظور نزدیک شدن به حوض باشد به گونه ای که آن را ببینند و قبل از این که از انتهای صراط عبور کنند، در جهنم انداخته می شوند»^۲.

۱- المسند ۲۰/۲۱۰، شماره: (۱۲۸۲۵)، ترمذی: (۲۴۳۳)، صححه الألبانی.

۲- فتح الباری ۱۱/۵۶۷.

قاضی عیاض رحمته می‌گوید: «ظاهر آن می‌رساند که نوشیدن آب حوض پس از حساب و نجات یافتن از جهنم خواهد بود»^۱.

ابوالعباس قرطبی رحمته می‌گوید: «رسیدن به حوض و نوشیدن از آن، پس از نجات از جهنم و سختی‌های آن خواهد بود، زیرا رسیدن به آن محل شریف و نوشیدن از آن و رسیدن به مکانی که رسول الله صلی الله علیه و آله در آنجا تشریف دارند، بزرگترین تکریم و بالاترین انعام است و هرکس به چنان جایگاهی برسد، چگونه به حساب باز گردانیده می‌شود و یا پس از آن چگونه عذاب و رسوایی را می‌چشد؟! چنین نظری از سراب نیز بی‌بنیادتر است»^۲.

دوم: این که حوض قبل از صراط خواهد بود، و این ظاهر عملکرد بسیاری از علما، در تألیفاتشان است، چرا که حوض را قبل از صراط ذکر کرده‌اند، برخی آن را پس از شفاهت قرار داده‌اند مانند: امام لالکائی در کتاب الاعتقاد و اشعری در «الابانة» و آجری در «الشريعة» و ابوداود در سنن و ابن حزم و دیگران، آنان به این ترتیب، اشاره می‌کنند به این که، مردم پس از انتظار طولانی در میدان محشر و تشنگی آن، بر حوض وارد می‌شوند، و این مناسب حال آنان است، والله اعلم.

برخی دیگر آن را قبل از شفاعت و پس از بیرون آمدن از قبر دانسته‌اند که مردم تشنه از قبر بر می‌خیزند و سر حوض می‌روند، مانند: ابن حبان و ابن ابی‌عاصم و ابن ماجه و این گروه از علما صراط و میزان را پس از حوض نمی‌آورند، و برخی دیگر امثال اصفهانی در «الحجة» آن را پس از حوض و میزان می‌دانند. و برخی نیز آن مطلقاً قبل از صراط قرار داده‌اند. امثال: قرطبی در «التذكرة» و شیخ الاسلام در «الواسطية» رحم الله الجميع.

۱- إكمال المعلم ۲۵۷/۷.

۲- المفهم ۹۱/۶.

قرطبی رحمته با جانب‌داری از این نظریه می‌گوید: صاحب «القوت» و دیگران می‌گویند: حوض رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از پل صراط است، صحیح این است که ایشان دو حوض دارند یکی در میدان محشر قبل از طراط و دومی در بهشت، و هر دو کوثر نام دارند، کوثر در زبان عربی به خیر کثیر گفته می‌شود و درباره‌ی میزان و حوض که کدام یک جلوتر از دیگری است، اختلاف نظر وجود دارد، گاه گفته شده که میزان قبل از حوض است و گاه عکس آن، ابوالحسن قابسی می‌گوید: صحیح آن است که حوض قبل از میزان قرار دارد.

به نظر من نیز این مناسب است، زیرا مردم تشنه از قبر برمی‌خیزند پس حوض قبل از طراط و میزان قرار داده می‌شود، والله اعلم، ابوحامد در کتاب «کشف علوم الآخرة» می‌گوید: یکی از نویسندگان سلف گفته است که حوض قبل از صراط است. و این سخن اشتباه است. مؤلف می‌گوید: سخن ابوحامد درست است، بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «من بر حوض ایستاده‌ام که گروهی به من نزدیک می‌شوند تا جایی که آنان را می‌شناسم، ناگاه شخصی مانع رسیدن آنان به من می‌شود و می‌گوید: بروید، می‌گوییم به کجا؟ می‌گوید: به سوی جهنم....».

این حدیث دلیل قاطعی است مبنی بر این که حوض در میدان محشر و قبل از صراط است، زیرا صراط پلی است که بر جهنم کشیده شده است که مردم از آن عبور می‌کنند و هرکس از آن عبور کند از جهنم نجات پیدا می‌کند، و هم‌چنین حوض‌های دیگر پیامبران نیز در میدان محشر قرار دارد، از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که درباره‌ی وقوف در پیشگاه خداوند، از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیده شد که آیا آن‌جا آب هست؟ فرمودند: «آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، آن‌جا آب هست، و اولیای

خدا از حوض‌های پیامبران آب خواهند نوشید و خداوند هفتاد هزار فرشته را که عصاهایی آتشی در دست دارند، می‌گمارد تا کافران را از حوض‌های پیامبران برانند»^۱.

این حجر عنه در پانوستی بر سخن قرطبی «که رسول الله صلی الله علیه و آله دو حوض دارند» می‌گوید: این سخن اشکال دارد، زیرا کوثر نه‌ری است در بهشت که آب آن در حوض می‌ریزد و به این خاطر حوض را کوثر می‌گویند که، سرچشمه‌اش کوثر است، سخن قرطبی این را می‌رساند که حوض قبل از صراط است، مردم تشنه به میدان محشر می‌روند و مؤمنان آن‌جا از حوض، آب می‌نوشند و کفار پس از این که اظهار تشنگی می‌کنند، سرابی در برابر دیدگان‌شان آشکار می‌شود و به آنان گفته می‌شود، مگر شما آب نمی‌خواهید؟ و می‌روند که از آن بنوشند که سرانجام در جهنم سقوط می‌کنند، امام مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است که: «دو میزاب از بهشت در حوض فرو می‌ریزند» و حدیث ثوبان نیز شاهد آن است، و این حدیث حجتی است علیه قرطبی نه له او، زیرا آن‌گونه که گذشت، صراط پلی است بر روی جهنم حد فاصل میدان محشر و بهشت و مؤمنان برای ورود به بهشت از آن عبور می‌کنند، اگر حوض قبل از پل صراط می‌بود، جهنم مانع رسیدن آب به حوض کوثر می‌شد، و ظاهر حدیث این را می‌رساند که حوض در کنار بهشت است، تا فرو ریختن آب نهر کوثر از بهشت، در آن ممکن باشد، و در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه آمده است که: «نهر کوثر گشوده می‌شود تا آب آن در حوض فرو ریزد» سپس حافظ حدیث لقیط بن صبره را که از زیادات عبدالله بن احمد بر مسند می‌باشد، آورده است که: «لقیط با همراهی رفیقش نهیک بن عاصم بن مالک بن المنتفق نزد رسول الله صلی الله علیه و آله

رفت - در حدیث آمده که - شما بر خدا عرضه می‌شوید در حالی که صفحات شما کاملاً بر خداوند آشکار است و هیچ چیزی از شما بر او پوشیده نیست، آنگاه پروردگار تو با دست خویش یک کف آب برمی‌دارد و بر شما می‌پاشد، سوگند به خدای تو بر صورت هرکدام شما قطره‌ای از آن آب می‌چکد، آن قطره صورت مسلمان را مانند پارچه‌ای روشن، سفید می‌گرداند و صورت کافر را مانند زغال، سیاه می‌کند، آنگاه پیامبر شما حرکت می‌کند و نیکوکاران، در پی ایشان راه می‌افتند و بر پلی از آتش عبور می‌کنند و کسی از شما بر اخگر پا می‌نهد و صدای خاموش شدن آن را می‌شنود، آنگاه خدای تو می‌گوید: آگاه باشید که شما در حالی که تشنه‌اید بر حوض رسول الله ﷺ می‌رسید و از آن آب خواهید نوشید...»^۱ این حدیث تصریح دارد که حوض قبل از صراط است، و شارح طحاویه می‌گوید: «حوض در میدان صاف قبل از صراط است»^۲.

۱- المسند ۱۲۱/۲۶ محقق آن می‌گوید: إسناده ضعیف، مسلسل بالمجاهیل، ابن کثیر می‌گوید: هذا حدیث غریب جداً، والفاظه فی بعضا نکارة، البدایة ۸۲/۵، حافظ در التهذیب. ۲۶۰/۲ تحت ترجمه‌ی عاصم بن لقیط می‌گوید: هو حدیث غریب جداً، نگا: الصحیحه: (۲۸۱۰)

۲- شرح العقیدة الطحاویة ص/۲۷۷.

بخش دوم

تمهید

ثابت است که مردمانی از امت رسول الله ﷺ به علت تغییر و تبدیل که پس از ایشان، ایجاد کرده‌اند و مرتد شده‌اند از حوض بازداشته و طرد می‌شوند.

برخی از مردم در این احادیث سوژه‌ای را که می‌خواستند، پیدا کرده‌اند و این احادیث را براساس گرایش، سلیقه و نظر خویش تفسیر کرده‌اند و تنها هدفشان به کرسی نشاندن نظر باطلشان است و در این راستا از دروغ بستن بر خدا و رسول هم ابایی ندارند و مصداق این آیه هستند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«اما آنان که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات هستند تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند».

اما آنان که خدا به آنان نور بصیرت عنایت کرده است نه در اثبات حوض تردیدی دارند و نه در اثبات ممانعت مذکور که رسول الله ﷺ بیان فرموده‌اند، آنان روش راسخین فی العلم را در پیش می‌گیرند و می‌گویند: ﴿ءَأَمَّنَّا بِهِ ۚ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾ [آل عمران: ۷].

«و ما به همه‌ی آن ایمان داریم، همه از جانب پروردگار ماست». آنگاه هیچگاه نصوص قرآن را رو در روی یکدیگر قرار نمی‌دهند بلکه وظیفه و مقتضای ایمان آنان، تسلیم و تصدیق و دوری از مبارزه با حق است.

احادیث حوض با آن که بحمدالله هیچ اشکالی ندارد، برای برخی سؤال برانگیز شده است و برخی دیگر، آن را حرب‌های برای طعن اصحاب رسول الله ﷺ قرار داده‌اند، اینان اگر دنبال حق هستند، پس حق واضح و آشکار و اشاره‌ای به آن کافی است و اگر غیر از این باشد امیدوارم که این کتاب و دلایلی که در آن آورده‌ایم باعث بیداری عقل و وجدان آنان گردد و به فطرت الهی باز گردند.

هدف ما احقاق حق و ابطال باطل است تا آنها که هلاک و گمراه می‌شوند، با اتمام حجت هلاک شوند و آنان که زنده و هدایت می‌شوند از روی دلیل و برهان باشد، والله المستعان.

بحث اول: معنای کلمه «الذَّوْدُ»

در اللسان آمده است که: «الذَّوْدُ: سوق دادن، طرد و دفع کردن، می‌گویی: ذُدْتَهُ عَنْ كَذَا وَزَادَهُ عَنِ الشَّيْءِ ذَوْدًا وَزِيَادًا، ورجل ذائد: بازدارنده... و ذدت الابل، اذودها ذوداً: هنگامی که آن را طرد کنی و برانی. والذود: به یک گله شتر از ۳ تا ۱۰ گفته می‌شود و نیز گفته شده: از ۳ تا ۱۰ و یا از ۳ تا ۱۵ و تا ۲۰ و اندکی بیشتر و یا از ۳ تا ۳۰ و یا میان ۲ و ۱۹».

۱- لسان العرب ۷۰/۵ نکا: النهاية في غريب الحديث ص: ۳۳۲، القاموس المحيط ص:

بحث دوم: احادیث ممانعت از حوض

قبلاً گفتیم که احادیث حوض به حد تواتر رسیده است و صحابه‌ی زیادی آن را از رسول الله ﷺ روایت کرده‌اند و حافظ بن حجر تعداد آنان را پنجاه صحابی می‌داند و گفته است که یکی از متأخرین تعداد راویان احادیث حوض را به هشتاد صحابی رسانیده است.

باید دانست که مسأله ممانعت از حوض در تمام آن احادیث نیامده است، بلکه احادیث حوض به چند گونه تقسیم می‌شوند:

اول: احادیث بیانگر ویژگی‌های حوض.

دوم: احادیث بیانگر این مطلب که رسول الله ﷺ پیش از همه بر حوض می‌رسند.

سوم: احادیثی که بیان می‌دارند که چه کسانی به حوض راه می‌یابند و چه کسانی از آن طرد می‌شوند و صفات آن افراد، ما قبلاً احادیث نوع اول و دوم را بیان کردیم و در این جا فقط به احادیث نوع سوم اشاره خواهیم نمود و تنها به احادیث صحیحین اکتفا می‌کنیم مگر در مواردی اندک که نیازی به دیگران باشد و گاه به خاطر اختصار فقط موضع استدلال حدیث را ذکر می‌کنیم.

۱- عبدالله ﷺ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَ لِيُرْفَعَنَّ رِجَالَ مَنْكُمْ ثُمَّ لِيُخْتَلَجَنَّ دُونِي، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي؟ فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ»^۱.

۱- بخاری، الرقاق: (۶۵۷۶)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۷).

«من پیشاپیش شما بر حوض می‌رسم و مردانی از شما نمایان می‌شوند و نگاه از میان ربنده می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! اصحاب مرا کجا بردند؟ گفته می‌شود نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند».

و در روایت مسلم آمده است که: «وَلَا نَزَعَنَّ اقْوَامًا ثَمَّ لِأَغْلَبِنَ عَلَيْهِمْ». «از گروهی دفاع می‌کنم و سرانجام مغلوب می‌گردم».

۲- انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ، حَتَّى عَرَفْتَهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي، فَأَقُولُ: أَصْحَابِي؟ فَيَقُولُ: لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ».

«مردمانی از اصحاب من بر حوض می‌آیند تا آن که آنان را می‌شناسم نگاه از میان ربنده می‌شوند، می‌گویم: اصحاب مرا چی شد؟ می‌گوید: نمی‌دانی که پس از شما چه کرده‌اند».

در روایت مسلم آمده است: «رَجُلًا مِمَّنْ صَاحَبَنِي حَتَّى إِذَا رَأَيْتَهُمْ وَرَفَعُوا إِلَيَّ». «مردانی از آنان که همراه من بوده‌اند تا این که آنان را می‌بینیم و بر من عرضه می‌شوند...». و در آن «أَصْحَابِي أَصْحَابِي» با تصغیر و تکرار وارد شده است^۱.

۳- سهل بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي فَرَطُكُمُ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ مَرَّ عَلَيَّ شَرِبَ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَطْمَأْ أَبَدًا، لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرِفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي، ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ»^۲. «من پیشاپیش شما بر حوض می‌رسم، هرکس نزد من بیاید از آن می‌نوشد و هرکس از آب

۱- بخاری، الرقاق: (۶۵۸۲)، مسلم، الفضائل: (۲۳۰۴).

۲- بخاری، ارقاق: (۶۵۸۳، ۶۵۸۴)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۱).

آن بنوشد تا ابد تشنه نمی‌شود، اقوامی که آنها را می‌شناسم و آنان نیز مرا می‌شناسد، نزد من می‌آیند که ناگاه میان من و آنان فاصله انداخته می‌شود».

۴- ابوحازم می‌گوید: نعمان بن ابی عیاش این (حدیث) را از من شنید و گفت آیا تو آن را از سهل شنیده‌ای؟ گفتم: آری، آنگاه گفت من گواهی می‌دهم که من آن حدیث را ابوسعید خدری با این زیادتى شنیدم که رسول الله ﷺ فرمودند: «فَأَقُولُ إِنَّهُمْ مِنِّي. فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ. فَأَقُولُ سَحَقًا سَحَقًا لِمَنْ عَيْرَ بَعْدِي».

«می‌گویم که آنان از من هستند، گفته می‌شود: شما نمی‌دانید که پس از شما چه کرده‌اند، پس من می‌گویم: دور باد کسی که پس از من تغییر ایجاد کرده است».

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: سحقا به معنای بعداً (دور باد) است و سحیق یعنی بعید و أسحقه یعنی: او را دور گردانید.

۵- ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «يَرِدُ عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَهْطٌ^۱ مِنْ أَصْحَابِي فَيَحْلَتُونَ عَنِ الْحَوْضِ فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصْحَابِي . فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ بِمَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ، إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِهِمْ الْقَهْقَرَى^۲».

«گروهی از اصحابم روز قیامت بر من وارد می‌شوند که ناگاه از حوض

۱- رهط: گروهی از مردان کمتر از ده نفر و نیز گفته شده است: سه یا هفت نفر تا ده نفر و تا چهل نفر که در میان آنان زن نباشد، نیز گفته شده است. النهاية: ص ۲۲۴، ۷۸۰.

۲- بخاری، الرقائق: (۶۵۸۵، ۶۵۸۶)

بازداشته می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! اینان اصحاب من هستند، می‌گوید: تو اطلاع نداری که پس از تو چه کرده‌اند، آنان به پشت سر خود بازگشته‌اند.»

۶- ابوهیره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا زُمِرَةٌ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ. فَقُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ. قُلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. ثُمَّ إِذَا زُمِرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ. قُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ. قُلْتُ مَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ»^۱.

«درحالی که ایستاده‌ام گروهی به من نزدیک می‌شوند تا این که آنان را می‌شناسم مردی میان من و آنان بیرون می‌آید و می‌گوید: بروید، می‌گویم: کجا؟ می‌گوید: به خدا قسم به جهنم، می‌گویم: داستانشان چیست؟ می‌گوید: آنها پس از تو به پشت سر برگشته‌اند، سپس گروهی دیگر نمایان می‌شود تا این که آنان را می‌شناسم مردی میان من و آنان خارج می‌شود و می‌گوید: بروید: می‌گویم: کجا؟ می‌گوید: به خدا سوگند، به جهنم، می‌گویم: داستانشان چیست؟ می‌گوید: آنان پس از تو به پشت سر خویش بازگشته‌اند، از آن جز افراد معدودی (به ندرت شتر سر گشته) نجات پیدا نمی‌یابد.»

۷- اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنِّي عَلَى الْخَوْضِ حَتَّى أَنْظُرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ، وَسَيُؤْخَذُ نَاسٌ دُونِي فَأَقُولُ يَا رَبِّ مَنِّي وَمِنْ أُمَّتِي. فَيَقَالُ هَلْ شَعَرْتَ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ وَاللَّهِ مَا بَرِحُوا

يَرْجِعُونَ عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ»^۱.

«من سر حوض می ایستم تا ببینم که چه کسی از شما نزد من می آید، مردمانی قبل از رسیدن به من ربوده می شوند، می گویم: پروردگارا! آنان از من و امت من هستند، گفته می شود: آیا می دانی پس از تو چه کرده اند؟! والله آنان پس از تو همواره به عقب بر می گشتند».

۸- عائشه رضی الله عنها می گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ در جمع اصحاب خویش فرمودند: «إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ أَنْتَظِرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ فَوَاللَّهِ لَيُقْتَطَعَنَّ دُونِي رِجَالٌ فَلَأَقُولَنَّ أَيُّ رَبِّ مِثِّي وَمِنْ أُمَّتِي. فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ مَا زَالُوا يَرْجِعُونَ عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ»^۲.

«من سر حوض منتظرم تا ببینم که چه کسی از شما نزد من می آید، والله مردانی از رسیدن به من باز داشته خواهند شد و من خواهم گفت: پروردگارا! اینان از من و امت من هستند، می گوید: تو نمی دانی که پس از تو چه کرده اند، آنان همواره به عقب باز می گشتند».

۹- ام سلمه رضی الله عنها می گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: «إِنِّي لَكُمْ فَرَطٌ عَلَى الْحَوْضِ فَإِيَّايَ لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدُكُمْ فَيَذُبُّ عَنِّي كَمَا يَذُبُّ الْبَعِيرُ الضَّالُّ فَأَقُولُ فِيمَ هَذَا فَيُقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدَثُوا بَعْدَكَ. فَأَقُولُ سُحْقًا»^۳.

«من پیش از شما بر حوض می رسم، مبادا کسی از شما نزد من بیاید و مانند شتر گم شده، رانده شود و من بگویم: چرا او را می رانید؟ و بگویند: تو

۱- بخاری، الرقائق: (۶۵۹۳)، مسلم الفضائل: (۲۲۹۳).

۲- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۴)

۳- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۵).

نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند، و من بگویم: دور باد».

۱۰- ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «...وَإِنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِي يُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ: أَصْحَابِي، أَصْحَابِي، فَيَقُولُ: إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتُهُمْ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ». «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧٧﴾ إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٧٨﴾ [المائدة: ۱۱۸-۱۱۹].

«... مردمانی از اصحاب مرا به سمت چپ می‌برند، می‌گویم: اصحاب من، اصحاب من، می‌گوید: پس از آن که از آنان جدا شدی، همواره به عقب برمی‌گشتند، من همانند بنده‌ی نیکوکار خدا (عیسی صلی الله علیه و آله) می‌گویم: «تا زمانی که میان آنها بودم، مراقب و گواشان بودم، ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی، و تو بر هر چیز گواهی، اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی».

و در روایتی دیگر آمده است: «... ثُمَّ يُؤْخَذُ بِرِجَالٍ مِنْ أَصْحَابِي ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ أَصْحَابِي...».

«سپس مردانی از اصحاب مرا راست و چپ می‌برند، پس می‌گویم: اصحاب من...».

محمد بن یوسف می‌گوید: از ابو عبدالله از قبیصه نقل شده است که گفت: آنان کسانی هستند که در دوران ابوبکر رضی الله عنه مرتد شدند و ابوبکر رضی الله عنه با آنان جنگید.

در روایتی دیگر آمده است: «... بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي فَيُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصِيحَابِي...»^۱.

«... مردانی از امت مرا سمت چپ می‌برند، پس من می‌گویم: پروردگارا! اصحاب من هستند...».

بحث سوم: معنای ممانعت از حوض چیست؟

این احادیثی است که طعنه زندگان به صحابه‌ی رسول الله ﷺ پاک‌ترین افراد و بزرگان این امت، از آن استناد می‌کنند و نادانسته و یا با برداشت غلطشان، بهترین قرن تاریخ بشریت را لکه‌دار می‌کنند و با این عقیده‌ی فاسد خود و با به فراموشی سپردن عظمت و افتخاری که آنان برای این امت رقم زده‌اند، بنیان و تاریخ درخشان این امت، از دوران رسول الله ﷺ گرفته تا پایان دنیا را نابود می‌کند، مفاسدی که این سخن دربر دارد، فراتر از حصر و شمارش است و ما با عدالتخواهی و حق جویی و با توفیق الهی حق را با نقل گفتار علما در این زمینه بیان خواهیم نمود و از رد باطل با باطلی دیگر می‌پردازیم، زیرا عدالت بر همگان در مقابل هر کسی دیگر در همه حال واجب و ظلم و بیداد مطلقاً حرام است و تحت هیچ شرایطی مباح نخواهد بود.

علما رحمهم الله معنای ممانعت از حوض را بیان کرده‌اند و ما با توفیق خدای یگانه گوشه‌ای از گفتار آنان را نقل می‌کنیم تا مقصود روشن شود و رانده شونده‌گان نمایان گردند و از خدای متعال خواستاریم که ما را با روحیه‌ی علمی، حق طلب و حق‌گو و بیزار از جاهلان، بیاراید.

۱- بخاری، أحادیث الأنبياء: (۳۳۴۹) و (۳۴۴۷، ۴۶۲۵).

گفتار علما پیرامون ممانعت از حوض

امام نووی رحمته الله می‌گوید: «این از مواردی است که علما در تعیین مراد آن نظرهای متفاوتی دارند:

اول: این که منظور منافقان و مرتدان هستند که احتمال دارد با پاها و چهره‌هایی درخشان^۱ حشر شوند و رسول الله صلی الله علیه و آله به خاطر علامتی که دارند، آنان را صدا زند و به ایشان گفته شود که: اینان از گروهی که به شما وعده داده شده نیستند، زیرا پس از شما تغییر یافتند، یعنی بر اسلامی که به آن تظاهر می‌کردند، نمردند.

و دوم: منظور کسانی هستند که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند و پس از ایشان مرتد شده‌اند، گرچه سیمای درخشنده‌ای ندارند، چون که رسول الله صلی الله علیه و آله در حیات خویش آنان را مسلمان می‌دانسته‌اند، آنان را صدا می‌زدند و گفته می‌شود که: آنان پس از شما مرتد شده‌اند.

سوم: منظور گناهگاران هستند که به اصل توحید مرده‌اند و بدعت‌گرایی که بدعتشان آنان را از دایره‌ی اسلام خارج نکرده است.

بنابراین نظریه، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند این، الزاماً به معنای جهنمی بودن آنان نیست، و امکان دارد که رانده شدن از حوض مجازات آنان باشد و پس از آن خداوند بر آنان رحم کند و بدون عذاب به بهشت

۱- به حدیث ابوهزیره رضی الله عنه اشاره می‌کند که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «امت من بر حوض وارد می‌شوند و من مردم را از حوض دور می‌کنم همان گونه که مردی شتران دیگران را از شتران خود جدا می‌کند، گفتند: یا نبی الله! آیا ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری شما سیمایی دارید که دیگران ندارند، شما با پاها و چهره‌هایی درخشان بر اثر وضو، بر من وارد می‌شوید، گروهی از شما از رسیدن به من بازداشته می‌شوید و من می‌گویم: یا رب! اینها اصحاب من هستند، فرشته‌ای بر مکن پاسخ می‌دهد که: می‌دانی که پس از شما چه کرده‌اند؟» مسلم، الطهارة: (۲۴۶-۲۴۹)

ببرد،^۱ طرفداران این نظریه می‌گویند: بعید نیست که این افراد پاها و چهره‌هایی درخشان داشته باشند و نیز امکان دارد که آنان در زمان رسول الله ﷺ و یا پس از ایشان باشند و رسول الله ﷺ آنان را با سیمایشان بشناسند.

امام حافظ ابو عمر بن عبدالبر رحمته الله می‌گوید: «هرکس در دین بدعتی ایجاد کند امثال: خوارج، روافض و دیگر هواپرستان، از رانده شوندگان از حوض هستند، و همچنین ستم پیشه‌هایی که می‌کوشند حق را بپوشانند و آنهایی که علناً مرتکب گناه کبیره می‌شوند، بیم آن می‌رود که همه آنان منظور این حدیث باشند»^۲.

قرطبی رحمته الله می‌گوید: «علمای ما رحمهم الله می‌گویند: هرکس از دین برگردد و یا در آن بدعتی ایجاد کند که خداوند نه به آن راضی است و نه به آن اجازه داده است، از رانده شوندگان از حوض خواهد بود، و رانده‌تر آنهایی هستند که از جماعت مسلمانان کناره گرفتند و به راهی دیگر می‌روند، خوارج با فرقه‌های متعددشان، روافض با ضلالت‌های گوناگونشان، معتزله با گرایش‌ها متفاوتشان، همه آنان از کسانی هستند که تغییر ایجاد کردند و همچنین ظالمان ستم پیشه که می‌کوشند حق را نابود کنند و اهل آن را به قتل برسانند و مقهورشان سازند و آنهایی که علناً مرتکب گناه کبیره می‌شوند و معاصی را سبک می‌شمارند و همه‌ی گمراهان، هواپرستان و بدعتگرایان، و امکان دارد این طرد شدن فقط در یک حالتی باشد و در صورتی که تغییر ایجاد شده در اعمال باشد نه عقاید، پس از مغفرت الهی

۱- بر اساس عقیده‌ی اهل حق که با ارتکاب مطلق گناه اهل قبله را تکفیر نمی‌کنند،

الوسیلة ص: ۳۲.

۲- مسلم با شرح نووی ۱۳۶/۳-۱۳۷.

دوباره نزدیک گردند، با این احتمال، آنان با نور وضو شناخته می‌شوند و سپس گفته می‌شوند: دور شوید، و اگر از منافقان عصر رسول الله ﷺ باشند که به ایمان تظاهر می‌کردند و در دل کافر بودند، ابتدا با توجه به ظاهر، با آنان رفتار می‌شود و سپس پرده برداشته خواهد شد و آن‌گاه به آنان گفته می‌شود: دور شوید، و جز کافر باطل گرایی که به اندازه دانه خردلی نیز ایمان نداشته باشد، کسی دیگر برای همیشه در جهنم نمی‌ماند.

بسا امکان دارد که مرتکبین گناه کبیره که از حوض نوشیده باشند، در صورتی که به جهنم بروند، با تشنگی عذاب نشوند، والله اعلم.

ترمذی^۱ از کعب بن عجره^{رضی الله عنه} روایت کرده است که می‌گوید: رسول الله ﷺ به من فرمود: «أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا كَعْبُ بْنُ عَجْرَةَ مِنْ أُمَّرَاءِ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ عَثِيَ أَبُوَابَهُمْ فَصَدَّقَهُمْ فِي كَذِبِهِمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ وَلَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ وَمَنْ عَثِيَ أَبُوَابَهُمْ أَوْ لَمْ يَعْشَ فَلَمْ يُصَدَّقْهُمْ فِي كَذِبِهِمْ وَلَمْ يُعْنَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَسَيَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ...»^۲.

«ای کعب بن عجره! من تو را از امیرانی که پس از من می‌آیند، به خدا می‌سپارم، هرکس نزدشان برود و دروغشان را تصدیق کند و آنان را بر ستم‌شان یاری دهد، از من نیست و من از او نیستم و بر من سر حوض وارد نخواهد شد، هرکس نزدشان نرود و یا اصلاً نزدشان نرود، بر دروغشان را تصدیق نکند و بر ستم، آنان را یاری ندهد، او از من است و من از او و بر من سر حوض وارد خواهد شد.»

۱- ترمذی: (۶۱۴)، نسائی: (۴۲۱۸)، احمد: (۱۸۱۲۶) صححه الالبانی.

۲- التذكرة: ۴۶۴/۱-۴۶۵.

ابن هبیره رضی الله عنه می گوید: «به نظر من قطعاً این احادیث راجع به آنهایی است که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد شدند و از پرداخت زکات ممانعت ورزیدند و ابوبکر رضی الله عنه با آنان جنگید و همچنین خوارج، همان اهل نهروان که صحابه امثال عثمان و علی رضی الله عنه را تکفیر کردند و امثال این دو گروه و پیروان آنان»^۱.

و نیز می افزاید: «این حدیث قطعاً به آنهایی برمی گردد که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد شدند و با انکار وجوب زکات از پرداخت آن، سرباز زدند و دلیل آن این که، هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله رحلت فرمودند، آنان را به عنوان صحابی می شناختند بدین جهت، هنگامی که از میان برداشته می شوند می فرمایند: «أصحابی» آنگاه به ایشان گفته می شود: «نمی دانی که پس از تو چه کرده اند» و حدیث: «تعرض علی أعمال امتی»، «اعمال امتم بر من عرضه می گردد»، با این توجیه هیچ تضادی ندارد، زیرا آنان بر اثر ارتداد از امت ایشان خارج گشته اند^۲ (و بدین جهت رسول الله صلی الله علیه و آله از اعمال آنان مطلع نشده اند)

عیاض رضی الله عنه می گوید: فرموده ی رسول الله صلی الله علیه و آله: «رجال من صاحبني». در روایت انس رضی الله عنه بر صحت تفسیر آن به اهل رده دلالت دارد، به این خاطر ایشان فرمودند: «سحقاً سحقاً». «دور شوید، دور شوید». زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله به گناهکاران امت خویش چنین نمی فرماید بلکه برایشان شفاعت می کنند و به آنان توجه می نمایند و از خداوند معتال می خواهند که آنان را مورد عفو و بخشش قرار دهد. و نیز گفته شده است که آنان دو صنف هستند، گروهی

۱- الإفصاح ۲۰۱/۷-۲۰۲.

۲- الإفصاح ۲۱۲/۲.

گناهکارانی هستند که از راه استقامت مرتد شدند و اعمال صالح را به اعمالی ناشایسته تبدیل کردند و گروهی دیگر آنانند که: با کافر شدن مرتد شدند و کلمه‌ی تبدیل شامل هر دو گروه می‌گردد»^۱.

این حجر رضی الله عنه از فربری نقل نموده است که: از ابو عبدالله بخاری از فیصه روایت شده است که، آنان کسانی هستند که در دوران ابوبکر رضی الله عنه از دین برگشتند و ابوبکر رضی الله عنه با آنان جهاد کرد، تا این که کشته شدند و بر کفر مردند، اسماعیلی این روایت را از طریقی دیگر، متصلاً از قبیصه آورده است. خطابی می‌گوید: هیچکس از صحابه از دین برنگشتند، و آنان که مرتد شدند، گروهی از بادیه نشینان سخت دل بودند که هیچ نقشی در یاری دین نداشتند و این امر هیچ گونه ایرادی بر صحابه مشهور وارد نمی‌کند، و لفظ: «اصیحابی» با تصغیر دلالت بر اندک بودن آنان دارد، و نیز گفته شده است که مراد همان کفر است و منظور از «أمتی» امت دعوت است نه امت اجابت و حدیث ابوهریره رضی الله عنه «فأقول: بعداً لهم وسحقاً». سبب ترجیح آن است و این نکته که رسول الله صلی الله علیه و آله از حال آنان اطلاع پیدا نکردند، این احتمال را تأیید می‌کند، زیرا اگر از امت اجابت می‌بودند، رسول الله صلی الله علیه و آله از حال آنان آگاه می‌شدند، زیرا اعمال آنان بر ایشان عرضه می‌گردد، البته جمله‌ی: «حتی إذا عرفتهم». در حدیث انس و ابوهریره رضی الله عنهما این نظریه را رد می‌کند.

ابن التین می‌گوید: شاید آنان منافقان و یا مرتکبین گناهان کبیره باشند و نیز گفته شده است که: آنان گروهی از اعراب سخت دل هستند که از روی بیم و یا امید به اسلام گرویده‌اند.

داودی می‌گوید: «بعید نیست که اصحاب کبایر و بدعت‌گرایان، از آنان باشند»، سپس ابن حجر رحمته، قول سابق نووی رحمته را نقل کرده و افزوده است: «عیاض و باجی و دیگران قول قبیصه راوی حدیث را ترجیح داده‌اند که می‌گوید: آنان کسانی هستند که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد شدند، و از شناختن آنان، لازم نمی‌آید که حتماً آنان دارای سیمای مسلمانان باشند، زیرا آن سیما تکریمی است برای مسلمانان که به وسیله‌ی آن، اعمالشان نمایان می‌شود اما مرتد هر عملی که داشته حبط شده است، و امکان دارد که رسول الله صلی الله علیه و آله شخص آنان را بدون سیمای مخصوص، بر اساس همان حالتی که قبل از ارتداد داشته‌اند، بشناسند، و بعید نیست که منافقان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله را نیز شامل باشد، همان گونه که در حدیث شفاعت آمده است: «وَتَبَقَىٰ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا»^۱. که دلالت بر آن دارد که منافقان نیز همراه با مؤمنان حشر می‌شوند و رسول الله صلی الله علیه و آله شخص آنان را ولو این که سیمای مخصوص را نداشته باشند، می‌شناسند و هر کسی را که بشناسند بنا به همان حالتی که پیش از وفات ایشان، داشته‌اند، آنان را صدا می‌زنند، برخی بعید می‌دانند که اهل بدعت مشمول این حدیث باشند، زیرا در حدیث به: «أصحابی» تعبیر شده است و اهل بدعت پس از آنان پدید آمده‌اند، این اشکال چنین پاسخ داده شده است که: صحبت به معنای عام آن، حمل می‌گردد، و گروهی نیز از این جهت آن را بعید دانسته‌اند که مسلمان، گرچه مبتدع باشد، به او «سحقا» گفته نمی‌شود،^۲ به آن پاسخ داده شده است که:

۱- بخاری، الاذان: (۸۰۶)، مسلم، الایمان: (۱۸۲).

۲- قرار دادن اهل بدعت از مطرودین بیان شده در حدیث برگرفته از لفظ: «اصحابی» نیست، بلکه برگرفته از لفظ: «احدثوا بعدك» و معنای عام لفظ: «أمتی» است، ابن اثیر

کسی که به خاطر ارتکاب معصیتی محکوم به عذاب شده است و بعداً با شفاعت نجات پیدا می‌کند، اشکالی ندارد که به او گفته شود: «سحقاً» و همانند مرتکبین گناه کبیره، «سحقاً» به معنی سپردن آنان به حکم الهی، همراه با آمدن نجات است، بیضاوی می‌گوید: لفظ: «مرتدین» قطعاً دلالت بر ارتداد از اسلام ندارد و فقط یکی از احتمالات است و نیز احتمال دارد که منظور، مؤمنان گناهکاری باشند که از راه استقامت برگشته و اعمال صالح خویش را با اعمال ناشایسته آمیخته‌اند».

ابویعلی با سندی حسن، از ابوسعید رضی الله عنه روایت نموده است که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «یا ایها الناس إني فرطكم على الحوض فإذا جئتم قال رجل: يا رسول الله أنا فلان بن فلان، وقال آخر: أنا فلان بن فلان، فأقول: أما النسب فقد عرفته ولعلكم أحدثتم بعدي وارتددتم»^۱. «ای مردم! من پیش از شما بر حوض می‌رسم، وقتی شما می‌آید، مردی می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم و دیگری می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم، آنگاه من می‌گویم: نسب شما را که می‌دانم، لابد شما پس از

در النهایه ص: ۱۹۲ می‌گوید: الحدث: پدیده‌ی جدید و ناپسندی است که در سنت از آن سراغی نباشد، و المحدث: همان پدیده جدید است و به همین معنی در حدیث آمده است: «إياكم ومحدثات الأمور» محدثات: جمع مُحدثَة است و به چیزی گفته می‌شود که در قرآن و سنت و اجماع شناخته شده، نباشد.

۱- ابویعلی: (۱۲۳۳)، طیالسی: (۲۳۳۵)، احمد: (۱۱۱۳۸) و محقق آن گفته است: صحیح لغیره.

من بدعت ایجاد کردید و مرتد شده‌اید». احمد و بزار شبیه آن را از جابر روایت کرده‌اند.^۱

عینی رحمته به نقل از کرمانی می‌گوید: «آنان یا مرتدان هستند و یا گناهکاران».^۲

و در توضیح: «فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ التَّعَمِّ». می‌گوید: «یعنی: فقط افراد اندکی از آنان از جهنم نجات می‌یابند و این مطلب می‌رساند که آنان، دو گروهند: کارفان و گناهکاران».^۳

شاطبی رحمته درباره‌ی حدیث: «فليذادن رجال عن حوضي...» می‌گوید: برخی از علما آن را بر اهل بدعت حمل کرده‌اند و گروهی دیگر بر مرتدان از اسلام.

از حدیث یزید الرقاشی که خیثمه بن سلیمان آن را روایت کرده است، بر می‌آید که آنان اهل بدعت هستند، می‌گوید: از انس بن مالک رضی الله عنه پرسیدم که: نزد ما گروهی هستند که ما را کافر و مشرک می‌دانند و حوض و شفاعت را تکذیب می‌کنند، آیا درباره‌ی آنان از رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی شنیده‌ای؟ گفت: آری، از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: پرده‌ی میان بنده و کفر و شرک، ترک نماز است، هرکس آن را ترک کند، کافر است و حوض من به اندازه‌ی ایله تا مکه است... گروهی با لب‌های خشکیده بر آن وارد می‌شوند، و یک قطره هم از آن نمی‌نوشند، هرکس امروز آن را تکذیب کند، در آن روز از آن نخواهد نوشید».

۱- فتح الباری ۴۶۸/۱۱ - ۴۶۹.

۲- عمدة القاري ۲۰۶/۲۳.

۳- عمدة القاري ۲۱۴/۲۳.

این حدیث دلالت بر آن دارد که آنان، از اهل قبله هستند، و کافر خواندن مسلمانان از صفات خوارج و تکذیب حوض از صفات معتزله و دیگران است.

اضافه بر آن، لفظ «أَلاهِمَّ»^۱. در حدیث مؤطا نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند، زیرا رسول الله ﷺ آنان را با درخشندگی پیشانی و پاها که از ویژگی‌های این امت هستند، می‌شناسند، بنابراین اگر آنان از این امت نمی‌بودند، رسول الله ﷺ با علامت مذکور آنان را نمی‌شناختند. سپس شاطبی حدیث سابق ابن عباس رضی الله عنهما را آورده است که در آن آمده بود: «فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ». «و می‌گوید: احتمال دارد که منظور این حدیث همانند حدیث موطاء، اهل بدعت باشند، و نیز احتمال دارد که منظور کسانی باشند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شده‌اند»^۲.

ابن العربی در شرح حدیث سابق می‌گوید: «... اگر گفته شود: چگونه آنان با آن که دارای درخشندگی وضو هستند، به آنان گفته می‌شود: سحفاً؟ در پاسخ می‌گوییم: این دو احتمال دارد، یکی این که: آنان در یک وضعیت رانده می‌شوند و در وضعیتی دیگر، پس از مغفرت دوباره راه داده می‌شوند، البته این در صورتی است که ایجاد تبدیل در اعمال باشد نه در عقاید. و نیز گفته شده است که: آنان منافقانی هستند که ظاهراً مسلمان و در باطن کافر بوده‌اند، ابتدا به هر کدامشان نوری داده می‌شود و گمان می‌کنند که به مرتبه‌ای رسیده‌اند، آنگاه پرده برداشته می‌شود و حقیقت آشکار

۱- مؤطا، الطهارة، (۶۲)، مسلم: (۲۴۹).

۲- الاعتصام ۹۶/۱ - ۹۸.

می‌گردد» و می‌گوید: حدیث: «فلیدادن رجال عن حوضی» معجزه‌ای است، زیرا از دو چیز خبر می‌دهد، یکی: تغییر و تبدیلی است که پس از وفات ایشان در مردم ایجاد می‌شود، دوم: اتفاقی که در قیامت می‌افتد و کسی غیر از او، آن را نمی‌داند»^۱.

زرقانی به نقل از باجی رحمه‌الله می‌گوید: «احتمال دارد که منافقان و مرتدان و هرکس وضو بگیرد با درخشش پیشانی و پاها حشر شوند، و به این خاطر رسول الله ﷺ آنان را صدا می‌زند، اگر این سیما مخصوص مؤمنان می‌بود، آنان را به گمان این که از امت وی هستند، صدا نمی‌زدند و نیز احتمال دارد که منظور کسانی هستند که رسول الله ﷺ را دیده‌اند و پس از ایشان تغییر کرده‌اند و مرتد شده‌اند و رسول الله ﷺ با توجه به شناخت قبلی ولو این که درخشندگی پیشانی و پا نداشته باشند، و به صرف این که در حیات ایشان به نام مسلمان شناخته می‌شده‌اند، آنان را صدا می‌زند، عیاض می‌گوید: نظر اول وجیه‌تر است، روایت شده است که ابتدا به منافقان نور داده می‌شود و وقتی که به آن نیاز پیدا می‌کنند، خاموش می‌شود، پس همان گونه که خداوند با توجه به ایمان ظاهری‌شان به آنان نور می‌دهد و هنگام نیاز بر پل صراط، خاموش می‌شود، بعید نیست که پیشانی و پاهایشان نیز درخشنده باشد و هنگام نیاز و رفتن سر حوض، به منظور عذاب و تمسخر از آن رانده شوند.

داودی می‌گوید: دلیلی وجود ندارد که رانده شوندگان از حوض حتماً جهنمی هستند، بلکه احتمال دارد که در یک مرحله رانده شوند و دچار سختی گردند و به آنان گفته شود: سحفاً، و سپس مورد لطف و رحمت خداوند و شفاعت رسول الله ﷺ قرار گیرند.

عیاض و باجی می‌گویند: گویا آنان را از جمله‌ی مؤمنان مرتکب گناه کبیره می‌داند و عیاض افزوده است: و یا از بدعتی‌هایی هستند که از دایره اسلام خارج نگشته‌اند، و دیگران می‌گویند: بنابراین بعید نیست که آنان نیز دارای درخشندگی پیشانی و پاها باشند، زیرا آنان از مسلمانان شمرده می‌شوند.^۱

این است اقوال علما درباره‌ی معنای راندن از حوض و کسانی که رانده می‌شوند، و خلاصه‌ی آن چنین است:

۱- آنان منافقانی هستند که در عهد رسول الله ﷺ به اسلام تظاهر می‌کردند.

۲- آنان کسانی هستند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند و ابوبکر صدیق رضی الله عنه با آنان جهاد کرد و با کفر از دنیا رفته‌اند.

۳- آنان گناهکاران و مرتکبان کبایر هستند که با موحد در گذشته‌اند.

۴- آنان اهل بدعت و هواپرستانی هستند که با بدعتشان از دین خارج نگشته‌اند، و یا آنهایی که با بدعتشان از اسلام خارج شده‌اند.

۵- آنان حکام و والیان ستمگری هستند که در ظلم و نابود کردن حق و کشتن اهل آن، از حد گذشته‌اند و همچنین کسانی که با آنان همکاری کرده‌اند، آنان گرچه از جمله‌ی گناهکاران و اهل معاصی هستند، به خاطر شر عظیمی که برای مسلمانان دارند، در حدیث، مخصوصاً از آنان یاد شده است.

۶- آنان منافقان و مرتدان امت رسول الله ﷺ در اعصار مختلف هستند.

۷- آنان کافران هستند، (آن گونه که خواهد آمد)

برخی از علما گفته‌اند که دو نوع ممانعت از حوض، وجود دارد:

۱. شرح الزرقانی ۹۷/۱ - ۹۸.

اول: ممانعت عام: که شامل همه امت‌های دیگر می‌باشد که به منظور راهنمایی آنان، انجام می‌گیرد تا به حوض‌های پیامبران خود بروند، همان گونه که رسول الله ﷺ فرمودند: «من مردم را از آن می‌رانم، همان گونه که شخصی شتران دیگران را از حوض خود می‌راند» ابن حجر رحمته می‌گوید: حکمت ممانعت مذکور آن است که رسول الله ﷺ می‌خواهند هر شخصی را به حوض خودش راهنمایی کنند، همان گونه که قبلاً گذشت که هر پیامبری حوضی دارد و همه به کثرت پیروان خود افتخار می‌کنند، پس این نشانه‌ی انصاف ایشان و رعایت حقوق دیگر پیامبران است نه این که از روی بخل آنان را برانند و نیز احتمال دارد، کسانی را که صلاحیت نوشیدن از حوض را ندارند، برانند، والله اعلم»^۱.

دوم: ممانعت خاص: که مخصوص مردمانی مشخص از امت رسول الله ﷺ می‌باشد، همان گونه که در احادیث گذشته آمده بود: امثال: «مِنِّي وَمِنْ أُمَّتِي...». و غیره، والله أعلم.

شاید همه، جزو کسانی باشند که از حوض رانده می‌شوند، و احادیث گرچه عموماً بالفظ: «أصحابي»، «منکم» آمده‌اند، اما الزاماً بر تخصیص زمان رسول الله ﷺ دلالت نمی‌کنند، بلکه بنا بر اشاره برخی از نصوص، شامل تمام امت تا قیام قیامت خواهد بود، والله اعلم.

بحث چهارم: الفاظی که مخالفان از آن استدلال می‌کنند

در احادیث حوض برخی از الفاظی را که بدخواهان و هواپرستان برای طعن اصحاب رسول الله ﷺ، آن را دستاویز خود قرار داده‌اند مشاهده کردید،

آنان گاه با صراحت و گاه با کنایه به این کار پرداخته‌اند، اگر آنان براساس اصول علمی این کار را می‌کردند، زشتی کارشان قابل توجیه بود و ما می‌گفتیم: صاحب آن مجتهدی است که به حقیقت رسیده و یا به خطا رفته و معذور است! اما ناگاه با کاری ناجوانمردانه و دور از واقعیت‌های تاریخی مواجه شدیم و دریافتیم که طعن آنان بر برخی گمان‌ها و تخمین‌ها بی‌اساس، استوار است.

آن الفاظ عبارتند از:

«منکم - أصحابی - أصحابی - ممن صاحبینی - عرفتهم - أعرفهم و يعرفونی - منی - أحدکم - فلا أراه یخلص منهم إلا مثل همل النعم».

این‌ها الفاظی است که بدخواهان و طعنه‌زندگان، به آن استدلال کرده‌اند و آن را شاخ و برگ داده‌اند که بحمدالله هیچ دستاویزی برای آنان، ندارد، و برای شما منظور آن را بیان می‌کنیم و خواهید دید از آن چه طعنه‌زندگان می‌گویند بسیار بعید است، و پس از آن از دو راه باید یکی را بپذیرند و راه سومی در کار نخواهد بود. یا به حق باز گردند و دلایل شرعی و عقلی را بپذیرند و واقعیت را آن‌گونه که هست دریابند و این عاقلانه‌ترین کار است.

و یا این که باز هم در تضاد موجود میان میراث کاسدشان با نصوص قرآن و سنت و تاریخ سراسر افتخار و آثار جاویدان صحابه رضی الله عنهم که تا دنیا هست باقی خواهد ماند، بمانند، و اجتماع ضدین (مدح و ذم درباره‌ی آنان ممتنع لذاته است!! آن هم پس از تزکیه و تعریف خدا و رسول از آنان و اجماع امت بر آن. ولاً، لفظ: (أصحابی - أصحابی - ممن صاحبینی).

صحبت: اسم جنسی است که از نظر شرعی و لغوی برای آن حد و مرز مشخصی تعیین نشده است و در این زمینه عرف متفاوت است.

درباره تعریف آن چندین نظریه وجود دارد، و تعریف مستند آن از این قرار است: صحابی کسی است که با ایمان رسول الله ﷺ را ملاقات کرده باشد و با ایمان از دنیا برود، چه آن ملاقات کوتاه باشد و یا طولانی، این نظر جمهور علما است^۱.

رسول الله ﷺ صحبت را به شرطی مقید فرموده‌اند و برای آن حدی مشخص نکرده‌اند بلکه آن را مطلق بیان فرموده‌اند و مطلق آن همان رؤیت محض است، زیرا ایشان فرمودند: «طوبی لمن رآنی وطوبی لمن رأى من رآنی...»^۲.

«خوشا برای آن که مرا دیده و یا کسی که مرا دیده، ملاقات کرده است.» در این حدیث رسول الله ﷺ صحبت را به رؤیت مطلق معلق فرموده‌اند، و می‌دانیم که برخی از صحابه مدتی طولانی و برخی دیگر مدتی کوتاه، در خدمت ایشان بوده‌اند.

و گاه مراد از صحبت، معنای لغوی آن، یعنی: معاشرت و ملازمت و مراقت است و طولانی و یا کوتاه بودن مدت، در آن نقشی ندارد^۳ و این نکته در قرآن و حدیث و کلام عرب شواهد بسیاری دارد.

مثلاً خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲]. ﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵]. و بسیاری آیات دیگر و این شامل هر نوع مصاحبت می‌باشد، چه طولانی و یا کوتاه.

۱- النکت ص: ۱۴۹، الباعث الحثیث ص: ۱۶۹، تدریب الراوی ۶۶۷/۲، منهاج السنه ۳۸۳/۸.

۲- حاکم: (۶۹۹۴) نکا: الصحیحه: (۱۲۵۴).

۳- لسان العرب ۲۸۶/۷، القاموس ص: ۹۶۴.

و آن گونه که می‌فرماید: ﴿كَمَا لَعَنَّأَ أَصْحَابَ السَّبْتِ﴾ [النساء: ۴۷]. چون آنان در روز شنبه مرتکب آن کار ناشایسته شدند، خداوند آنان را اصحاب السبت نامید، و جایی دیگر می‌فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ﴾ [العنکبوت: ۱۵]. در حالی که آنان فقط مدت سفر در کشتی بودند، اما باز هم آنان را اصحاب السفینه نامید.

و آشکارتر از همه آیه‌ی: ﴿فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ﴾ [الکھف: ۳۴]. است که خداوند متعال با وجود متفاوت بودن دین که موجب عداوت است، او را صاحب نامیده است و هم چنین است آیه‌ی: ﴿يَصْحَبِي السِّجْنِ﴾ [یوسف: ۳۹].

اما در حدیث:

در حدیث هجرت وارد شده است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: «الصَّحَابَةُ بِأَبِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ»^۱. ابن حجر رحمته الله در توضیح آن می‌گوید: «یعنی: همراهی را می‌طلبیم».

و نیز روایت شده است که فرمودند: «فِي أَصْحَابِي اثْنَا عَشَرَ مُنَافِقًا فِيهِمْ ثَمَانِيَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»^۲. نووی رحمته الله درباره‌ی لفظ «أصحابی» می‌گوید: یعنی: «کسانی که به صحبت من منسوب هستند آن گونه که در روایت دیگر «فِي أُمَّتِي» آمده است».

۱- بخاری - مناقب الانصار، ۳۹۰۵ و نگا: فتح الباری ۲۹۴/۷.

۲- مسلم، صفات المنافقین و احکامهم (۲۷۷۹) نگا: شرح مسلم، نووی ۱۲۴/۱۷.

و این که فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَذَا الرَّجُلَيْنِ الرَّكَبَيْنِ الْمُقَفَّيْنِ. لِرَجُلَيْنِ حِينُذٍ مِنْ أَصْحَابِهِ»^۱.

نووی رحمته می‌گوید: «آن دو نفر را به این جهت از اصحاب خویش بر شمردند که تظاهر به اسلام می‌کردند و همراه ایشان بودند، نه این که فضیلت صحبت را یافته‌اند».

هیچ کس در این باره سخنی ندارد که رسول الله صلی الله علیه و آله منافقان را دیده و آنان نیز ایشان را دیده‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را می‌شناخته و آنان نیز ایشان را می‌شناخته‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله با آنان اجتماع فرمودند و اشخاص و نسب آنان را می‌دانستند، صحبت آنان یک صحبت لغوی به معنای معاشرت و همراهی و دیدار محض بوده است نه به قصد ایمان و اطاعت، این مطلب را عرب‌ها که صاحب زبانند کاملاً می‌دانند.

این مطلب و احادیثی که خواهد آمد، این نظر را ترجیح می‌دهند که منظور از آنان (رانده شونده‌گان از حوض)، همان مرتدان هستند که جزو صحابه نیستند و واژه‌ی صحبت و حقیقت شرعی آن، شامل حال آنان نمی‌گردد، به این جهت رسول الله صلی الله علیه و آله به عمر بن خطاب رضی الله عنه که می‌خواست عبدالله بن ابی بن سلول را، رئیس منافقان را به قتل برساند، فرمودند: «دعه، لایتحدث الناس أن محمداً يقتل أصحابه»^۲ «رهايش کن، مبادا مردم بگویند: محمد اصحاب خود را به قتل می‌رساند».

۱- مسلم، صفات المنافقين و احکامهم (۲۷۸۳)، شرح نووی، ۱۲۸/۱۷، اکمال المعلم

۳۱۳/۸.

۲- بخاری التفسیر: (۴۹۰۵ - ۴۹۰۷)، مسلم (۲۵۸۴).

ابن حجر رحمته الله می گوید: اصحابه یعنی «اتباعه» و نووی رحمته الله می گوید: «زیرا منافقان از صحابه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله شمرده می‌شدند»^۱. در صورتی که تاکنون هیچکس نگفته است که ابن سلول صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است! شیخ الاسلام رحمته الله می گوید: «بدیهی است که کلمه (الصاحب) در لغت به معنی کسی است که با دیگری همراه شده است خود لفظ هیچ گونه دلالتی بر دوستی و یا دشمنی، مسلمان و یا کافر بودن، ندارد، مگر این که قراین دیگری گویای آن باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ [النساء: ۳۶]. و کلمه الصاحب هم رفیق سفر را در بر می‌گیرد و هم همسر را، و هیچ دلالتی بر ایمان و کفر ندارد، و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَالْتَجِمَ إِذَا هَوَىٰ ۝۱ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝۲﴾ [النجم: ۱-۲]. و می‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝۲۲﴾ [التکویر: ۲۲].

منظور از آن رسول الله صلی الله علیه و آله هستند، زیرا ایشان با مردم مصاحبت و همراهی نموده‌اند، و از این جهت میان ایشان و مردم هماهنگی و مشارکتی حاصل شده است که به مردم امکان می‌دهد که وحی را از ایشان دریافت کنند و سخنان ایشان را بشنوند و معنای آن را بفهمند، اما فرشته با مردم همراه نبوده است تا بتوانند سخنی از وی دریافت کنند... اما در جایی که «صحبت» به ایشان مضاف شده است، مانند آیه‌ی: ﴿لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: ۴۰]. «غم مخور خدا با ماست». و حدیث: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي».

«اصحاب مرا بد نگوئید»، صحبت و همراهی، موالات و دوستی را می‌رساند و این بدون ایمان داشتن به رسول الله ﷺ ممکن نیست.

در ادامه می‌گوید: «صحبت عموم و خصوص دارد، مثلاً گفته می‌شود که: با فلانی یک ساعت، روز، ماه و یا سال همراهی و مصاحبت کرده و یا یک عمر همراه و مصاحب او، بوده است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾ [النساء: ۳۶]. در تفسیر آن گفته شده که: منظور از آن رفیق سفر است و همسر نیز گفته شده است، همراهی این هر دو، گاه کوتاه و گاه طولانی می‌شود، خداوند متعال همسر را «صاحبه» نامیده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿أَلَيْسَ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۱]. «چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد، حال آن که همسری ندارد».

بی‌تردید محض دیدن یک انسان، به معنای مصاحبت و همراهی او نیست، مگر در صورتی که با اتباع و پیروی از وی، او را دیده باشد و به او اختصاص یافته باشد»^۱.

بنابر این، تعبیر «اصحابی، ممن صاحبنی» که در احادیث حوض وارد شده است بر معنای لغوی و عام که از نظرتان گذشت، حمل می‌گردد، زیرا حمل نمودن آن بر معنای شرعی به معنای منهدم کردن دین از بنیاد است و آن هم بدون دلیل!! و کلمه‌ی (اصیحابی) که تصغیر است، همان‌گونه که می‌دانید، بر قلت دلالت می‌کند، و این بدان معناست که افرادی که از حوض رانده می‌شوند، (آن‌گونه که توضیح خواهیم داد) اندک هستند.

۱- منهاج السنة النبویة ۳۸۲/۸-۳۸۲-۳۸۸، ۴۷، با اندکی تصرف.

ثانیاً: کلمه‌ی: «أعرفهم، يعرفونی- عرفتهم»:

معرفت و شناختی که کلمات فوق به آن اشاره می‌کند یا معرفت اوصاف است و یا معرفت اعیان، این نکته در احادیث بیان شده است، معرفت اوصاف مانند حدیث ابو هریره رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «تَرِدُ عَلَيَّ أُمَّتِي الْحَوْضَ وَأَنَا أَدُودُ النَّاسِ عَنْهُ كَمَا يَدُودُ الرَّجُلِ إِبِلَ الرَّجُلِ عَنْ إِبِلِهِ. قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهُ أَتَعْرِفُنَا قَالَ نَعَمْ لَكُمْ سِيمَا لَيْسَتْ لِأَحَدٍ غَيْرِكُمْ تَرِدُونَ عَلَيَّ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ»^۱. و سیمای وضوء مخصوص صحابه رضی الله عنهم نیست، بلکه برای همه‌ی امت رسول الله صلی الله علیه و آله است که این ویژگی مبارک را دارند،

و معرفت اعیان مانند حدیث ابو سعید رضی الله عنه که در آن آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا بَالُ رِجَالٍ يَقُولُونَ إِنَّ رَجْمَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تَنْفَعُ قَوْمَهُ بَلَىٰ وَاللَّهِ إِنَّ رَجْمِي مَوْضُوعَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنِّي أَبْيَهَا النَّاسُ فَرَطٌ لَكُمْ عَلَيَّ الْحَوْضُ فَإِذَا جِئْتُمْ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ وَقَالَ آخِرُنَا فُلَانُ بَنُ فُلَانٍ قَالَ لَهُمْ أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ عَرَفْتُهُ وَلَكِنَّكُمْ أَحَدْتُمْ بَعْدِي وَارْتَدَدْتُمْ الْفَهْقَرَىٰ».

«چرا مردانی می‌گویند: خویشاوندی رسول الله صلی الله علیه و آله، برای قوم ایشان سودی ندارد، آری والله، رشته‌ی خویشاوندی من در دنیا و آخرت برقرار است، ای مردم! من سر حوض پیشواز شما هستم، شما که می‌آید، یکی می‌گوید: یا رسول الله! من فلانی فرزند فلانی هستم و دیگری می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم، می‌گویم: نسب شما را که می‌شناسم، اما شما پس از من بدعت‌گزاری کردید و به قهقرا باز گشتید».

می‌بینیم که رسول الله ﷺ امت خویش را با آثار وضوء غره و تحجیل می‌شناسند و آنان نیز رسول الله ﷺ را می‌شناسند، و امت‌های دیگر این علامت را ندارند، به این خاطر رسول الله ﷺ فرمودند: «أَعْرِفْهُمْ وَيَعْرِفُونِي». «من آنان را می‌شناسم و آنان مرا». و جمله‌ی: «هَلْ شَعَرَتْ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ». «می‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند». گویای این است که رسول الله ﷺ اشخاص آنها را نمی‌شناسند، گرچه با علامتی که دارند می‌دانند که از امت وی هستند،

و آن‌گونه که قبلاً بیان شد، شاید منظور معرفت عینی و شخصی با شناخت نسب باشد، این احتمال، نظریه‌آnehایی را که رانده شوندگان از حوض را، مرتدان می‌دانند، تقویت می‌کند، همان مرتدانی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه پس از رحلت رسول الله ﷺ با آنان جهاد کرد، زیرا رسول الله ﷺ را به گونه‌ای خطاب می‌کنند که، آنان را پیش از رحلت خویش می‌شناخته است.

خلاصه: این‌که، در این کلمه هیچ دستاویزی علیه صحابه رضی الله عنهم نیست و این احادیث تمام امت رسول الله ﷺ را در بر می‌گیرند. والله الموفق.

ثالثاً: کلمه‌ی: (مَنِي، منكم، أحدكم):

در جمله‌ی: «وَلْيُرْفَعَنَّ رِجَالُ مَنْكُمُ». و «فَأَقُولُ: يَا رَبِّ مَنِي وَمِنْ أُمَّتِي». که رسول الله ﷺ فرمودند.

این الفاظ صراحتاً دلالت بر این دارند که منظور از آن افراد، عموم امت هستند نه فقط معاصران و اصحاب رسول الله ﷺ، زیرا فرمودند: «مِنِّي وَمِنْ أُمَّتِي». «از من و امت من هستند». منظور تمام امت به همراه منافقان هستند، آن‌گونه که در حدیث آمده است: «يُحْتَشِرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ

مَنْ كَانَ يَعْبُدُ شَيْئًا فَلْيَتَّبِعْ . فَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الشَّمْسَ ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الْقَمَرَ
وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الطَّوَاغِيتَ ، وَتَبَقِيَ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا^۱ .

«مردم در روز قیامت محشور می گردند، می گوید: هرکس چیزی را می پرستیده است، دنبال آن برود، بعضی در پی خورشید و برخی در پی ماه و برخی در پی طاغوت‌ها می روند و این امت با منافقانی که دارد، می ماند.»

نووی رحمته الله می گوید: «برخی از علما می گویند که: آنهایی که از حوض رانده می شوند، همانند منافقان هستند که به آن گفته می شود: سحفاً سحفاً^۲ .»

احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله یکدیگر را تصدیق می کنند، پس این الفاظ بر آن چه قبلاً گذشت: «اعرفهم...» و «أصحابي...» حمل می شود، بنابراین، منظور از آن، یا معرفت اوصاف و همان درخشندگی پا و پیشانی است که آنان را جرو امت قرار داده است و یا معرفت نام و شخص آنان است که در دنیا رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را به آن نام می شناخته اند.

اما جمله: «فَإِيَّايَ لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدُكُمْ فَيَدْبُ عَنِّي» . «مبادا کسی از شما بیاید و از من رانده شود...» . در سیاق تحذیر آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله اصحاب خویش را از بازگشت بیم داده اند و آنان را به استقامت و پایداری بر دین تشویق فرموده اند و این نشان کمال محبت و شفقت با آنان است، این خطاب گرچه به صحابه رضی الله عنهم است اما برای تمام امت عام است، زیرا عبرت به عموم لفظ است نه به سبب مخصوص.

۱- بخاری، الصلوة: (۸۰۶)، مسلم، الایمان: (۱۸۲)

۲- مسلم، شرح نووی ۱۹/۳ .

این اسلوب در کلام شارع حکیم رواج دارد، خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ [الأحزاب: ۱].

«ای پیامبر! از خدا بترس و از کافران و منافقان پیروی مکن».

ابن کثیر رحمته می‌گوید: «این تنبیه بالا علی، علی الادنی است، خداوند متعال که پیامبرش را چنین دستور می‌دهد، دیگران به طریق اولی باید آن دستور را به جا آورند»^۱.

شیخ الاسلام رحمته می‌گوید: «نهی از یک چیز، دلیل وقوع آن نیست، بلکه گویای آن است که آن کار برای آن شخص ممنوع است، تا آن کار در آینده رخ ندهد- و پس از ذکر آیه‌ی سابق می‌گوید: - این، دلالت بر این مطلب ندارد که رسول الله صلی الله علیه و آله از آنان پیروی می‌کرده‌اند»^۲.

خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله در احادیث حوض، براین محمل باید حمل گردد و هم چنین حدیث: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطَّرْفَاتِ»^۳. «از نشستن سر راه‌ها بپرهیزید...». و بسیاری دیگر از احادیث که بر شفقت رسول الله صلی الله علیه و آله بر امت، دلالت دارد، که امت خویش را همان گونه که از دجال و فتنه‌ها بر حذر داشته از این قبیل امور نیز هشدار داده‌اند، این همه، رسول الله صلی الله علیه و آله را مصداق آیه‌ی: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸] قرار می‌دهد.

۱- تفسیر القرآن العظیم ۶/۱۴۶.

۲- منهاج السنة النبویة ۸/۴۵۷.

۳- بخاری، المظالم والغضب: (۲۴۶۵)، مسلم، الباس والزینة: (۲۱۲۱)

«بی‌گمان پیغمبر یاز خود شما به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است».

آیا تحذیر و هشدار از کاری، مستلزم ارتکاب آن کار ممنوع است؟! آیا نهی از کاری به معنای ارتکاب آن است؟! بلکه این نشانه‌ی تبلیغ کامل رسالت و منتهای شفقت و رحمت بر امت است.

رابعاً جمله‌ی: «فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ».

همل النعم، به شتران گم شده و بی‌چوپان می‌گویند، و آن گونه که ابن حجر رحمته می‌گوید، منظور افرادی هستند از جمله کسانی که به حوض نزدیک می‌شوند، و چیزی نمانده که برسند، اما از آن باز داشته می‌شوند... یعنی از آن میان فقط تعداد اندکی بر حوض وارد می‌شوند، زیرا شترهای بی‌چوپان و گم شده، نسبت به بقیه شتران کم‌تر هستند^۱.

همان گونه که حدیث از نظرتان گذشت، در حدیث از دو زمره یاد شده است که تعدادی مثل «همل النعم» از آن نجات پیدا می‌کنند، یعنی: از افرادی که از حوض رانده می‌شوند، فقط افرادی اندک مانند شتران بی‌چوپان، نجات پیدا می‌کنند، اکنون که دانستیم، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند به نسبت آنهایی که سر حوض می‌رسند کم‌تر هستند و آنها که می‌رسند بیشترند، قطعاً این حدیث دستاویزی برای طعنه زندگان نخواهد بود، خصوصاً که مشاهده کردید، احادیث حوض الفاضلی از قبیل: (زمره)، (رهط)، (اصیحابی) و (البعیر الضال) وارده شده است که همه آنها بر قلت

دلالت می‌کنند، همان گونه که لفظ (الذود) هم گویای قلت است، و در این حدیث لفظ (زمره) آمده است.

زمره، یعنی: گروه اندک و «شاة زمره» به معنای گوسفند کم مو است. الرهط: بر گروهی سه یا هفت تا ده نفره و یا، زیر ده اطلاق می‌شود که میان آنان زنی نباشد.

والذود: بر سه تا ده و یا از دو تا نه، دلالت می‌کند.

رسول الله ﷺ مردم را با سخنانی که برایشان مفهوم بود، خطاب نمودند و از کلام خویش معنای حقیقی آن را مد نظر داشتند، مبادا کسی بگوید: حقیقت این الفاظ، منظور رسول الله ﷺ نبوده است، این طعنی است در تبلیغ شریعت پروردگار، توسط رسول الله ﷺ و دروازه‌ای است برای زندقه و بی‌دینی، و رد نمودن حق است بدون هیچ دلیل و برهانی.

ابن قتیبه در رد صاحبان این نظریه و تأیید آن چه ما گفتیم، می‌گوید: «اگر آنان در حدیث تدبر می‌کردند و الفاظ آن را می‌فهمیدند، از آن چنین استدلال می‌کردند که منظور رسول الله ﷺ از آن، فقط تعداد اندکی بوده است.

جمله‌ی «لَبِردَنَّ عَلَيَّ الحَوْضَ أَقْوَامٌ». نیز بر همین مطلب دلالت دارد، زیرا اگر منظورشان همه بودند، جز افراد اندکی، آن گاه می‌فرمودند: «لتردن علی الحوض ثم لتختلجن دوني»، مگر نمی‌بینی اگر کسی بگوید: «أتاني اليوم أقوام من بني تميم وأقوام من أهل الكوفة». منظورش این است که از مجموع آنان، تعداد اندکی آمدند و اگر بخواهد بگوید، همه آمده‌اند جز تعداد اندکی، می‌گوید: «أتاني بنو تميم وأتاني أهل الكوفة». و روا نیست لفظ (قوم) را به

کار گیرد، زیرا قوم همان‌هایی هستند که نیامده‌اند، هم چنین جمله‌ی: «یا رب اصبحابی» با تصغیر، بر آن دلالت می‌کند و مراد از آن تقلیل عدد است، آن گونه که می‌گویی: «مررت بأبیات متفرقة» و «مررت بجمیعة». «از خانه‌اک‌ها... و گروهکی گذشتم».

می‌دانیم که منافقان برای به دست آوردن غنیمت و بردگان برای پرداخت وام و حتی افراد دو دل و مشکوک هم، در جنگ‌ها رسول الله ﷺ را همراهی می‌کردند.

تعدادی پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند... اما عموم صحابه جز شش نفری که آنان نام می‌برند - چگونه از حوض بازداشته می‌شوند^۱. کوتاه سخن این که: همان گونه که در احادیث آمده است آنهایی که از حوض بازداشته می‌شوند اندکند و تعدادی نیز مثل (همل النعم) نجات می‌یابند، پس باز هم کمتر می‌شوند.

نکته:

در این حدیث لفظ (منهم) وارد شده است، نه (منکم)، برخی خواسته‌اند که این نکته را بر مردم وارونه و ملبس کنند^۲ و این لفظ دلیل بر این است که منظور از حدیث دیگرانند نه صحابه ﷺ.

این حدیث با آن که بدعت‌گرایان از آن بسیار استدلال می‌کنند، هیچ اشاره‌ای، نزدیک و یا دور به صحابه ﷺ ندارد، تنها چیزی که دارد جمله‌ی: «حتی إذا عرفتهم» است که ما از آن معرفت، سخن گفتیم و هم چنین

۱- تأویل مختلف الحدیث ص: ۲۱۷ - ۲۱۸ با اندکی تصرف.

۲- نکا: الصحابة بين الصحبة اللغوية و الصحبة الشرعية، از حسن فرحان ص: ۶۳ و

الانتصار للصحب الأخیار، از شیخ عبدالمحسن العباد، ص: ۱۲۸ - ۱۳۰.

جمله‌ی: «ارتدوا بعدک» که ناظر بر اعرابی است که پس از رحلت رسول الله ﷺ مرتد شدند، و نیز گفته شده است که منظور همه مرتدان هستند تا به قیامت.

توجه:

طعنه زندگان، برای ارتداد صحابه ﷺ از این آیه استدلال می‌کنند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

«محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته‌اند، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب بر می‌گردید و هرکس به عقب باز گردد کوچکترین زبانی به خدا نمی‌رساند و خدا سپاسگزاران را پاداش می‌دهد».

می‌گویند: خداوند ردت صحابه را پس از وفات رسول الله ﷺ اثبات کرده است! پاسخ این است که این آیه دلیل آشکاری است مبنی بر این که منظور از مرتدانی که در حدیث آمده است، همان اعرابی هستند که پس از وفات رسول الله ﷺ مرتد شدند و شاکرین، ابوبکر و همراهانش که بر دین ثابت ماندند، با آنها جنگیدند و نتیجه‌ی این شکر تمکین فی الارض بود که خداوند به آنان عنایت فرمود.

این قیم ﷺ می‌گوید: «شاکرین: آنهایی هستند که قدر نعمت را شناختند و تا دم مرگ و یا شهادت بر آن استوار ماندند، اثر این عتاب و حکم این خطاب روزی آشکار شد که رسول الله ﷺ درگذشت و مرتدان از دین

برگشتند و شاکران بر دین استوار ماندند و خداوند آنان را غالب نمود و یاری داد و بر دشمنان پیروز گردانید و عاقبت نیکو را به آنان بخشید»^۱.

باید پرسید: اگر صحابه رضی الله عنهم آن گونه که شما می‌گویید، مرتد شده بودند، چگونه خداوند به آنان تمکین بخشید، مگر نه این است که خداوند فرمود: ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ شما می‌گویید شاکران علی رضی الله عنه و پیروانش هستند، همه می‌دانیم که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله خداوند به آنان تمکین نداد! پس پاداش شاکران چه شد؟!

ابوبکر صدیق رضی الله عنه روز وفات رسول الله صلی الله علیه و آله به همین آیه بر تمام صحابه استدلال کرد^۲ عجباً! آیا مرتد در جمع صحابه به آیهی ارتداد خود، استدلال می‌کند و کسی سخنی نمی‌گوید؟ پس شاکران کجایند؟!

علامه سعدی رحمته الله می‌گوید: «این آیه دلیل آشکاری است بر فضیلت صدیق اکبر و یارانش که پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله با مرتدان جهاد کردند و آنان سرور شاکران هستند»^۳.

برخی از علما گفته‌اند که، سبب نزول این آیه، آن است که در غزوه‌ی احد که مسلمانان شکست خوردند و قتل رسول الله صلی الله علیه و آله میان مردم شایعه شد و بسیاری آن را باور کردند، آن‌گاه خداوند این آیه را برای سرزنش آنان بر آن عملکرد نازل فرمود.

مفسران می‌گویند که منظور از آیه: ﴿أَنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾ [ال عمران: ۱۴۴]. ارتداد از اسلام نیست، زمخشری رحمته الله می‌گوید: منظور از «انقلاب علی

۱- بدائع التفسیر ۵۱۵/۱.

۲- بخاری، فضائل اصحاب النبی صلی الله علیه و آله: (۳۶۶۸).

۳- تفسیر السعدی: ۲۴۸/۱.

الاعقاب» اعراض و روی گردانی از جهاد و کارهای دیگر است که رسول الله ﷺ انجام دادند و برخی به معنی ارتداد گفته‌اند، در روز غزوه‌ی احد هیچکس از مسلمانان مرتد نشد...»^۱.

شوکانی رحمته می‌گوید: «از علی رضی الله عنه روایت شده است که درباره‌ی ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. فرمود: یعنی: آنهایی که بر دین استوار ماندند، ابوبکر و اصحابش، علی رضی الله عنه می‌فرمود: ابوبکر امیر شاکران بود»^۲.

پس از این بررسی، برای شما نمایان می‌گردد که این آیه دلیل آشکاری است بر ایمان صحابه و عدم ارتداد آنان، و استدلال مخالفان از آن دلیل لجاجت در فهم آیات و پیروی از متشابهات است.

۱- الکشاف ۶۳۱/۱.

۲- فتح‌القدیر ۵۸۴/۱.

بخش سوم

تمهید

رسول ﷺ در احادیث بسیاری تصریح کرده‌اند که اصحاب ایشان، نخستین افرادی هستند که بر حوض می‌آیند و از آن می‌نوشند و ایشان در انتظار آنهایند و از آمدنشان شادمان می‌گردند، این مطلبی است که قرآن و سنت صراحتاً بر آن دلالت دارد و ماسوای آن طعنی است در قرآن و سنت از طریق متهم ساختن حاملان آن.

گمراهان که آیات قطعی و محکم قرآن را رها کرده‌اند و در پی آیات متشابه هستند، می‌خواهند در کلام شارع تناقض ایجاد کنند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾﴾

[آل عمران: ٧].

«او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، بخشی از آن آیات «محکمی» است که اساس این کتاب می‌باشند و بخشی دیگر از آن «متشابه» است، اما آنهایی که قلب‌هایشان انحراف دارد، به دنبال متشابهات اند، تا فتنه انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند، در حالی که تفسیر آن را جز خدا کسی نمی‌داند، و راسخان در علم، می‌گویند: ما به

آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست، و جز صاحبان عقل (کسانی دیگر) متذکر نمی‌شوند».

علامه سعدی می‌گوید: بد اندیشانی که دل‌هایشان مملو از بیماری، گمراهی و انحراف است، در پی متشابهات هستند و از آن بر گفتار باطل و ایده‌های بی‌اساس خود استدلال می‌کنند و در پی فتنه‌انگیزی و تحریف قرآند و آن را طبق ایده‌ها و مذاهب خود تأویل می‌کنند تا خود گمراه شوند و دیگران را نیز به گمراهی بکشانند^۱ اما آنان که در علم و ایمان پایه استواری دارند، می‌دانند که نظریه رده صحابه تا چه مقدار سخیف و بی‌بنیاد است و قائلین به آن در انهدام شالوده‌ی دین عوامل شیطانند!

یک سؤال مهم: راستی، اگر همه‌ی اصحاب رسول الله ﷺ جز سه و یا پنج نفر، مرتد شده باشند، از اسلام دیگر چه می‌ماند؟

اندیشیدن به لازمه‌ی این سخن، انسان را - والعیاذ باللہ - به دین جدیدی درمی‌آورد، عاقلی که از بند هوای نفس رها باشد، چگونه می‌تواند بپذیرد که مردمان دیگر بر حوض رسول الله ﷺ وارد شوند، اما آنهایی که ایشان را نصرت نمودند و پناه دادند و همراه ایشان هجرت کردند، از حوض باز داشته شوند؟! آیا مگر بعدی‌ها توسط آنان ایمان نیاوردند و مگر آنان حاملان قرآن و سنت نیستند؟ صدها آیه و حدیثی که صحابه را می‌ستاید، چه می‌شود؟ این همه فتوحات در شرق و غرب به دست چه کسانی انجام شد؟ مردم به دست چه کسانی گروه گروه به دین اسلام گرویدند؟ چه کسانی سلطنت کسری را برچیدند و به عمر قیصر، پایان دادند، آیا کسانی غیر از صحابه بودند؟ این‌ها به کسی که بخواهد تازه مسلمان شود، چه

می‌گویند؟ آیا می‌گویند پیامبری که می‌خواهید به دین وی درآیید، صحابه‌اش پس از ایشان مرتد شده‌اند و کتاب الهی را تحریف کرده‌اند، و جهادشان با پیامبر منافقانه بوده است و جز پنج نفر یا کمتر از تربیت و تزکیه‌ی وی بهره‌ای نبردند؟! شما بگویید اینان چه دینی را می‌خواهند به جای آن برگزینند؟! ما از آن‌ها که چنین نظری دارند، می‌خواهیم که تقلید را رها کنند و با آزاد اندیشی و صادقانه و دور از تأویل افسانه‌ای روایات که با واقعیت‌ها تضاد دارد و تاریخ آن را تکذیب می‌کند، و آن خواسته شیطان و اعوان اوست، حق و حقیقت را جستجو کنند.

﴿وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ ۖ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ ۚ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ۖ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾
[المائدة: ۴۱].

«هر کسی را خدا بخواهد دچار فتنه کند، قادر به دفاع از او نیستی، آنها کسانی هستند که خداوند نخواسته دل‌هایشان را پاک کند، در دنیا رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ نصیبشان خواهد شد.»

بحث اول: اصحاب رسول الله ﷺ نخستین کسانی هستند که بر حوض می‌روند و از آن می‌نوشند

۱- ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «من بر کناره حوض خودم مردم را با عصای خود کنار می‌زنم تا برای اهل یمن جا باز شود، پرسیدند: عرض حوض چه مقدار است؟ فرمودند: از اینجا تا عمان، پرسیدند: آب آن چگونه است؟ فرمودند: سفیدتر از شیر و

شیرین‌تر از عسل، دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزند یکی از طلا و دیگری از نقره است»^۱.

نووی رحمته می‌گوید: یعنی: مردم دیگر را از آن دور می‌کنم تا برای اهل یمن جا باز شود و این کرامتی است برای اهل یمن که به پاس خدمتشان به اسلام و ایمان آوردن پیش از دیگران، که انصار از آنهایند، پیش از دیگران آب خواهند نوشید، رسول الله صلی الله علیه و آله دیگران را دور می‌کند تا اهل یمن آب بنوشند، همان گونه که آنان در دنیا دشمنان و بدی‌ها را از رسول الله صلی الله علیه و آله دور کردند^۲.

قرطبی رحمته می‌گوید: «منظور پیشتازان اهل یمن هستند که رسول الله صلی الله علیه و آله را یاری دادند و خداوند توسط آنان دین را برتری و غلبه عنایت نمود، قبلاً گفتیم که مدینه از یمن است و اهل مدینه از هرکس دیگر به این کرامت حق‌دارتر هستند، زیرا که آنان پیش از همه کس به یاری رسول الله صلی الله علیه و آله و جان نثاری در راه ایشان قیام کردند و به این خاطر رسول الله صلی الله علیه و آله به آنان فرمودند: «اصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ»^۳. «صبر کنید تا سر حوض با من ملاقات کنید».

ببینید که میان رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه تا چه مقدار محبت و وفا حاکم است که رسول الله صلی الله علیه و آله مردم را از حوض دور می‌کند تا اهل یمن که همان انصارند، از آن بنوشند، چه دلیلی واضح‌تر از این؟ مخالفان چگونه آن را پاسخ می‌دهند!؟

۱- مسلم - کتاب الفضائل - (۲۳۰۱).

۲- مسلم، شرح نووی ۶۲/۱۵.

۳- المفهم ۹۶/۶.

۲- ثوبان رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَوْضِي مِنْ عَدَنَ إِلَى عَمَانَ الْبُلْقَاءِ مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَكَاوِيْبُهُ عَدْدُ نُجُومِ السَّمَاءِ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا أَوَّلُ النَّاسِ وَرُودًا عَلَيْهِ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الشُّعْثُ رُءُوسًا الدُّنْسُ ثِيَابًا الَّذِينَ لَا يَنْكِحُونَ الْمُتَنَعَّمَاتِ وَلَا تُفْتَحُ لَهُمُ السُّدَدُ»^۱.

«حوض من (به اندازه‌ی) از عدن تا عمان... است، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است، جام‌هایش به تعداد ستاره‌های آسمانند، هرکس از آن، جرعه‌ای بنوشد، پس از آن هرگز تشنه نمی‌شود، اولین کسانی که بر آن وارد می‌شوند، مهاجران فقیر هستند، آنهایی که سر و موی‌شان ژولیده و لباس‌شان لکه دار است، آنهایی که زنان ناز پرورده را نکاح نمی‌کنند، و درها به رویشان باز نمی‌گردد».

آری! رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مهاجرن فقیر نخستین کسانی هستند که بر حوض وارد می‌شوند، مبارکفوری رضی الله عنه می‌گوید: «منظور از مهاجرین کسانی هستند که از مکه به مدینه هجرت کردند و رسول الله صلی الله علیه و آله سرور آنان است»^۲.

و این مصداق آیه‌ای است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

۱- ترمذی (۲۴۴۴)، ابن ماجه (۱۴۳۰۳)، صححه الألبانی.

۲- تحفة الأحوذی ۱۱۵/۷.

«(این اموال) برای فقیران مهاجری است که از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها را راستگویان».

آیا با این دو حدیث که رسول الله ﷺ تصریح فرمودند که مهاجرین و انصار بر حوض وارد خواهند شد، باز هم جایی برای شک و تردید باقی می ماند؟! آیا مخالفان با شنیدن فرموده‌ی رسول الله ﷺ مانند مؤمنان تسلیم می شوند و سخن خدا و رسول را می پذیرند، یا باز هم به لجاجت و عناد خود ادامه می دهند و به بخشی از قرآن ایمان می آورند و بخشی دیگر را رها می کنند؟!

۳- انس رضی الله عنه می گوید: از رسول الله ﷺ خواستم که در قیامت برایم شفاعت کند، فرمودند: چنین خواهم کرد، گفتم: یا رسول الله! شما را کجا پیدا کنم؟ فرمودند: ابتدا بر صراط سراغم را بگیر گفتم: اگر آنجا نبودید؟ فرمودند: کنار میزان، گفتم: اگر آنجا هم شما را نیافتم؟ فرمودند: آنگاه کنار حوض سراغم را بگیر، من قطعاً در یکی از این سه جا خواهم بود»^۱.

انس رضی الله عنه از رسول الله ﷺ درخواست شفاعت نمود، و ایشان موافقت فرمودند و در یکی از سه جا که حوض یکی از آنهاست، با انس رضی الله عنه وعده و قرار دیدار گذاشتند، پس این حدیث گویای این مطلب است که انس رضی الله عنه بر حوض رسول الله ﷺ وارد می شود و از آن خواهد نوشید، این حدیث گرچه ویژه انس رضی الله عنه است که وی مشمول حدیث ثوبان رضی الله عنه نیز که درباره انصار است، می باشد، البته این حدیث نکات دیگری نیز دارد، منجمله این که: انس رضی الله عنه از

۱- ترمذی (۲۴۳۳) صححه الألبانی.

اصحابی است که از جانب شیعه مورد طعن و بغض قرار گرفته است و این حدیث، آنان را رد می‌کند، دیگر این‌که: رسول الله ﷺ به وی وعده دادند و ایشان هرگز خلف وعده نمی‌کنند. و دیگر این‌که: از این حدیث ایمان انس ﷺ ثابت می‌گردد، زیرا که منافقان و کافران از شفاعت رسول الله ﷺ بهره‌ای نخواهند داشت بنابراین، حدیث گویای ایمان انس ﷺ می‌باشد و این شفاعت خاص و علاوه از شفاعت کلی برای عموم امت است، والله اعلم.

۴- زید بن ارقم رضی الله عنه می‌گوید: «در سفری به همراهی رسول الله ﷺ در جایی برای استراحت منزل گرفتیم، ایشان فرمودند: شما بخشی از صد هزار بخش هستید که نزد من، بر حوض وارد می‌شوند، راوی می‌گوید: از وی پرسیدم که در آن روز شما چند نفر بودید؟ گفت: هفتصد یا هشتصد نفر»^۱.

حدیث زید رضی الله عنه صراحتاً دلالت دارد که اصحاب رضی الله عنهم بر حوض رسول الله ﷺ وارد خواهند شد و آنان بخشی از افراد کثیری هستند که بر حوض وارد می‌شوند و در این حدیث رسول الله ﷺ به هفتصد یا هشتصد نفر این مژده را دادند و دیگران که در آن سفر همراه ایشان نبودند عمومیت احادیث سابق آنان را شامل می‌شود، والله اعلم.

۵- خوله بنت حکیم رضی الله عنها^۲ می‌گوید: «گفتم: یا رسول الله! شما حوضی دارید؟ فرمودند: آری، و محبوب‌ترین کسانی که نزد من وارد می‌شوند، قوم تو هستند».

۱- ابوداود (۴۷۴۷) صححه الألبانی

۲- خوله بنت قیس بن قهد و خوله بنت ثامر نیز گفته شده است، ابن مدینی و ابوعمر آن را نقل کرده‌اند، گفته شده که آنان دو نفر هستند و وی همسر حمزه بن عبدالمطلب،

و در روایتی آمده که: محبوبترین مردم نزد من که از آن سیراب می‌شوند قوم تو هستند.^۱

این حدیث نیز دلالت بر این دارد که انصار بر حوض آن حضرت ﷺ وارد خواهند شد و آنان و به ویژه بنی نجار، دایی‌های رسول الله ﷺ محبوبترین مردمی هستند که بر حوض وارد می‌شوند و این پاداش خوبی‌هایی است که به رسول الله ﷺ کرده‌اند.

۶- اسید بن حضیر رضی الله عنه می‌گوید: «مردی انصاری در خلوت به رسول الله ﷺ گفت: یا رسول الله! مرا به کاری نمی‌گماری، آن‌گونه که فلانی را گماشته‌ای؟ فرمودند: شما پس از من شاهد نوعی ترجیح خواهید بود، آنگاه صبر کنید تا آن که سرحوض با من دیدار کنید»^۲.
و در روایتی دیگر از بخاری آمده که: «وعده‌ی من و شما سر حوض من است».

می‌بینیم که رسول الله ﷺ آن مرد انصاری و قبیله‌اش را در مقابل نوعی ترجیح در امور دنیوی به صبر و خویش‌تن داری توصیه می‌فرماید تا آن‌که سر حوض با ایشان ملاقات کنند، این بزرگترین دلیلی است مبنی بر اینکه رسول الله ﷺ آنان را با نوشاندن از آب حوض تکریم خواهند فرمود و گرنه

است که انصاری و از قبیله‌ی خزرج و تیره‌ی بنی نجار بوده است. نگاه: الاستیعاب ص: ۸۹۳، الاصابة ۱۱۳/۸، ۱۱۹.

۱- السنة، ابن ابی عاصم (۷۰۴-۷۰۵) آلبانی گفته: إسنادہ صحیح.

۲- بخاری، مناقب الأنصار- (۳۷۹۲، ۳۹۹۳)، مسلم، الإمارة، (۱۸۴۵)، این الفاظ از اوست.

چگونه ممکن است رسول الله ﷺ به آنان که بنا بر توصیه ایشان صبر پیشه کرده‌اند، وعده‌ی حوض بدهند و آنگاه آنان از حوض رانده شوند.

۷- زید بن ارقم رضی الله عنه هنگامی که عبیدالله بن زیاد منکر حوض شد، گفت:

«رسول الله ﷺ به ما چنین فرمودند و ما را به آن وعده دادند...»^۱.

آری! می‌گوید رسول الله ﷺ ما را به حوض وعده دادند، و قطعاً رسول الله ﷺ به وعده خویش وفا خواهند نمود.

۸- عبدالله بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید: «رسول الله ﷺ فرمودند: میعادگاه

شما حوض من است...»^۲.

این حدیث همانند حدیث قبل است با بیان این که آن وعده مخصوص انصار نیست، بلکه برای تمام صحابه عام است.

۹- ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: «رسول الله ﷺ فرمودند: شما بر حوض من وارد

خواهید شد و من مردم را با عصایم از حوض دور می‌کنم...»^۳.

۱۰- عمرو بن زید بکالی می‌گوید: از عتبه بن عبد سلمی شنیدم که

می‌گفت: «یک اعرابی برخاست و از رسول الله ﷺ پرسید: حوضی که

از آن سخن می‌گوئید، چیست؟ فرمودند: به اندازه‌ی فاصله صنعا تا

بُصری است، سپس خداوند به من کرانه‌هایی را می‌بخشد که هیچ

بشری از مخلوقات الهی نمی‌دانند که کدام طرف حوض است،

می‌گوید: عمر تکبیر گفت، رسول الله ﷺ فرمودند: مهاجران فقیر که

در راه خدا کشته می‌شوند و می‌میرند، سر حوض ازدحام خواهند

۱- صحیح، قبلاً ذکر شد.

۲- صحیح، قبلاً ذکر شد.

۳- آجری: (۸۳۷)، سالم بن الجهد در سند آن، ثقة است البته از ثوبان سماع نکرده

است، واحادیث سابق شاهد آند، نگا: التهذیب ۱/۶۷۴.

کرد امیدوارم که خداوند مرا بر حوض وارد کند از آن بنوشم»^۱.
این فرموده رسول الله ﷺ که: «فقرای مهاجرین بر حوض ازدحام می‌کنند» دلیلی است بر این که، مهاجران فقیر که در راه خدا کشته می‌شوند و فی سبیل الله می‌میرند، بر حوض رسول الله ﷺ تجمع خواهند کرد و از این حدیث بر می‌آید که آنان از حوض خواهند نوشید، زیرا در حدیث، به ایمان، هجرت، پایداری، جهاد و شهادت آنان فی سبیل الله اشاره شده است که این یکی از بزرگ‌ترین علایم صداقت و راستی با خداست.

۱۱- ابو صالح می‌گوید: «رسول الله ﷺ ابوبکر را امیر کاروان حجاج قرار داد، هنگامی که حرکت کرد در پی او علی را با آیاتی از ابتدای سوره براءت گسیل فرمودند، ابوبکر بازگشت و گفت: یا رسول الله! مگر مرا چه شده است؟ ایشان فرمودند: خیر است، تو در غار همراه من بودی و سر حوض هم همراه من خواهی بود، ابوبکر گفت: خشنود گشتم»^۲.

ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله ﷺ به ابوبکر فرمودند: «أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ وَصَاحِبِي فِي الْغَارِ». «تو سر حوض همراه من خواهی بود و در غار همراهم بودی»^۳.

ترمذی درباره‌ی این حدیث گفته است: هذا حدیث حسن، صحیح، غریب.

۱ - ابن ابی عاصم، السنه، ص: ۳۱۶، ابن حبان: (۶۴۵۰) احمد با اختصار ذکر کرده است
۱۹۱/۲۹، صححه الألبانی.

۲- احمد، فضائل الصحابة، (۱۷۷) مرسلأ از ابی صالح، طبری مانند آن را موصولاً از ابی صالح از علی مرفوعاً ذکر کرده است، حافظ ابن حجر آن را در فتح ۴۰۴/۸ آورده است.

۳- ترمذی (۳۶۷۰)

۱۲- ابوهیره رضی الله عنه می گوید: «رسول الله ﷺ به گورستان تشریف بردند و فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ وَدِدْتُ أَنَّا قَدْ رَأَيْنَا إِخْوَانَنَا». «سلام بر شما ای مؤمنان این دیار، ما هم ان شاء الله به شما خواهیم پیوست، دوست دارم که کاش برادران خود را می دیدیم». مردم گفتند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمودند: شما اصحاب من هستید، برادران ما آنهایی اند که هنوز نیامده اند، گفتند: آن دسته از امتی هایتان را که هنوز نیامده اند، چگونه می شناسید؟ فرمودند: ببینید! اگر مردی اسبی پیشانی سفید که دست و پایش نیز سفید است، داشته باشد، آیا در میان اسب‌هایی سیاه و تیره، اسب خود را باز نمی شناسد؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمودند: آنان بر اثر وضو با دست‌ها و پاهایی سفید، نزد ما خواهند آمد و من پیش از آنان بر حوض خواهم بود، آگاه باشید! مردانی از حوض من رانده می شوند، همان گونه که شتر گم شده رانده می شود، آنان را صدا می کنم که بیایید، گفته می شود! آنان پس از تو تغییر کرده اند، آن گاه می گویم: دور شوید! دور شوید!»^۱.

شیخ الاسلام می گوید: «این حدیث گویای آن است که هرکس وضو بگیرد و صورت، دست‌ها و پاهایش را بشوید او از «عَرَّ مَحْجَلِينَ»^۲. خواهد بود و جمهور آنان ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را مقدم می دارند، رافضی‌ها پاهای خود را نمی شویند بنابراین از «مَحْجَلِينَ»^۳ نخواهند بود.

۱- مسلم، الطهارة (۲۴۹).

۲- آن که پیشانی و پاهایش از سفیدی می درخشد.

۳- منهاج السنة النبوية ۳۸۸/۷.

این حدیث به همراه احادیث سابق دلالت بر این دارند که: صحابه بر اثر وضو «غَرْمَحْجَلین» و شایسته‌ترین افرادی هستند که این منقبت شامل آنان می‌گردد و بدین خاطر رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُهُمْ عَلَى الْحَوْضِ». یعنی: من پیش از آنان بر حوض می‌روم تا آنرا برایشان آماده کنم همان‌گونه که میزبان هنگامی که میهمان به همراه دارد، این‌گونه عمل می‌کند، رسول الله ﷺ درباره‌ی آنهاپی که از حوض رانده می‌شوند، فرمودند، (مردانی) و نفرمودند: اصحاب من، و یا تعدادی از شما، تا دست آویزی برای بد خواهان، که به دنبال تأویل یا بزرگنمایی هستند، نباشد، در حدیث قبل که مسلم آن را روایت نموده است، آمده بود که: «و إني لأصد الناس عنه كما يصد الرجل ابل الناس عن حوضه»، (من مردم را از آن باز می‌دارم آن‌گونه که شخصی شتران مردم را از حوض خود باز می‌دارد) گفتند یا رسول الله! آیا آن روز ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری شما سیمایی دارید که ملت‌های دیگر ندارند، شما بر اثر وضو (غَرْمَحْجَلین) با دست و پا و پیشانی‌ای سفید نزد من می‌آیید»^۱.

رسول الله ﷺ در آن‌جا از کلمه‌ی «الناس»، (مردم) استفاده فرمودند و اصحاب خویش را با علامت درخشندگی دست و پا و صورت، از آنان مستثنی کردند، و این ویژگی کسانی است که بر حوض وارد خواهند شد، و در روایت دیگری که از رانده شونده‌گان با تعبیر: «وليصدن عني طائفة منكم فلا يصلون فأقول: يا رب هؤلاء من اصحابي...» یاد شده است، رسول الله ﷺ در اول حدیث فرمودند: «ترد علی امتی الحوض...» (امت من بر حوضم خواهند آمد) این دلالت می‌کند که رانده‌شونده‌گان از عامه‌ی امت هستند نه از

اصحاب، زیرا رسول الله ﷺ هیچ‌گاه اصحاب خویش را که همان غرّ محجلین هستند و رانده شوندگان را در یک‌جا و در یک روایت به گونه‌ای که اشکالی به جا گذاشته و یا صورت آن‌را تبیین نفرموده باشند، یاد نفرموده اند. والله اعلم.

توجه:

اگر کسی بگوید: رسول الله ﷺ در احادیث سابق صراحتاً نفرمودند که اصحاب ﷺ از حوض می‌نوشند، نهایتاً این که سر حوض می‌آیند، اما همان‌گونه که در احادیث وارد شده است، از آن‌جا رانده می‌شوند!!

پاسخ این‌که:

اولاً: رسول الله ﷺ به وضوح بیان فرموده‌اند که هرکس سر حوض برود، از آن خواهد نوشید و آنهایی که از آن باز داشته می‌شوند، قبل از رسیدن، از آنان ممانعت می‌شود، بنابراین اصحاب اولین گروهی هستند که سر حوض می‌روند و از آن آب می‌نوشند و پس از آنان، نوبت دیگران می‌رسد، و این نشانه منزلت آنان نزد رسول الله ﷺ می‌باشد، دلیل این گفتار در کنار دلایل سابق، این است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ مَنْ وَرَدَ شَرِبَ وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا وَلَيَرِدَنَّ عَلَى أَقْوَامٍ أَعْرَفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ...»^۱. «من پیش از شما سر حوض می‌روم، هرکس سر حوض برود، از آن می‌نوشد و هرکس از آن بنوشد هرگز تشنه نمی‌شود، اقوامی نزد من خواهند آمد که آنان را می‌شناسم و آنان نیز مرا می‌شناسند، سپس از آنان جلوگیری به عمل می‌آید...». و نیز فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ

فَمَنْ وَرَدَ أَفْلَحَ»^۱. «من پیش از شما سرحوض می‌روم، هرکس آن جا برمن وارد شود، رستگار شده است».

نووی رحمته می‌گوید: «این حدیث تصریحی است که آنهایی که سر حوض می‌روند، همه از آن می‌نوشند، و آنهایی که از آن رانده می‌شوند و از ورود آنان ممانعت می‌شود، به سبب ارتداد آنان است»^۲.

هم‌چنین عیاض رحمته می‌گوید: «یعنی ممنوع شدگان از نوشیدن حوض، همان‌هایی هستند که وارد نشده و از آن باز داشته شده و میان آنان و حوض پرده انداخته شده است، و هرکس وارد شود، از آن خواهد نوشید»^۳.
ثانیاً: ما در بحث چهارم الفاظی را که طعنه زندگان از آن استدلال می‌کنند ذکر نمودیم و آن‌جا بیان کردیم که آن الفاظ به هیچ وجه بر مذهب باطل آنان دلالت ندارد.

ثالثاً: قاعدتاً هر منصفی که جویای حق است باید به تمام دلایل توجه کند و منصفانه و عادلانه به آن بیندیشد، نه مانند کسانی که ابتدا نظریه‌ای را انتخاب می‌کنند و پس از آن دنبال دلیل می‌گردند با چنین افراد نه موعظه‌ای کارگر است و نه هشدار.

رابعاً: در احادیث آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله از همه در قیامت پیروان بیشتری خواهند داشت و ایشان امیدوارند که بیش از دیگر پیامبران افرادی بر حوض ایشان وارد شوند و این، مایه افتخار این امت بر امت‌های دیگر است، و خداوند متعال این خواسته رسول الله صلی الله علیه و آله را جامه عمل پوشانید،

۱- ابن ابی عاصم، (۷۷۳) صححه الألبانی.

۲- مسلم، شرح نووی ۵۴/۱۵.

۳- إكمال المعلم ۲۵۸/۷.

بنابراین آنهایی که بر حوض رسول الله ﷺ وارد می‌شوند بیش از افرادی هستند که بر حوض دیگر پیامبران وارد می‌شوند، زیرا ایشان بیش از دیگران پیرو دارند، مطلب این است که صحابه رضی الله عنهم بعد از رسول الله ﷺ سبب هدایت امت بوده‌اند و هر خیری که به مسلمان رسیده بر اثر جهاد و دعوت و نشر علم توسط آنان بوده است، بنابراین آنان به ترتیب افضلیت نخستین افراد این امت خواهند بود که بر حوض رسول الله ﷺ وارد می‌شوند، این نظریه را نصوص شرعی و اندیشه صحیح تأیید می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالسَّيْفُونَ السَّيْفُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي جَنَّةٍ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوْلِيَاءِ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْأَخِيرِينَ ﴿١٤﴾﴾ [الواقعة: ۱۰-۱۴].

«و پیشگامان... آنها مقربانند، در باغ‌های پر نعمت بهشت، گروه زیادی از پیشینیان و اندکی از آخرین‌ها».

این است نظر مسلمانان، اما آنهایی که صحابه رضی الله عنهم به استثنای افراد معدودی به تعداد انگشتان دست را، مرتد می‌دانند! راستی! آیا از خود پرسیده‌اند که چگونه رسول الله ﷺ با آنان بر کثرت امت خویش افتخار می‌کند؟! آنهایی که نسل اول مسلمانان و همچنین عموم مسلمانانی را که اعتقادات آنان را پیرامون صحابه و مسائل دیگر نمی‌پذیرند، کافر می‌دانند، اعتقاداتی که در قرآن هیچ اثری از آن نیست، بنابراین نزد آنان چگونه رسول الله ﷺ، بیش از دیگران پیرو خواهند داشت؟.

ابو سعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِنَّ لِي حَوْضًا مَا بَيْنَ الْكَعْبَةِ وَبَيْتِ الْمُقَدِّسِ أَيْصُ مِثْلَ اللَّبَنِ آيَتُهُ عَدْدُ التُّجُومِ وَإِنِّي لَأَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

۱- ابن ماجه، (۴۳۰۱)، صححه الألبانی، نگا: الصحیحة: (۳۹۴۹)

«من حوضی دارم از کعبه تا بیت المقدس، سفید مثل شیر، جام‌هایش به تعداد ستارگان است، من بیش از همه‌ی پیامبران در روز قیامت پیرو خواهم داشت.»

سمره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَإِنَّهُمْ يَتَبَاهَوْنَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةٌ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً»^۱.

«هر پیامبر حوضی دارد و آنان به اینکه وارد شوندگان بیشتری داشته باشند افتخار می‌کنند، و من امیدوارم که بیش از آنان وارد شونده‌ی (برحوض) داشته باشم.»

و نیز فرمودند: «لَتَرْدَحَمَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى الْحَوْضِ أَزْدَحَامَ إِبِلٍ وَرَدَّتْ لِحَمْسٍ»^۲. «این امت همانند شترانی که پس از پنج روز به آب برسند، بر حوض ازدحام خواهند کرد.»

ملاحظه می‌فرمایید که همه‌ی این تعبیرات در احادیث حوض، وارد شده است و صحت آن چه را ما گفتیم تأیید می‌کند، که صحابه نخستین کسانی هستند که بر حوض می‌روند و پس از آنان، پیروانشان خواهند بود، که هم در قدیم و هم اکنون سواد اعظم امت رسول الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند و هستند، اما آنهایی که صحابه و پیروانش را کافر و فاسق می‌دانند، عددی از امت رسول الله صلی الله علیه و آله شمار نمی‌آیند.

۱- ترمذی، (۲۴۳۳)، صححه الألبانی، نکا: الصحیحۃ: (۱۵۸۹)

۲- طبرانی، الکبیر، ابن بشکوال در الذیل علی جزء بقی ابن مخلد، فی الحوض والکوث ص: ۱۲۳، حسنه الألبانی فی صحیح الجامع ۲/۳۰۳.

راستی! رسول الله ﷺ که از اصحاب ایشان جز تعدادی به اندازه انگشتان دست بیش‌تر باقی نمانده است، چگونه به کثرت پیرو و وارد شونده‌ی بر حوض، بر دیگر پیامبران افتخار می‌کنند؟!

بحث دوم: نصوص کتاب و سنت صحابه را می‌ستاید و نظریه‌ی ارتداد آنان را نفی می‌کند

قرآن وحدیث سرشار از مدح و ثنای اصحاب رسول الله ﷺ است، این مطلب نیازی به بیان ندارد، کافی است که مخالفان صحابه، تقلید کورکورانه و هوا پرستی را رها کنند و صفحات قرآن کریم را ورق بزنند.

آنگاه سؤالی جدی و مهم مطرح می‌شود:

آیا شایسته است خدایی که نهان و آشکار را می‌داند، اشرار را پارسا و مورد اطمینان معرفی کند؟ و در کتاب خود و با زبان پیامبرش آنان را بستاید، تا مردم فریبشان را بخورند و به مشتی جنایتکار اقتدا کنند؟ آیا خدای قادر و توانا اجازه می‌دهد که آن اشرار، وزرای رسول الله ﷺ باشند که با آنان معاشرت و روابط خانوادگی برقرار کند و از آنان مشورت بخواهد و فرماندهی سپاهیان را به آنان واگذارد و آنان را مورد ستایش قرار دهد، و خداوند واقعیت را برای رسولش آشکار نسازد؟

آیا این ایرادی برخداوند نیست، آن‌گونه که بر رسول الله ﷺ ایراد وارد می‌شود که ایشان یاران شایسته‌ای برای خود برنگزیدند؟!

آیا این معنایی غیر از این دارد که، رسول الله ﷺ در مدت ۲۳ سال نادانسته، جنایتکارانی تربیت نمودند!^۱ خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ

۱- شیعه می‌گوید: امامان غیب می‌دانند و چیزی بر آنان پوشیده نمی‌ماند، و هر کاری که می‌کنند با عهد الهی است!! رسول الله ﷺ منزلتی برتر از امامان دارند، پس لازماً

يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ [الأنفال: ١٢٠].

«اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است، او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.»
 آیا خداوند، با مرتدین ایشان را حمایت می‌نماید؟! آیا پیروزی با یکی یا دو نفر صحابی به دست آمد یا با مجموعه آنان؟!
 اکنون برخی از نصوص قرآن و حدیث را که شاهد عدالت صحابه است، یادآوری می‌کنیم تا به آن بیندیشید:

الف: قرآن کریم:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالسَّيْفُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ [التوبة: ١٠٠].

«پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آن‌ها خوشنود گشت و آنها نیز از او خوشنود شدند، و باغ‌هایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته است که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است رستگاری بزرگ.»
 در این آیه با روحی مؤمن و آزاد همراه با من، بیندیش، می‌بینی که خداوند متعال چگونه آن انسان‌های سعادت‌مند را که رضایت خود را برایشان

باید از حال اصحاب آگاه باشند، و این کار با عهده‌ی از جانب خداوند صورت گرفته باشد!! نکا: الکافی ۳۱۶/۱، ۳۳۵.

تثبیت کرده است، می‌ستاید، آری آنان اصحاب رسول الله ﷺ و تا قیامت پیروان راستین ایشان، هستند.^۱

ببین که خداوند می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ آیا ممکن است که خداوند از گروهی راضی شود و برایشان بهشتی جاودانه که در آن ماندگار خواهند بود، فراهم کند و پس از آن فوز عظیم و رستگاری بزرگ، بر آنان خشم گیرد؟! گواهی شاهد عادل، در دنیا قابل رد نیست، کسی که گواهی خداوند متعال را درباره‌ی اصحاب رسول الله ﷺ رد کند، چه حکمی دارد؟!

۲- خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَعَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾﴾ [الفتح: ۱۸-۲۰].

«قطعاً خداوند از مؤمنان راضی شد، آن‌گاه که زیر درخت با تو بیعت کردند، خدا آن چه در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود، می‌دانست، از این‌رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی نصیب آنان فرمود و (هم‌چنین) غنایم بسیاری که آن‌را به دست می‌آوردید و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است، خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده که آن‌ها را به دست می‌آوردید، ولی یکی را زودتر برای شما فراهم

ساخت و دست تعدی مردم را از شما باز داشت تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند».

۳- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾﴾ [التفح: ٢٩].

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجده می‌بینی، آنان همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه‌ی ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است، این توصیف آنان در تورات است و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد، به گونه‌ای که برزگران را شگفت آورد، تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد».

بیا با هم درباره این کلمات بیندیشیم: ﴿رَضِيَ اللَّهُ﴾ ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ و ﴿فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ آن‌گاه به واقعیت آن نیک‌بختان پی خواهید برد، ابن قیم رحمته می‌گوید: «خدای سبحان از ایمان و خیر و محبت

خدا و رسول که در قلب‌های آنان وجود داشت، آگاه بود و با انزال سکینه هنگام پریشانی و اضطراب، آن را تثبیت فرمود»^۱.

آیا معقول است که خداوند از گروهی راضی شود و برایشان بهشتی فراهم کند که در زیر آن نهرها جاریست، و در تورات و انجیل برایشان مثالی بزند و آنها را به صراط مستقیم هدایت کند و سپس آنها را به جهنم ببرد؟! راستی! یهود و نصاری در برابر این مثال‌های (دروغین)! العیاذ باللہ، که در کتاب‌هایشان هست، چه موضعی خواهند گرفت، آیا این، معنایی غیر از دروغ بودن مثال‌های بیان شده برای اهل کتاب، دارد، آیا این به معنای پشیمانی از تزکیه الگوها، آن هم پس از اقتدای مردم به آنان، نیست؟! با ارتداد آن‌هایی که بهشت برایشان فراهم شده بود، بهشت از آن چه کسانی خواهد بود؟ آیا پس از آن که خداوند متعال از حال دل‌های آنان آگاه شد (إثابة) پاداش آن‌ها، بردن به جهنم است؟! و چرا خداوند مرتدان را پیروز می‌گرداند و با آن همه بدی و قبح از آنان راضی می‌گردد؟!

حقاً که این سخن منتهای گمراهی و نهایت بی‌ادبی است، خداوند متعال از آن چه ظالمان به او نسبت دهند، بسیار پاک است، ابن قتیبہ رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «چگونه جایز است که خداوند از گروهی راضی شود و آنان را بستاید و در تورات و انجیل برایشان مثال بزند و حال آن که می‌داند که پس از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم مرتد می‌شوند؟ مگر اینکه معتقد باشند که: خداوند نمی‌دانسته است، و چنین شخصی قطعاً بدترین کافران است»^۲.

سید قطب رحمۃ اللہ علیہ در تفسیر آیه‌ی: ﴿لِيُغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ می‌گوید: «خشمگین کردن عمدی کافران بیانگر این است که این کشتزار کاشته‌ی

۱- بدائع التفسیر ۱۷۰/۴.

۲- تأویل مختلف الحدیث ص: ۲۱۹

خدا و یا کاشته‌ی رسول اوست و آن پرده قدرت و ابزار خشمگینی دشمنان خداست، این مثال امروزی نیست، بلکه در صفحه تقدیر موجود و ماندگار است، به این خاطر پیش از آن که محمد و همراهانش به دنیا پا بگذارند، از آن یاد و در انجیل ثبت شده است، آن جا که به آمدن محمد ﷺ و همراهانش مژده داده است، این گونه خداوند در کتاب جاویدانش وصف این جماعت برگزیده و اصحاب رسول الله ﷺ را ثبت می‌گرداند تا در پهنای هستی ماندگار شود و آن گاه که آن‌را از آفریدگار خود می‌شنود، تمام کرانه‌هایش با آن هم‌نوا گردد، و به عنوان نمونه برای تمام نسل‌ها بماند تا در عملی نمودن آن بکوشند تا بدین وسیله ایمان در بالاترین درجاتش تحقق یابد»^۱.

توجه:

اهل کتاب و دیگر دشمنان این دین، از بعثت رسول الله ﷺ گرفته و برای همیشه، برای هدم دین و خاموش گردانیدن نور آن، کوشیده‌اند و خواهند کوشید، و اگر موردی برای ایرادگرفتن از دین، چه در شخص رسول الله ﷺ و یا قرآن و یا صحابه که خداوند از آنان در کتاب‌هایشان یاد نموده بود، می‌یافتند، حتماً آن‌را ظاهر و بر ملا می‌کردند، حال آن که در این مدت طولانی و گذشت زمان چنین چیزی اتفاق نیافتاد، بنابر این هر عاقلی به این نتیجه می‌رسد که مثال و صفتی که در تورات و انجیل برای اصحاب محمد ﷺ بیان شده، بسیار دقیق و عین‌الیقین است و اگر آنان آن گونه که بدخواهان و طعنه‌زنندگان می‌گویند، تبدیل و تغییری ایجاد می‌کردند، این بزرگترین طعن و ایراد در دین اسلام می‌بود...!

۴- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿۸﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۹﴾﴾ [الحشر: ۸-۹].

«همچنین غنایم از آن فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند و خدا و پیغمبرش را یاری می‌دهند، اینان صادقانند آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه‌ی (آیین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند، کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارانند.»

آیا ﴿الصَّادِقُونَ﴾ آنهایی که از وطن و دارائی‌هایشان رانده شدند، برای چه بود؟ زیرا در پی فضل و رضایت الهی بودند، و نه تنها این، بلکه خدا و رسولش را یاری دادند و ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾ آنهایی که در مدینه مسکن داشتند و ایمان را برگزیدند، مگر می‌شود که آنها اهل رده و نفاق باشند؟! پس چرا بیرون رفتند؟! و چرا جنگیدند و از جان و مالشان مایه گذاشتند؟! از اسلام و پیامبر آن، که هر دو در حال ضعف آشکاری بودند، چه منفعت و مصلحتی انتظار داشتند، اما نه! آنها به راستی ﴿الصَّادِقُونَ﴾ و ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾ بودند.

آیا در آیه ﴿تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْأَيْمَانَ﴾ اندیشیده‌ای؟ سید قطب رحمته می‌گوید: «یعنی سرای هجرت... که انصار پیش از مهاجرین در آن قرار گرفتند، همان گونه که در ایمان جای گرفتند، گویا که ایمان منزل و سرای آنان است، و این تعبیر بسیار گسترده و پرمحتواست، و دقیق‌ترین تعبیری است که موضع انصار را در برابر ایمان، بیان می‌کند، ایمان سرا و منزلگاه و وطن آنان بود، که قلب‌هایشان در آن می‌زیست و ارواحشان در آن مسکن داشت، و به آن پناه می‌بردند و اطمینان حاصل می‌کردند، همان گونه که مردم به سرای خود پناه می‌برند و اطمینان می‌یابند»^۱.

تو را به خدا! اگر همه‌ی این نمونه‌ها جز سه نفر^۲ همگی از اعتبار ساقط و مردود شده باشند، مسلمانان دیگر از چه کسانی پیروی کنند؟! و آیا مسلمانانی که نیاکانشان در عصر رسالت و نزول وحی ناکام مانده‌اند، امروزه کامیاب و پیروز می‌شوند؟! اینان درباره این آیه که بعد از آن می‌آید، چه می‌گویند: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز و

۱- فی ضلال القرآن ۳۵۲۶/۶

۲- ابو جعفر رحمته گفت: مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند، جز سه نفر، گفتیم: آن سه نفر کیستند؟ گفت: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی. روضه کافی ص: ۱۹۸. سؤال این است که علی و فاطمه و دیگر عترت کجايند؟! آیا آنان نیز اهل رده بوده‌اند؟!

کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.»

آیا از مؤمنان در دل خود کینه دارید؟! موضع آنان در برابر آیهی ﴿الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ چیست؟ خدای عالم الغیب، ثابت کرده است که آنان با ایمان مرده‌اند، و آیا این آیه فقط به همان سه نفر اختصاص دارد؟

۵- خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾﴾ [الأنفال: ۷۴-۷۵].

«و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند، برای آنها آمرزش و روزی شایسته‌ای است و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوارترند، خداوند به همه چیز داناست.»

بیاید با هم در این تعبیّرات بیندیشیم: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ...﴾ تمام این‌ها تعبیّراتی صادق و حقیقی هستند که منظور از آن هم، حقیقت و واقعیت است، و همه این‌ها از کسی سرچشمه گرفته که به همه چیز داناست، به این فرموده خداوند متعال: ﴿فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ﴾ بیندیش، یعنی: آنها در موالات ایمانی،

دوستی و نصرت، از شمایند، چه شد که ﴿مِنْكُمْ﴾ در این آیه مورد توجه قرار نگرفته است و طعنه زندگان از آن چشم پوشیده و قصداً اعراض کرده‌اند، در صورتی که در احداث حوض به خاطر آن ﴿مِنْكُمْ﴾ چه غوغایی که به پا نکردند و هزاران صحابه را مشمول آن گردانیدند؟! اما در سیاق این آیه قرآنی، برایش هیچ ارزشی قایل نشدند، این تحکمی است بر اساس همان منطق نه بر اساس حق و باطل!

۶- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَّتِكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مَنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَتْلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسَيْنِيَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰]. «چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین همه از آن خداست، کسانی از شما که پیش از فتح انفاق کردند و جنگیدند یکسان نیستند، آنها درجه و مقامشان برتر از کسانی است که پس از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، و خداوند به همه، وعده‌ی پاداش نیک داده و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

سید قطب رحمته می‌گوید: «آن کسی که در وضعی انفاق و جهاد کند که دین، مورد تهاجم است و چندان یابوری ندارد و چشم انتظار هیچ گونه منفعت، قدرت و ثروتی نیست، تفاوت بسیار دارد با آن کسی که با امنیت و انبوه یاری کنندگان و در حالی که پیروزی و غلبه نزدیک است، انفاق و جهاد می‌کند...»^۱.

قرطبی رحمته می‌گوید: ﴿وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسَيْنِيَّ﴾ خداوند متعال پیشتازان

سبقت گرفته و همچنین متأخرین که با آنان پیوسته‌اند، همگی را با تفاوت در جاتی که دارند، به بهشت مژده داده است»^۱.

ابن کثیر رحمته می‌گوید: «مؤمنان تردیدی ندارند که ابوبکر رضی الله عنه از این آیه سهم بزرگی دارد، او در میان تمام ملت‌های پیامبران، سرور آنهاست که بر آن آیه عمل کرده‌اند، زیرا او تمام سرمایه‌اش را برای رضای خداوند صرف نمود، بی‌آن‌که شرمنده‌ی احسان کسی باشد و بخواهد آن را جبران کند (خالصانه برای خدا انفاق می‌کرد)»^۲.

آیا پس از آن که خداوند آنان را به بهشت ﴿الْحُسْنَى﴾ وعده داده است، خلف وعده می‌کند و آنان را می‌راند؟! خداوند متعال درباره خود می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ آیا اعمال بندگان بر خدای خبیر و آگاه پوشیده است؟

تفاوتی ندارد که منظور از فتح، فتح مکه باشد یا حدیبیه، در این مورد با آنان اختلافی نیست، بلکه اختلاف در معنای وعده‌ی بالحسنی است که خداوند سابقین و لاحقین را به حسنی وعده داده‌است!

۷- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«مسلمانان خداوند توبه پیغمبر و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی (جنگ تبوک) از پیغمبر پیروی کردند، بعد از

۱- الجامع لأحكام القرآن ۲۰۷/۱۷.

۲- تفسیر ابن کثیر ۳۹۴/۴.

آن که نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حق منحرف شود، سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است.»

چند نکته:

۱- لازمه توبه این نیست که پیش از آن شخص مرتکب گناهی شده باشد، زیرا تمام بندگان نیازمند توبه و استغفار هستند.^۱

۲- خداوند متعال مهاجرین و انصار را مطلقاً نام برده است، سابقین و متأخرین را از هم تفکیک نکرده است و می‌دانیم که ﴿سَاعَةَ الْعُسْرَةِ﴾ در سال نهم هجری بود.

۳- خداوند متعال از توبه رسول الله ﷺ و مهاجرین و انصار را یکجا ذکر نموده است و این گویای اتصال روحی میان صحابه و رسول الله ﷺ است.

۴- ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «تکرار توبه در ابتدا و انتهای آیه توسط خداوند، جای تأمل دارد، اولاً به آنان توفیق توبه داد و ثانیاً توبه آنان را پذیرفت، خداوند آنان را موفق به توبه نمود و سپس به فضل خویش توبه را از آنان پذیرفت، پس خیر همه از جانب او و توسط او و مال او و در دست اوست، به فضل و احسان خویش به هرکس بخواهد، می‌بخشد، و با حکمت و عدل خویش، هرکس را بخواهد از آن محروم می‌دارد».^۲

آیا با وجود ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ﴾ که پذیرنده‌ی توبه (خداوند) اعلام داشته است، باز هم کسی پیدا می‌شود که بگوید: توبه‌ی آنان پذیرفته نشده است؟

۱- فتح‌القدیر ۵۹۹/۲.

۲- بدائع‌التفسیر ۳۸۱/۲.

آیا با تأکید ﴿تَابَ﴾ باز هم جایی برای طعنه زدن به صحابه رضی الله عنهم هست؟ آن هم پس از آن که خداوند متعال در آخرین غزوه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه رضی الله عنهم، رضایت و پذیرش توبه‌ی آنان را اعلام نموده است؟

آیا پس از ﴿إِنَّهُمْ بِهِمْ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ آنان را از حوض پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز می‌دارد و آنان را به جهنم می‌برد؟، آن گاه چرا آیه را با ﴿إِنَّهُمْ بِهِمْ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ ختم کرد، آیا گویای عنایت مضاعف خداوند به آنان نیست؟ آن جا که آنان را به توبه موفق گردانید، و قلب‌های آنان را از انحراف و کجی مصون داشت، این سنت الهی است که هنگام سختی با اولیای خود، این گونه رفتار می‌کند.

توجه:

علی رضی الله عنه در «جیش العسرة» حضور نداشت، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وی را در مدینه گذاشته بود، این را گفتم تا کسی نگوید که: علی و همان سه یا چهار نفری که بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرتد نشده بودند، مخاطب آیه هستند و بقیه‌ی صحابه رضی الله عنهم را شامل نمی‌شود^۱، امتی که بلافاصله پس از وفات پیامبرش، جز سه نفر همگی مرتد شوند در آن، چه خیری هست؟! آیا آن امت می‌تواند بهترین امت برگزیده برای مردم ﴿خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ باشد؟! این دقیقاً سخنی است که شیعه می‌گوید:^۲

۱- در غزوه تبوک سی هزار نفر در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند، زادالمعاد ۳/۲۹۵.

۲- قمی از ابوعبدالله روایت کرده است که نزد وی آیه‌ی: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. قرائت شد، ابوعبدالله گفت: بهترین امت! که امیرالمؤمنین و حسن و حسن رضی الله عنهما را بکشند؟ قاری پرسید: فدایت شوم، پس آیه چگونه است؟ گفت: این گونه نازل شده است،

۸- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ [المائدة: ۵۴].

«ای مؤمنان! هرکس از شما از آیین خود بازگردد، خداوند جمعیتی را خواهد آورد که خداوند آنان را دوست می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان نرم و متواضع و در برابر کافران سخت و نیرومند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند، این فضل خداست که به هرکس بخواهد می‌دهد، و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.»

ابن قیم رحمته می‌گوید: «خداوند آنان را با شش ویژگی ذکر نموده است:

الف: خدا را دوست دارند.

ب: خدا آنها را دوست دارد.

ج: در مقابل دوستان خدا، نرم و ملایم هستند.

د: در مقابل دشمنان خدا، تند و شدید هستند.

ه: در راه خدا جهاد می‌کنند.

و: در این راه ملامت گران را تحمل می‌کنند»^۱.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (بهترین امامانی هستید که برای مردم برگزیده شده‌اید) تفسیر قمی ۱۱۰/۱.

محمد رشید رضا رحمته الله علیه می‌گوید: «گروهی که خداوند آنها را دوست می‌دارد و آنان خدا را دوست می‌دارند، ابوبکر و یارانش هستند، آنان که با اهل رده جهاد کردند... اما رافضی‌های افراط‌گر می‌پندارند که ابوبکر و صحابه‌ای که همراه وی بودند که سواد اعظم هستند، مرتد شده‌اند، موضوع را کاملاً برعکس کرده‌اند، و علی همراه ابوبکر بود نه علیه او و با او ن‌جنگیدند...»^۱.

باید پرسیم: آیا پس از رسول الله صلی الله علیه و آله رده‌ای صورت گرفت؟

اگر بگویید: خیر، واقعیت را تکذیب کرده‌اید، و اگر بگویید: رده‌ای صورت گرفت، می‌پرسیم: چه کسانی مرتد شدند؟ اگر بگویید: صحابه^۲ می‌پرسیم: آیا علی و یارانش با آنان جنگیدند؟ اگر بگویید: آری، دروغ گفته‌اید و اگر بگویید: خیر، می‌پرسیم: که علی مشمول این آیه نیست، زیرا با مرتدین جهاد و قتال نکرده است! و اگر بگویید مرتدان غیر از صحابه رضی الله عنهم بودند، که واقعیت نیز همین است، پس ابوبکر صدیق رضی الله عنه و همراهانش که علی رضی الله عنه نیز جزو آنان است، مراد این آیه هستند.

خواننده‌ی گرامی...

۱- تفسیر المنار ۳۶۱/۶.

۲- درباره‌ی ارتداد صحابه در کتاب‌های شیعه تناقض عجیبی دیده می‌شود، و آن، این‌که ابوجعفر در روایتی می‌گوید: (هنگامی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، تنها چیزی که امیرالمؤمنین را از ادعای خلافت بازداشت، مصلحت مردم بود و این که مبادا مرتد شوند و به عبادت بت‌ها روی آورند...) در روایت بعدی عبدالرحیم قیصر می‌گوید به ابوجعفر رضی الله عنه گفتیم: اگر بگوئیم، مردم مرتد شده‌اند، مردم سراسیمه می‌شوند، گفت: عبدالهیم! مردم پس از رسول الله صلی الله علیه و آله به جاهلیت بازگشتند...؟! روضه کافی ص: ۲۳۴

به همین مقدار از آیات قرآن کریم، بسنده می‌کنیم، زیرا هدف، بیان تمام آیاتی که در فضل صحابه رضی الله عنهم نازل شده است، نیست، به آن امید که این آیات چراغی فرا روی پویندگان راه حقیقت باشد.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق: ۳۷).

«در این، تذکری است برای آن کسی که دلی (آگاه) دارد و یا با حضور قلب گوش فرا دهد».

ب- احادیث رسول اله صلی الله علیه و آله:

۱- ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَعْزُونَ فِتْنًا مِنَ النَّاسِ، فَيَقُولُونَ فِيكُمْ مِنْ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَيَقُولُونَ نَعَمْ. فَيُفْتَحُ لَهُمْ. ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَعْزُونَ فِتْنًا مِنَ النَّاسِ، فَيَقَالُ هَلْ فِيكُمْ مِنْ صَاحِبِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَيَقُولُونَ نَعَمْ. فَيُفْتَحُ لَهُمْ، ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَعْزُونَ فِتْنًا مِنَ النَّاسِ، فَيَقَالُ هَلْ فِيكُمْ مِنْ صَاحِبِ مَنْ صَاحِبِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَيَقُولُونَ نَعَمْ. فَيُفْتَحُ لَهُمْ»^۱.

«بر مردم زمانی خواهد آمد که، گروه‌هایی جهاد می‌کنند، می‌گویند: آیا با شما کسی هست که با رسول الله صلی الله علیه و آله همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده (فتح) می‌شود سپس زمانی بر مردم می‌آید، گروه‌هایی جهاد

۱- بخاری، فضایل أصحاب النبي صلی الله علیه و آله (۳۶۴۹)، مسلم، فضائل الصحابة (۲۵۳۲) گروه‌هایی از مردم جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا با شما کسی هست که با همراهان اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود.

می‌کنند، گفته می‌شود: آیا کسی از شما با اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است، می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود، سپس زمانی بر مردم می‌آید (گروه‌هایی از مردم جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا با شما کسی هست که با همراهان اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود). من از این طعنه زندگان می‌پرسم: آیا سرزمین‌ها برای مرتدانی که از دین برگشته‌اند، فتح می‌شود؟! آیا اگر آنان منافق می‌بودند، پس از مرگشان به برکت دیدار آنان، فتح حاصل می‌شد؟! و قطعاً می‌دانیم که فتوحات بعد از رسول الله ﷺ، فقط در زمان خلافت خلفای ثلاثه، ابوبکر، عمر و عثمان رضی الله عنهم بوده، آنها بودند که کشورها را گشودند و گروه، گروه مردم را در دین الهی وارد کردند، و هم اکنون نیز آثار فتوحاتشان برای همه نمایان است! در خلافت علی رضی الله عنه فتحی نبود، بلکه هرج و مرج و جنگ‌های داخلی بود، تا آن‌جا که دشمن به مسلمانان چشم طمع دوخت، این را می‌گویم، تا کسی نپندارد که: منظور این حدیث، علی رضی الله عنه و پیروانش هستند که در رکاب او جنگیدند، و همه می‌دانیم که، دیگر امامان شیعه پس از علی رضی الله عنه حکومت و سپاهی نداشته‌اند، بلکه برخی از آنان سربازان خلفای ثلاثه بوده‌اند، این حدیث درباره‌ی امام غائب و معدوم هم نیست، زیرا نه او رسول الله را دیده است و نه آنها را که رسول الله ﷺ را دیده‌اند و نه آنهایی را که صحابه را دیده‌اند، در این نکته بیندیش، حق و اهل حق را خواهی شناخت.

۲- عمران بن حصین رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «خیر

القرون قرنی ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم...»^۱.

۱- بخاری، الشهادات: (۲۶۲۵)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۳).

«بهترین مردم، مردم هم قرن من هستند، سپس آنانی که پس از آنهایند، سپس آنهایی که پس از آنهایند...».

آیا بهترین مردم آنهایی هستند که از حوض رسول الله ﷺ رانده می‌شوند؟! آیا بهترین مردم، آنهایی هستند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند؟! آیا این، طعنی به خداوند متعال نیست که سرنوشت: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. را به اینان سپرده است؟! آیا این طعنی در رسول الله ﷺ نیست که قرنی را که این مرتدان در آن بودند، ستوده است؟! راستی! بهترین قرن، ناکام باشند، آنهایی کامیاب و رستگار و کامیاب می‌شوند که رسول الله ﷺ درباره‌شان فرموده‌اند: «إِنَّ بَعْدَكُمْ قَوْمًا يَتُوءُونَ وَلَا يُؤْتَمِنُونَ، وَيَشْهَدُونَ، وَلَا يُسْتَشْهِدُونَ وَيَنْذِرُونَ وَلَا يَفُونَ، وَيَظْهَرُ فِيهِمُ السَّمَنُ»^۱.

«پس از شما مردمی خواهند آمد، خیانتکار نه امانت‌دار، بی آن که از آنان خواسته شود، گواهی می‌دهند، نذر می‌کنند، اما به آن وفا نمی‌کنند، و در میان‌شان پدیده‌ی چاقی، آشکار می‌گردد».

۳- ابوموسی اشعری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «التُّجُومُ أُمَّةٌ لِلسَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتِ التُّجُومُ أَتَى السَّمَاءَ مَا نُوعِدُ وَأَنَا أُمَّةٌ لِأَصْحَابِي فَإِذَا ذَهَبَتْ أَتَى أَصْحَابِي مَا يُوعَدُونَ وَأَصْحَابِي أُمَّةٌ لِأُمَّتِي فَإِذَا ذَهَبَ أَصْحَابِي أَتَى أُمَّتِي مَا يُوعَدُونَ»^۲.

۱- بخاری، الشهادات: (۲۶۵۱)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۵).

۲- مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۱).

«ستارگان موجب امان آسمانند، هرگاه ستارگان نابود شوند، وعده‌ای که به آسمان داده شده است، تحقق می‌یابد، و من موجب امان اصحابم هستم، هرگاه من بروم، وعده‌ای که به اصحاب داده شده است، فرا می‌رسد، و اصحاب من موجب امن اتم هستند هرگاه اصحاب من بروند، وعده‌ای که به اتم داده شده است تحقق می‌یابد».

چگونه ممکن است، با خیانت، امنیت به وجود آید؟ آیا خلافت خلفای ثلاثه علیهم‌السلام غیر از امنیت، افتخار و فتوحات، چیزی دیگر بود؟ آیا مگر دوران صحابه با شهادت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خیر القرون نبود؟ این حدیث شامل تمامی اصحاب علیهم‌السلام است، زیرا این حدیث عام است و هیچ فردی را تخصیص نکرده است.

وجود فساد در برخی حکام و امرا پس از دوران خلفای راشدین، هیچ اشکالی بر این حدیث و حدیث قبلی، وارد نمی‌کند، زیرا معیار مجموع امت است نه چند فرد.

۴- ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه می‌گوید: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»^۱.

«اصحاب مرا بد نگوئید، اگر کسی از شما هم سنگ کوه احد طلا صدقه دهد، به اندازه یک مشت و یا نصف آن، از صدقه اصحاب من نخواهد رسید».

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بد گفتن صحابه رضی‌الله‌عنه نهی فرمودند، چه رسد به لعن و نفرین آنان، مرتد و کافردانستن آنان که خیلی سنگین‌تر است، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ذکر کم‌ترین مورد (بد گفتن) که می‌تواند سبب لعن و تکفیر باشد، ما را

۱- بخاری، فضائل أصحاب النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: (۳۶۷۳)، مسلم فضائل الصحابة: (۲۵۴۰).

هشدار دادند، این حدیث شامل تمام صحابه است هم آنهایی که زود ایمان آوردند و هم آنهایی که با تأخیر ایمان آوردند، و مخصوص سبب ورود حدیث نیست.

اگر آنان واقعاً پس از رسول الله ﷺ مرتد می‌شدند، چرا رسول الله ﷺ از بد گفتن و نفرین آنان، منع فرمودند؟ آیا در آن صورت آنان از برخی گناهکاران که در احادیث لعن و نفرین شده‌اند، به لعن و نفرین سزاوارتر نمی‌بودند؟!

۵- در حدیث ابن عباس رضی الله عنهما پیرامون داستان هرقل و ابوسفیان آمده که: «(هرقل) پرسید: اشراف از او (محمد) پیروی می‌کنند یا ضعیفان؟ گفتم: ضعیفان، پرسید: پیروانش افزون می‌گردند یا کم؟ گفتم: افزون، پرسید: آیا کسی از آنان پس از مسلمانان شدن، پشیمان شده و از این دین برگشته است؟ گفتم: نه...، آنگاه هرقل گفت: پرسیدم که اشراف از او پیروی می‌کنند یا ضعیفان؟ گفتم: ضعیفان، پیروان پیامبران (همیشه) ضعیفانند، پرسیدم: آنان کم می‌شوند یا زیاد؟ گفتم: زیاد، ایمان که کامل شود این گونه خواهد بود، پرسیدم: آیا کسی با ناراضگی از دینش برگشته است؟ گفتم: خیر، آن‌گاه که ایمان با قلب در آمیزد، دیگر (پشیمان و) ناراض نمی‌گردد...»^۱.

۶- در حدیث مسور بن مخرمه و مروان پیرامون داستان حدیبیه، گفتار عروه بن مسعود در وصف اصحاب محمد ﷺ با قریش، چنین آمده است، «... عروه اصحاب محمد ﷺ را می‌پایید، می‌گوید والله هرگاه رسول الله ﷺ بلغمی می‌انداخت، حتماً در دست یکی از آنان

۱- بخاری، الجهاد و السیر: (۲۹۴۱).

می افتاد و با آن صورت و بدنش را می مالید و هرگاه به کاری دستور می داد، بلافاصله، انجام می دادند، و چون وضو می گرفت، نزدیک بود که بر آب وضویش با هم درگیر شوند، و هرگاه سخن می گفت، همگی سکوت می کردند، به تعظیم وی هیچگاه به وی خیره نمی شدند، عروه در بازگشت به قومش گفت: والله من نزد پادشاهان، قیصر و کسرا و نجاشی بار یافته ام، والله تاکنون ندیده ام که اطرافیان کسی، وی را آن گونه که اصحاب محمد، محمد را تعظیم می کنند، تعظیم کنند، هرگاه بلغمی می انداخت، حتماً در دست یکی می افتاد و با آن صورت و بدنش را می مالید، و همه تن آماده ی انجام دستور وی بودند و اگر وضو می گرفت، نزدیک بود بر آب وضویش با هم درگیر شوند و هرگاه سخن می گفت، سکوت می کردند و هرگز، به احترامش به او خیره نمی شدند...»^۱.

انصاف مخالف در دل، بسیار تأثیر گذارتر از انصاف موافق خواهد بود و گر نه کسی که عظمتش به ستاره ی پروین رسیده است، نه ثنای کسی او را بلند می کند و نه مذمتش او را فرود می آورد!

آیا این طعنه زندگان که پیش از این گواهی خدا و رسول را درباره ی اصحاب رضی الله عنهم در و آن را بر محمل نادرستی حمل کردند، تا تاریخ را آن گونه که خود می پسندند، ترسیم کنند، این شهادت دشمنان را درباره ی عدالت صحابه و جایگاه بلند آنان و محال بودن ارتدادشان، می پذیرند؟

۷- ام مبشر می گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «لَا يَدْخُلُ النَّارَ

إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ. الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا...»^۲.

۱- بخاری، الشروط: (۲۷۳۲).

۲- مسلم، الفضائل: (۲۴۹۶).

«ان شاء الله کسی از اصحاب شجره که زیر آن (درخت) بیعت کردند، به جهنم نمی‌رود...».

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله روز حدیبیه به ما فرمودند: «أَنْتُمْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ». «شما بهترین اهل زمین هستید». و ما ۱۴۰۰ نفر بودیم، اگر امروز چشم‌هایم می‌دید، جای درخت را به شما نشان می‌دادم»^۱.
 نووی رحمته الله می‌گوید: «علما گفته‌اند: معنایش این است که قطعاً کسی از آنان به جهنم نمی‌رود و گفتن انشاءالله برای تبرک است نه شک»^۲.

جابر رضی الله عنه می‌گوید: «یکی از بردگان حاطب نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از حاطب شکایت کرد و گفت: یا رسول الله! حاطب به جهنم خواهد رفت، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «كَذَبْتَ لَا يَدْخُلُهَا فَإِنَّهُ قَدْ شَهِدَ بَدْرًا وَالْحُدَيْبِيَّةَ»^۳. «دروغ می‌گویی، او به جهنم نمی‌رود، زیرا در بدر و حدیبیه حضور داشته است». و نیز فرمودند: «...وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ عَلَى مَنْ شَهِدَ بَدْرًا قَالَ أَعْمَلُوا مَا سِئْتُمْ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ»^۴. «تو چه می‌دانی! خداوند اهل بدر را می‌شناخت و باز هم فرمود: هر چه می‌خواهید، بکنید، من شما را بخشوده‌ام» نووی رحمته الله می‌گوید: علما گفته‌اند: معنایش، غفران و بخشودگی آخرت است»^۵.

۸- عقبه رضی الله عنه می‌گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله رفتند و بر شهدای احد نماز خواندند، سپس برگشتند و به منبر رفتند و فرمودند: «إِنِّي فَرَطُ

۱- بخاری، المغازی: (۴۱۵۴)، مسلم، الإمامة: (۱۸۷۶).

۲- مسلم، شرح نووی ۵۸/۱۶.

۳- مسلم، الفضائل: (۲۴۹۵).

۴- بخاری، الجهاد و السير: (۳۰۰۷)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۴۹۴).

۵- مسلم، شرح نووی ۵۶/۱۶، نگا: فتح الباری ۸/۸۰۹ و المفهم ۴۴۲/۶.

لَكُمْ، وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ، وَإِنِّي أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِ الْأَرْضِ - أَوْ مَفَاتِيحَ الْأَرْضِ - وَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا»^۱.

«من پیشواز و گواه شما هستم، والله اکنون من حوضم را مشاهده می‌کنم، کلید گنجینه‌های دنیا به من داده شده است، من بیم ندارم که پس از من شرک کنید، اما می‌ترسم که برای کسب دنیا با هم به رقابت بپردازید.»

نووی رحمته می‌گوید: «این حدیث از معجزات رسول الله صلی الله علیه و آله است، زیرا خبر داده است که امتش مالک گنجینه‌های زمین خواهد شد، و این اتفاق، افتاد، و دیگر این که آنان جملگی مرتد نمی‌شوند و خداوند آنان را از این مورد مصون داشته است، البته در کسب دنیا با هم به رقابت می‌پردازند، که همه این پیشین گویی‌ها تحقق یافته است»^۲.

عینی رحمته می‌گوید: «این حدیث گویای این است که بر امت رسول الله صلی الله علیه و آله از شرک بیمی نیست، بلکه بیم رقابت در دنیا وجود دارد و آنان دچار حسد و بخل می‌شوند»^۳.

بنابراین، آن که طعنه زندگان گفته‌اند که، صحابه جملگی مرتد شده‌اند، مردود است، این حدیث که در آن از حوض هم یاد شده است، آن را رد می‌کند، والله اعلم.

۱- بخاری، الرقاق: (۶۵۹۰)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۶).

۲- مسلم، شرح نووی ۵۹/۱۵.

۳- عمدة القاري ۲۳۱/۸.

۹- بهز از طریق پدرش از جد خود روایت کرده است که می‌گوید:
 شنیدم که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَلَا إِنَّكُمْ تُؤْفُونَ سَبْعِينَ أُمَّةً أَنْتُمْ
 خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ ﷻ».^۱

«بدانید که شما هفتادمین امت و بهترین آنها و عزیزترینشان نزد خداوند
 هستیید».

ابن العربی رحمته می‌گوید: «از آن جا که پیامبر ما بهترین پیامبران است،
 امتش نیز بهترین امت‌ها است، ما نیز با برتری پیامبران، برتر شدیم».^۲
 ترمذی آورده است که رسول الله ﷺ پس از تلاوت آیه: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ
 أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. این را فرمودند.

آنچه ذکر شد، برخی از احادیثی است که بر فضل اصحاب رسول الله ﷺ
 دلالت دارد، هدف ما جمع آوری تمام آن احادیث که بسیار هم زیادند،
 نیست، هدف ما فقط تذکری است به آنان که دشمنی صحابه را دین خود
 قرار داده‌اند، تا شاید در آن اندیشه کنند و بدون تعصب در قرآن کریم تدبیر
 کنند و این آیات و احادیث را با عقول خود بسنجند نه با عقول دیگران و با
 چشم خود بنگرند نه با چشم دیگران، آن‌گاه خواهند دید که ابرهای تیره‌ی
 شک و تردید و تهمت از دیدگانشان کنار می‌رود، و دل‌هایشان که یک عمر
 دچار اضطراب و شک بوده و ظلمی موهوم را تصور می‌کرده است، از شک و
 گمان و پندارهای نادرست رهایی می‌یابد و خواهند دانست که ادعای آنان
 وهم و گمانی بیش نبوده و با واقعیت هیچ‌گونه هم خوانی، نداشته است،

۱- مسند احمد ۲۳۱/۳۳، (۲۰۰۲)، ترمذی: (۳۰۰۱)، ابن ماجه (۴۲۸۸)، دارمی:

(۲۸۰۲) و دیگران، حافظ ابن حجر در الإصابة و آلبانی و ارنووط آن را صحیح

گفته‌اند ۱۶۵/۱.

۲- عارضة الأحوذی ۹۷/۱۱.

آن‌گاه با دلی آرام و مطمئن سیره‌ی عطر آگین صحابه را که با آثار موجود و مشاهد آن سیره، کاملاً هماهنگ است، درک می‌کنند و با دل و جان می‌پذیرند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۰﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند ببامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوان هستی.»

بحث سوم: نکات مهم

اکنون این نکات را به شما خواننده‌ی منصف تقدیم می‌کنم:

نکته‌ی اول: [ایمان به قرآن مستلزم اقرار به فضل صحابه]

هرکس به قرآن، ایمان دارد به فضل صحابه، سابقین اولین اعم از مهاجرین و انصار و آنانی که به نیکویی از آنان پیروی کردند، ایمان دارد، و به سابقه، جهاد، حق مداری و عدالت محوری آنان، ارج می‌نهد، و از هر گونه دعوت مخالفی که می‌کوشد تاریخ صحابه را خدشه‌دار کند و یا از ارزش آن بکاهد و در عدالتشان طعنه‌ای بزند، بی‌زاری می‌جوید، زیرا قرآن کریم که کلام الهی، پادشاه مطلق و علام الغیوب است، حق و حقیقت است، و مدح و ثنایی که در آن آمده از روی علم و آگاهی است، نه جهل، و ایمان به آن لازم و ضروری است و هیچ اختیاری غیر از آن نیست، و گرنه تناقض کلام الهی لازم می‌آید، که آن محال است.

نکته دوم: [احادیث ممانت از حوض را صحابه روایت کرده‌اند]

احادیث ممانعت از حوض را صحابه رضی الله عنهم روایت کرده‌اند، اگر آن احادیث مسلمانی آنان را زیر سؤال می‌برد و یا آنان را به نفاق و یا رده متهم می‌کرد، حتماً آن را پنهان می‌کردند، آن گونه که بدخواهان آنان می‌گویند که صحابه، قرآن و فضائل علی رضی الله عنه و نصوص امامت بلافضل وی را کتمان کردند، و یاوه‌هایی از این قبیل که دروغ بودنش آشکار است.

نکته‌ی سوم: [از حوض‌رانده‌شدگان همان مرتدانی هستند که ابو بکر صدیق رضی الله عنه علیه آنها جنگید]

جنگ‌های رده که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله به فرماندهی ابوبکر صدیق رضی الله عنه علیه مرتدان و مانعان زکات صورت گرفت، بزرگترین دلیل این است که، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند، همان مرتدان هستند، و آن گونه که قبلاً گفتیم مانع از شمول دیگران نیست.

نکته‌ی چهارم: [آیات نفاق در مورد گروه مشخصی است]

آیات نفاق که بدخواهان و طعنه‌زندگان، صحابه را مصداق آن می‌دانند، در مورد گروه مشخصی است و فقط آنان را مذمت می‌کند و حوادث آن روزگار، آن را کاملاً تفسیر کرده است، آن آیات در وقایعی نازل شده که قرآن آن را ذکر نموده و احادیث تفصیلی آن را بیان نموده است و در کتاب‌های سیر و تاریخ ثبت شده است، آن وقایع و موضع‌گیری‌های عملی، صحابه را از منافقان متمایز نموده و مجالی برای بوالهوسان، باقی نگذاشته است تا تاریخ را آن گونه که خود می‌پسندند، ترسیم کنند.

نکته‌ی پنجم: [آیات ذم نفاق تنها ویژه منافقان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نیست، اما آیات مدح صحابه ویژه آنهاست]

در قرآن کریم از نفاق و منافقان بسیار سخن به میان آمده است، زیرا نفاق پدیده‌ای مخصوص زمان رسول الله ﷺ نیست و تا قیام قیامت استمرار دارد، کثرت این گونه آیات بیانگر کثرت منافقان در زمان رسول الله ﷺ و صحابه رضی الله عنهم نیست.

یک فرد عاقل، چگونه می‌تواند بپذیرد که اصحاب رسول الله ﷺ که در کنار ایشان بودند، منافق بوده‌اند، با آن که همه می‌دانند که رسول الله ﷺ از منافقان اعراض فرمودند و پس از غزوه‌ی تبوک و نزول سوره‌ی براءت دیگر به آنان بها ندادند و کسی از آنان را به خود نزدیک نفرمودند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٠﴾ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أُخْذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾﴾ [الأحزاب: ۶۰-۶۱].

«اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در مدینه باعث اضطراب می‌گردند، از کار خود دست نکشند، تو را بر ضد ایشان می‌شورانیم و بر آنان مسلط می‌گردانیم آن‌گاه جز مدت اندکی در جوار تو در شهر مدینه نمی‌مانند، نفرین شدگان و رانده شدگان، هر کجا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید».

اما آیاتی که صحابه رضی الله عنهم را می‌ستاید، ویژه‌ی همان نسلی است که خداوند متعال آنان را به دیدار رسول الله ﷺ و ایمان به ایشان مشرف گردانیده است، همان گونه که آنان را به خشنودی و محبت خویش مشرف گردانید و آنان نیز از خداوند خشنود شدند و وی را دوست داشتند، صحابه بودن مخصوص آنهاست و به نسل‌های بعدی متعدی نیست.

نکته‌ی ششم: ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ

اگر طعنه زندگان مصرانه بخواهند احادیث ممانعت از حوض را بر صحابه تطبیق کنند، یک فرد ناصبی^۱ می‌تواند بگوید: شما که می‌گویید: رسول الله ﷺ درباره‌ی علیؑ فرمودند: «هذا مني...» و «إن علياً مني...» - که در آن شکی نیست - بنابراین، منظور رسول الله ﷺ که در احادیث حوض فرمودند: «فأقول: مني...» علیؑ خواهد بود!

البته این سخن باطلی است که باطلی دیگر را رد می‌کند و اثبات جهل با جهلی دیگر است و هیچکدام از آن دو بر دیگری برتر نیست، و این ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ است ﴿وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا﴾ [المجادلة: ۲].

«آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند».

نکته‌ی هفتم: در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد

عاقلان می‌دانند که در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد، امکان ندارد که خداوند متعال گروهی را بستاید و فضایل آنان را برشمارد و بر موالات و دوستی آنان تأکید کند، سپس دستور به جنگ و دشمنی با آنان بدهد و یا این که ابتدا به کار نیکی امر کند سپس آن را نسخ کند و به جای آن به کار بدی امر کند، خدایی که علیم بذات الصدور است چنین نمی‌کند و این به معنای نسبت دادن جهل به خداوند است.

اگر فردی، شخصی دیگر را بستاید و اندکی بعد سخن خود را نسخ کند و دیگر بار آن فرد را نکوهش کند، این نشان از جهل و ناتوانی وی دارد، البته در مورد افراد، این مسأله عقلاً و شرعاً قابل توجیه و امکانپذیر است، زیرا

۱- کسی که بغض علیؑ را دین خود می‌داند. القاموس المحيط ص: ۱۷۲۰،

هیچ فردی از باطن و فرجام کسی دیگر آگاه نیست، اما آیا چنین چیزی برای خداوند متعال شایسته و امکانپذیر است؟! آیا اگر بپذیریم که رسول الله ﷺ با آن که موید با وحی بوده‌اند، از صحابه رضی الله عنهم آگاه نبوده‌اند، اما آیا خداوند متعال نیز از آن آگاه نبوده است؟!

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [ملک: ۱۴].

«آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست در حالی که او دقیق و باریک بین و آگاه است.»

نکته‌ی هشتم:

می‌دانیم که مرتد یا به خاطر شبهه‌ای از ایمان برمی‌گردد و یا به خاطر خواسته‌ای از قبیل پست و مقام، و این هر دو انگیزه در ابتدای اسلام قوی بوده است، اما کسی که در ابتدای اسلام، ایمانش هم چون کوه استوار بود، پس از ظهور آن همه آیات و معجزات، دیگر چگونه خواهد بود؟!

اما پیروی از خواسته‌های قلبی اعم از حب ریاست، مال، زن و یا جز آن، در ابتدای اسلام، وجیه‌تر به نظر می‌رسد، اما آنهایی که در ابتدای اسلام خانه و کاشانه و دارایی خود را رها کردند و از شرافت و عزت و مقامی که در مکه داشتند به خاطر محبت خدا و رسول، با میل خود از آن گذشتند، چگونه می‌توانند برای پست و مقام با خدا و رسولش به دشمنی برخیزند؟!

از این گذشته، علما همه بر این اتفاق نظر دارند که در میان مهاجرین، منافقی وجود نداشته است، و نفاق در میان قبایل انصار، آن‌گاه که اسلام در مدینه ظهور کرد، پدید آمد.

آن‌هایی که پس از رحلت رسول الله ﷺ مرتد شدند، همان‌هایی بودند که با شمشیر مسلمان شدند، و از مهاجران که با میل خود مسلمان شده بودند

حتی یک نفر هم مرتد نشد^۱، به این نکته بیندیش، حق و اهل حق را خواهی شناخت.

نکته‌ی نهم:

هرگاه بدخواه صحابه (شیعه) فرموده‌ی رسول الله ﷺ: «إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُمْوَا بَعْدَكَ». را ناظر بر داستان سقیفه بدانند، و بگویند که آن نخستین حادثه‌ای است که پس از رسول الله ﷺ رخ داد و منظور حدیث حوض همان صحابه هستند، در مقابل او کسی می‌گوید: نخستین حادثه پس از رسول الله ﷺ ارتداد اعراب از اسلام و خودداری از پرداخت زکات است، که ابوبکر صدیق و صحابه از جمله علی -رضی الله عنهم اجمعین- با آنان جهاد کردند، بنابراین منظور حدیث آنها خواهند بود.

در این مورد گفته می‌شود که:

نظر اول از نظر دوم نه پذیرفتنی‌تر است و نه قوی‌تر، خصوصاً که در داستان سقیفه کسی مرتد نشد- جز نزد شما- که همه امت را به سبب آن مرتد می‌دانید، و کسی غیر از شما چنین نظری ندارد!

اما درباره‌ی ارتداد عرب از اسلام همه‌ی امت به وقوع آن اذعان دارند، همان‌گونه که بر جهاد ابوبکر صدیق و صحابه ﷺ علیه آنان صحه می‌گذارند، جز شما که صحابه را کافر گفتید و عملکرد مرتدان را تأیید و عملکرد صحابه را تردید کردید.

از این گذشته، علی ﷺ تصمیم و انتخاب اهل سقیفه را پذیرفت و با میل خود - و یا با اکراه که شما می‌گویید- با ابوبکر صدیق ﷺ بیعت کرد، در هر

صورت او نیز مشمول رده‌ای می‌شود که برای صحابه اثبات می‌کنید و العیاذبالله.

نکته‌ی دهم:

اگر دشمن صحابه، بگوید که: آیات قرآن که صحابه را می‌ستاید، از حیث مجموعی است نه احادی^۱، بنابراین همه‌ی صحابه مشمول آن نیستند، می‌پرسم: آنهایی را که این تزکیه و ثنا شامل آنان می‌شود، برای ما نام ببر، می‌بینی که حتی تعدادی به اندازه‌ی انگشتان دست هم نام نمی‌برد!! آیا با این تعداد اندک دینی که تا قیامت باید بر دنیا حکم کند، پیروز و مسلط می‌گردد؟! اختلاف ما با آنان در مورد یک یا دو نفر نیست، بلکه در امثال: ابوبکر، عمر، عثمان و بقیه‌ی عشره و مبشره و اصحاب بدر و شجره رضی الله عنهم است، اختلاف ما درباره‌ی اعمالی نیست که به مقتضای بشریت از آنان سرزده است، که به خاطر آن دنیا را زیر و رو کرده‌اند! ما که آنها را معصوم نمی‌دانیم، بلکه اختلاف ما با آنان در این است که می‌گویند: همه‌ی آنان مرتد شده‌اند و از اسلام برگشته‌اند!!

۱- نگا: «حوار مع الشيخ صالح الدرویش»، جعفر سبحانی و «حوار هادی مع الدكتور القزويني» شیخ احمد سعد الغامدی.

پایان سخن

خواننده‌ی ارجمند...

من گمان می‌کنم که تو بر این آیات و احادیث نبوی بسیار اندیشیده‌ای و به آن دقت کرده‌ای و ترازوی عدل را در میان نهاده‌ای...

برایم همین کافی است که تو طالب حق و پیروی دلیل هستی و کورکورانه از کسی تقلید نمی‌کنی.. و عقل خود را حاکم کرده‌ای، تو با عقل خود می‌سنجی نه با عقول دیگران و با چشم خود می‌نگری نه با چشم دیگران، اگر واقعاً چنین باشد، مطمئن هستم که سپیده دم حقیقت به زودی برخواهد آمد و دیگر نشانه‌های رسیدن به مقصد نمایان است و با شنیدن نغمه‌های قرآن کریم که اصحاب محمد ﷺ را می‌ستاید و آنان را به وصف ایمان، صدق، رستگاری و دیگر صفات والا می‌نوازد و برترین جایگاه و رتبه‌ها را به آنان نوید می‌دهد و خصال و ویژگی‌هایشان را، حتی قبل از آن‌که به دنیا بیایند و هم بعد از آن، برای پویندگان حقیقت بیان می‌کند، تیرگی‌ها و تاریکی‌های حقد و کینه دیگر کنار می‌رود.

حتماً اندیشیده‌ای که آنهایی را که خداوند متعال آنان را به عنوان وزرا و اصحاب و خویشاوندان رسول خود پسندیده است، چگونه ما آنان را نپسندیم؟! آنهایی را که خداوند متعال به باغ‌های بهشت مژده داده است، چگونه از دین برمی‌گردند! آنهایی که برای رسیدن به رضای الهی، وطن، فرزندان، دوستان، خانه و کاشانه و سرمایه‌های خود را رها کردند، چگونه از حوض رسول الله ﷺ رانده می‌شوند؟! حقا که آنان به حوض سزاوارترند.

قطعا دیگر دانسته‌اید که متهم‌ساختن صحابه و معتقدبودن به این که

آنان از حوض رسول الله ﷺ رانده می‌شوند، و مرتد شمردن آنان پس از رحلت رسول الله ﷺ تهمت‌ی سبایی و حيله‌ای شیطانی است که حسرتی ابدی به دنبال خواهد داشت.

اگر با آیات ربانی و احادیث نبوی و براهین عقلی که برای آوردن، قانع شده‌ای، پس این همان چیزی است که امیدوار آنم و از خداوند متعال آن را می‌طلبم.

و اگر خلاف آن باشد، همین برایم کافی است که حجت آورده و راه را برای روشن کرده‌ام و هرکس گرایشی دارد که به سوی آن می‌رود.

وصلی الله وسلم وعلی نبینا محمد وعلی آله وصحبه...